



جرّاج راه

می‌خواهم بگویم که این (جنگ) یک کنج است. آیا‌ما‌خواهیم توانست این کنج را استخراج کنیم یا‌نه؟ این هنر‌ماست که بتوانیم استخراج کنیم. امام‌سجاد (ع)توانست همان چند ساعت کنج عاشورا را استخراج کند. امام‌باقر (ع)کوه‌پندار ایشان هم استخراج کردند و آنجنان این چشمه جوشان را جاری نمودند که هنوز هم جاری است و همیشه هم در زندگی مردم منشأ خیر بوده، همیشه پندار کرده، همیشه درس داده و یاد داده که چه کار باید کرد؟ الان هم همین‌طور است.

ازبیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی

جست‌وجوی اینترنتی در کتابخانه مرکزی آستان قدس

همزمان با چهاردهمین دوره هفته کتاب و کتاب خوانی، ایک (جست‌وجوی اطلاعات کتاب‌شناختی یا وب) و پایگاه واقفان و اهداکنندگان منابع اطلاعاتی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی افتتاح شد.

رئیس اداره خدمات کتابداری سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی با بیان این مطلب گفت: این سازمان در راستای اطلاع‌رسانی و معرفی منابع کتابخانه‌یی، دسترسی آسان مخاطبان به اطلاعات، با فراهم آوردن امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، جست‌وجوی اطلاعات را از طریق شبکه جهانی اینترنت فراهم آورده‌است.

محمد نعیم‌آبادی خاطر نشان کرد، منابع این کتابخانه با ورش استاندارد و در قالب ۳۸ پایگاه سازماندهی شده‌اند، که ۱۸ پایگاه آن از طریق وب‌سایت برای عموم قابل جست‌وجو و بازیابی‌اند.

وی پایگاه‌های کتاب‌های فارسی، لاتین، خطی، چاپ سنگی، منابع سمعی و بصری و پایان‌نامه‌های دانشجویی را برخی از پایگاه‌های اطلاعاتی عنوان کرد و افزود: علاوه بر پایگاه‌های قابل دسترسی از طریق اینترنت، سایر پایگاه‌ها نیز برحسب نیاز از طریق شبکه داخلی قابل مشاهده‌اند.

رئیس اداره خدمات کتابداری سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی به پایگاه واقفان و اهداکنندگان منابع اطلاعاتی اشاره کرد و گفت: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به‌عنوان یکی از گنجینه‌های بزرگ جهان اسلام مجموعه‌های بی‌ظرفی از میراث گران‌بهای علم و فرهنگ را در خود جای داده‌است، که در این بین، سنت حسنه و افتخار نقشی برجسته‌ای در فضای این گنجینه داشته‌است.

نعیم‌آبادی اضافه کرد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با توجه به اهمیت وقت و به‌رسم سپاس، پایگاه واقفان و اهداکنندگان منابع اطلاعاتی را در نرم‌افزار کتابخانه‌یی سازمان ایجاد کرده‌است، تا اطلاعات واقفان و اهداکنندگان کتاب و کتابخانه از طریق شبکه داخلی قابل جست‌وجو، مشاهده و بازیابی باشد.

ایک سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی از طریق نشانی **www.aqibnary.org** قابل دسترسی است.

<div><div></div><div>هوالیاقی</div></div> <div><div></div><div>پژوهنده، دانشور و فرهیخته، جناب آقای دکتر دادیه مصیبت وارده را به چت‌ایلمانی تسلیت گفته و برایتان از درگاه حضرت حق، صبر و اجر مسألت داریم.</div></div>	<div><div></div><div>خانه کتاب</div></div>
---	---

وزیر ارشاد، طی یک سال گذشته

رشد فرهنگی سه برابر شد

اجلاس دوروزه دبیران شورای فرهنگ عمومی استانهای کشور چهارشنبه گذشته در سالن اجتماعات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان آغاز به کار کرد.

علی ملائوری مدیرکل دبیرخانه این شورا، در ابتدای نشست با ارائه گزارشی از آغاز به کار شورای فرهنگ عمومی در استان‌ها گفت: در ابتدای سال ۱۳۸۵ تنها در ۱۷ استان از ۳۰ استان کشور شورای فرهنگ عمومی مشغول به کار بود اما هم‌اکنون در همه استان‌ها دبیرخانه‌شورا فعال شده‌است.

وی افزود: در هفته‌های اخیر و همزمان با سفر ریاست جمهوری به استان کردستان، شورای فرهنگ عمومی در این استان نیز آغاز به کار کرد. وی تصریح کرد: ریاست شورای فرهنگ عمومی در استانها با اتمه جمعه استان است و استانداران سراسر کشور هم به‌عنوان نایب رئیس شورای فرهنگی عمومی فعالیت می‌کنند.

در ادامه محمد حسین صفارهرندی - رئیس شورای فرهنگ عمومی کشور - گفت: «عصاره آنچه که به‌عنوان فرهنگ به‌ما سپرده شده و ما را موفق به نتایجش کرده اند همان چیزی است که از آن به‌عنوان فرهنگ عمومی یاد می‌کنیم.

وی افزود: بعد از مطالعه گزارش‌های تهیه شده در استانها به این نتیجه رسیدم که ما از یک وضعیت محدود به یک نتیجه مطلوب رسیده‌ایم. شاید از سال گذشته تا به امروز رشد ۳۰۰ درصدی فرهنگی داشته‌ایم و این خلاصت هدفنا گذاری جدی است. شورای فرهنگ عمومی در مرکز (تهران) قسم شورای عالی انقلاب فرهنگی است و آنچه که در واسطه به‌شورای عالی انقلاب فرهنگی مرتبط می‌شود و روشن است که معضولات آن لازم‌الاجرای است.

انقلاب‌ها نباید بر خلاف آنچه که شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرده موضع بگیرند، و دبیران کل شورای فرهنگ عمومی در استان‌ها باید به دستورات شورای فرهنگ عمومی مرکز عمل

کنند.

محمد حسین صفارهرندی یادآور شد:

شورای فرهنگ عمومی در هر استان موضوعاتی دارند که مختص به همان استان است و سرمایه‌گذاری شورای فرهنگ عمومی در استانها باید روی همین موضوعات استانی مختص به خودشان باشد. در شوراها‌ی فرهنگ عمومی باید روی این موضوع پژوهش کنند که ما در گذشته - از نظر فرهنگی - چه بوده‌ایم و هم‌اکنون چه بر سر ما آمده‌است، و آیا احیاناً شرایط ارتقاء و رشد فراهم شده‌است؟

وی تصریح کرد: کار شورای فرهنگ عمومی این است که ببینید چقدر از فرهنگ مینا - که ما اعتقاد داریم هرچه به گذشته برگردیم بهترین



ویژگی‌ها را می‌بینیم - قبل از این که با بعضی از نشانه‌های آمده از بیرون فاصله گرفته‌است، و ما هنوز شبیه‌یون زده نشده بودیم.

رئیس شورای فرهنگ عمومی کل کشور خاطر نشان کرد: وضعیت گذشته‌ما به نسبت امروز مطلوب‌تر بود و برای تیل به شرایط دست نخورده گذشته، ما نیازمند پژوهش فرهنگی هستیم و تحقیقات عملی‌ما باید ما را به نقطه‌ای سواله دهد که در آن شرایط عباری بر فرهنگ حقیقی این مردم نشده‌بوده.

به گزارش مهر، فراد و در پایان دومین روز از نشست دوروزه دبیران شورای فرهنگ عمومی استانها، بیانیه، اهداف، سیاست‌ها و وظایف شورای فرهنگ عمومی منتشر خواهد شد.

تجلیل از کتاب در ایران ، فضاخت در کتابخانه آمریکا

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با بیانیه ای در خصوص ضرب و شتم دانشجوی ایرانی در کتابخانه دانشگاه آمریکا ضمن محکوم کردن این رفتار نکان دهنده مدعیان رعایت حقوق بشر، خواستار تدوین منشور اخلاقی استفاده از کتابخانه‌ها در سراسر جهان شد.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در این بیانیه آورده است: انتشار غیر نامفید انگیز ضرب و چرج یک دانشجوی ایرانی نیاز در کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا ای آمریکا موجی از ناراحتی و نفرت عمومی را در میان اهالی فرهنگ و کتاب در کشور عزیزمان در بر داشته است.

این اقدام متزجر کننده پلیس ایالات متحده در حالی رخ می دهد که جمهوری

دربیی اقدامی غیر قانونی

خانه کتاب از طراح انتشارات گاج شکایت کرد

دربیی ایک یک شرکت انتشاراتی در استفاده غیر قانونی از طرح های یکی از نشریات مشرع خانه کتاب به نام کتاب هفته خانه کتاب از طراح این انتشارات شکایت کرد. سعید اسماعیلی مدیر روابط عمومی خانه کتاب در گفت و گو با ستاد خبریی چهاردهمین دوره هفته کتاب گفت:چندی پیش تعدادی از طرح های یک خانه کتاب جهت چاپ در هفته نامه کتاب هفته به طرح سفارش داده بود در تبلیغات شهری انتشارات گاج مشاهده شد.

به گفته سعید اسماعیلی در یکی مسوولان خانه کتاب مشاهده شد طرح این آثار را پس از چاپ در کتاب هفته طی قراردادی مجدد به این انتشارات فروخته است. این در حالی ست که متن استفاده مدیی و معنوی این طرح ها متعلق به خانه کتاب صاحب امتیاز هفته نامه است. اسماعیلی همچنین یادآور شد: آنجایی که خانه کتاب در این سال ها همیشه در کنار هنرمندان و نویسندگان بوده است از آن ها انتظار دارد به اصول حرفه ای و اخلاقی پاینده باشند.

اهدای کتاب های مرجع علمی به دانشگاه عثمانیه هند

همزمان با هفته کتاب مجموعه ای از کتاب های مرجع زبان فارسی در مراسمی که دیروز در دانشگاه عثمانیه شهر حیدرآباد هند برگزار شد به این دانشگاه اهدا گردید.

دربیی مراسم حسین غریلو معاون سرکنسولگری جمهوری اسلامی در حیدرآباد دکتر پی وی، راتو رئیس دانشکده هنر و ادبیات دانشگاه عثمانیه، دکتر تنویرالدین رئیس بخش زبان فارسی و جمعی از دانشجویان ایرانی و هندی دانشگاه عثمانیه حضور داشتند.

رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی درهمایش قرآن کریم و مسائل جامعه معاصر:

قرآن ، نبض جامعه امروز را در دست می گیرد



هیایش بین المللی قرآن کریم و مسائل جامعه معاصر و بزرگداشت شخصیت علمی ارفع استغنیای با حضور جمعی از اندیشمندان و محققان قرآن کریم هفته گذشته به مدت سه روز در دانشگاه اشعنان برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمود محمدی عراقی-رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی- در مراسم افتتاحیه این همایش در سخنانی گفت: قرآن کتاب علم و ایمان و عشق و عرفان است و این کتاب همواره کتاب زندگی و هدایت‌کننده انسان‌ها در همه عصرها و نسل‌ها بوده است. قرآن تنها کتاب جاودانه خداوند و پیامبر (ص) است که مصطفی‌ها توسط خدا بدون هیچ شک و ریبی در آن فرستاده شده و در مان همه بحران‌های اخلاقی و معنوی جامعه امروز است.

وی افزود: اگر چه کتاب‌های آسمانی دیگری از جمله تورا و زبور نیز از سوی خداوند برای هدایت بشر نازل شده‌اند، اما متأسفانه این کتاب‌ها بحرف رفته شده‌اند و تنها قرآن کریم است که تماما بر قلب نورانی پیامبر اشعنانی (ص) بدون یک حرف کم و یا زیاد به عنوان مجوز و تائید الهی باقی خواهد ماند. محمدی عراقی با بیان این که بیش از ۴۰۰۰ مقاله داخلی و خارجی به میزبانی همایش بین‌المللی قرآن کریم فرستاده شد، است اظهار داشت: از این میان، ۳۳ مقاله از نویسندگان خارجی و ۵۰ مقاله از نویسندگان داخلی در قالب پنج کارگروه قرآن و علوم، قرآن و مسائل اجتماعی، قرآن و مسائل سیاسی، قرآن و مسائل حقوقی، و قرآن و مسائل اقتصادی ارائه خواهند شد. همچنین نمایشگاه تخصصی از پژوهش‌های قرآنی و فعالیت‌های اسلامی و فرهنگی خاص مربوط به اشعنان برپاست. محمدی عراقی با اظهار به انتشار کتاب در ایران به گفت: سالانه حدود ۴۰۰ هزار عنوان کتاب در ایران به چاپ می‌رسد که از این نظر، کشور ایران مقام اول را

نمایشگاه عکس و کتاب «لبیک» گشایش یافت

نمایشگاه عکس و کتاب لبیک چهارشنبه گذشته با حضور قائم مقام ریاست سازمان صدا و سیما و مدیر امور حج و زیارت سازمان صدا و سیما و مدیر شبکه تلویزیونی اینترنتی یکیت افتتاح شد.

دربان نمایشگاه که در جوار مقبره الشهداءی مسجد بلاال صدا و سیما برگزار شده، عکس‌هایی از مناسک حج و کتاب‌هایی در این رابطه به معرض نمایش در آمده‌اند.

در حاشیه افتتاح این نمایشگاه، هردوست، قائم مقام ریاست سازمان صدا و سیما درباره برگزاری این نمایشگاه در گفتگی با فارس، گفت: نمایشگاهی که الان برگزار شده و مورد بازدید قرار دارد اجابت یکی از خواسته‌های دیرینه سازمان صدا و سیما است که

در هشتمین روز هفته کتاب صورت گرفت

تقدیر از کتابخوانان و کتابداران نمونه

مراسم تقدیر از کتابخوانان و کتابداران نمونه کشور چهارشنبه گذشته با حضور مسئولان فرهنگی کشور برگزار شد. به گزارش ستاد خبری چهاردهمین دوره هفت کتاب عمومی، اسلانی ایران، در این مراسم که به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برپا شد، در ابتدا محمدحسین ملکا محمدی، مدیر کل کتابخانه‌های عمومی کشور گزارشی از فعالیت‌های سال گذشته این نهاد ارائه داد.

ملکا محمدی اجرای طرح فناوری اطلاعات،

در نظر دارد حج و وارد زندگی روزمره مردم بکند و از برخورد موسمی با حج در استقامت خود جلوگیری کند.

وی افزود: برگزاری این نمایشگاه را از برکات هفته حج می‌دانم هر چند که همه ایام ما یام حج است و جامعه مومنین ما وقتیکه به حج مشرف می شوند و بر می گردند تلاش می کنند آن احرام را احرام ایندی کنند هر چند که در ظاهر آن احرام خارج می شوند و لیکن دوست دارند آن احرام را همیشه همراه خود داشته باشند.

وی در ادامه گفت: همواره به همراه خود داشتن احرام لازم‌اش این است که ما حج را وارد زندگی عادی مردم بکنیم و تلاشمان این باشد که مردم پیش

از گذشته با اسرار و معارف حج آشنا شوند و در کنار این نمایشگاه مهم تر شبکه تلویزیونی اینترنتی لبیک که الان چند سال است شغول فعالیت است و روی شبکه اینترنتی است، از اقدامات بسیار مفیدی است که در راستای علم بر خورد موسمی با حج آغاز شده است.

هنر دوست در ادامه اظهار داشت: از نعره‌های بسیار مدحوب شبکه اینترنتی، تلویزیونی لبیک بسیار ساری فضای اینترنتی است که جامعه مومن ما بدانند که اگر مسائل و نکته‌های غیر اخلاقی در اینترنت یافت می شود مسائل مدحوب و بربر کنی مثل شبکه لبیک و مسائل مشابه آن هم در شبکه اینترنتی می‌تواند وجود داشته باشد.

کشور بیانیه این نهاد را به مناسبت چهاردهمین دوره هفته کتاب و روز کتاب، کتابدار و اطلاع‌رسانی فراتر کرد، در این بیانیه بر لزوم بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات تأکید شده بود.

استاندار استان مرکزی و یکی از خبیرین مدرسه‌ساز استان زنجان از دیگر سخنرانان این مراسم بودند. در پایان مراسم از ۱۰ کتابخوان نمونه کشور، کتابداران نمونه و خبیرین نمونه در امر کتابخانه‌سازی تقدیر شد.

در صورت تصویب یونسکو انتخاب می‌شود

شیراز ، دومین شهر ادبیات جهان

مدیریتادفارس شناسی گفت: مستندات لازم برای انتخاب شیراز به عنوان دومین شهر ادبیات جهان تدوین شده که به زودی برای ارائه به تهران ارسال می‌شود.

دکتر سعیدزاهد افزود: در جمع آوری و تدوین این مستندات سازمانهای مختلفی بااین بنیاد همکاری داشتند.

وی گفت: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، سازمان میراث فرهنگی، سازمان میراث و برنامه‌ریزی، سازمان صنایع دستی، دانشگاه شیراز، شهرداری و شورای شهر شیراز و خبرگزاری جمهوری اسلامی و احداثساز فارس نیز از دیگر ادارات نهادهایی بودند که برای تهیه مستندات قابل ارائه به یونسکو، به زیادفارس شناسی باری رساندند.

زاهد افزود: نهادهای یادشده در زمینه تهیه اطلاعات از جغرافیای شهر شیراز، اطلاعات اجتماعی و جمعیتی این شهر و نیز مشخصات صنایع فرهنگی نظیر وضعیت نشر و چاپ و صنایع دستی موجود در این شهر، مشارکت داشتند.

وی اظهار داشت: میراث فرهنگی ادبی شیراز مانند دانشگاهها و مراکز علمی که به تربیت نیر ویلسانی اشتغال دارند، دانشگاه استان، دانشوران و انجمن‌های ادبی که در گذشته حال در شیراز فعال بوده و هستند و نیز برخی از چهره‌های برجسته و شاخص ادبیات شهر شیراز از جمله موضوع‌ها و مستندات استی که در گزارش تهیه شده، بدلها پرداخته شده‌است.

مدیریتادفارس شناسی بیان داشت: برای مبادرت به تدوین وجهه این مستندات اوبل تابستان اسال به استانداری فارس مامورت داده‌شد و این مستندسازی برنامه‌ریزی برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز در این زمینه را به بنیاد فارس شناسی محول کرد.

زاهد گفت: در اواخر تابستان اسمال کارگروهمهای مورد نظر تشکیل شد، ابواسط مهرماه اسمال اطلاعات جمع آوری شده توسط کارگروهمها به بنیاد فارس شناسی تحویل شد و این بنیاد ابواسط هفته جاری گزارش تهیه شده از مستندات شهر شیراز را به کمیته اجرایی استانداری فارس ارائه داد.

وی بیان داشت: با توجه به مستندات استی که شهر شیراز تهیه شده و نیز با در نظر گرفتن شمار نویسندگان و شعری و مناخر و معاصر این شهر همچنین با لحاظ ندون پیشینه میراث فرهنگی شهر شیراز نسبت به تقویت یافتن پیشنهاد یونسکو مبنی بر پیشنهاد شیراز به عنوان دومین شهر ادبیات جهان، خوشبین و امیدوار هستیم.

زاهدافزود: دبان مستندات گردآوری شده طرف هفته آینده برای ارائه به مسوولان فرهنگی دفتر یونسکو در تهران ارسال می‌شود و نتایج آنان گزارش تدوین شده ابواسط و کافی بداند، نسبت به ارسال آن به مقر یونسکو در پاریس اقدام می‌کند. سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) پیشنهاد قرار گرفتن شیراز در ریفب شهرهای عتلاق و شناختن این شهر فرهنگی به عنوان دومین شهر ادبیات جهان را اسمال ارائه داد و مسوولان و برنامه‌ریزان فرهنگی شیراز در این راستا به مستندسازی قابلیت‌های فرهنگی ادبی شیراز ارائه این مستندات به یونسکو پرداختند.

پیشتر یونسکو شهر ادینبورگ (اسکاتلندرو) و ادینبورگ (اسکاتلند) را به عنوان نخستین شهر ادبیات جهان شناخت و پیشنهاد یونسکو برای شناختن شیراز به عنوان دومین شهر ادبیات با مستندسازی آثار و یادمان‌های فرهنگی و ادبی از سوی بنیادفارس شناسی حاصل یگیری است.



سیره پیامبراعظم(ص)

از نگاه امام خمینی(ره)

کتاب «سیره پیامبراعظم(ص) از نگاه امام خمینی(ره)» توسط کمیته بین‌المللی ستاد بزرگداشت سال پیامبراعظم(ص) به زودی منتشر خواهد شد.

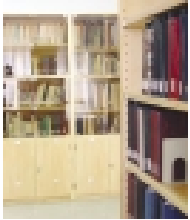
احسان خواجهی مدیر عامل نشر الهدی گفت: این کتاب به کوشش محمدسالار تدوین شده و در هفت بخش به همراه مقدمه و فهرست منابع و مآخذ، آخرین مراحل چاپ را پشت سر می‌گذارد.

خواجهی گفت: بخش‌های مختلف این کتاب دربرگیرنده ابعاد مختلف شخصیت پیامبر مکرم اسلام است. انگیزه بحث پیامبراعظم از نگاه حضرت امام(ره) تقبی به جنبه شخصی و درونی حالات حضرت پیامبر(ص)، قانون مداری در سیره نبوی، رحمت و مهرورزی در سیره پیامبر(ص) و تواضع و فروتنی پیامبر(ص) (مسواقت در سیره نبوی شیخ بخش این کتاب را تشکیل می‌دهند.

راه‌اندازی کتابخانه تخصصی

دفاع مقدس در اهران

کتابخانه تخصصی دفاع مقدس و نمایشگاه کتاب و تازه‌های نشر استان خوزستان در کتابخانه



شهید رجایی راه‌افتاد شد.

شهید فریدمان کل بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خوزستان هدف از تشکیل این کتابخانه تخصصی پژوهشگران و محققان هنرمندان، محققان و پژوهشگران به آثار و کتاب‌های دفاع مقدس عنوان کرد و گفت: کتابخانه شخصی دفاع مقدس یک نیاز ضرورت برای استان است. با رازینی با اادوار کل و فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان یک هزار و ۵۰۰ عنوان کتاب در بخش مجزا به کتابخانه شهید رجایی اهران منتقل شد. دواستداران این حوزه می‌توانند از این کتاب‌ها که تا ماه‌های آینده به سه هزار و ۵۰۰ عنوان افزایش می‌یابند استفاده کنند.

همایش بین‌گداشت

روزیچانی فلسفه در تبران

همایش بین‌گداشت روزیچانی فلسفه، بیست و نهم آبان‌ماه از سوی بنیاد حکمت اسلامی صدرا و با همکاری دبیرخانه کمیسیون فرهنگی یونسکو در ابران برگزار شد.

در این همایش آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا به معرفی برنامه‌ها و فعالیت‌های علمی و پژوهشی بنیاد پرداخت.

غلامحسین ابراهیمی دبئانی، غلامرضا اعوانی، شاپور اعتماد، یوسف ابافزری، شهرام پازوکی، عبدالکریم رشیدیان، ضیاء محمد، سیدمصطفی محقق داماد، حسین کلیایی، محمد

ایلفاتی و توکل از جمله سخنرانان این نشست بودند.

ترجمه سروده‌های شاعر عراقی

به فارسی

برای اولین بار اشعار شاعر عراقی به زبان فارسی ترجمه شد.

امین و توکتلیب مجموعه‌های از اشعار جمال‌جمعه شاعر مهاجر عراقی با ترجمه عباس نزاری منتشر شد. آثار جمال‌جمعه تاکنون به زبان‌های آلمانی، ترکی، انگلیسی، سوندی، فرانسه، آلمانی و ترکی ترجمه شده است و کتاب امین و توکتلیب با نام اصلی «کتاب الکتاب» نخستین ترجمه آناروی به زبان فارسی است که از سوی نشر نژیوگ در اختیار علاقه‌مندان ادبیات قرار گرفته است.

خاطره بهترین کتابی که خوانده‌اید

کتابخانه شهید فهمیده فرهنگسرای بهمن در راستای ترویج و اشاعه فرهنگ کتابخوانی مسابقه خاطره‌نویسی با عنوان «بهترین کتابی که خوانده‌اید» را برگزار می‌کند.

به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای بهمن علاقه‌مندان به شرکت در این مسابقه می‌توانند با نوشتن بهترین و زیباترین خاطرات خود درباره کتاب‌هایی که تاکنون مطالعه کرده‌اند در این مسابقه شرکت کنند.

«فرهنگ املایی خط فارسی» منتشر شد

فرهنگ املایی خط فارسی به کوشش علی اشرف صادقی و زهرا زانندی مقدم در ۲۰ هزار مداخل و ۲۱۰ صفحه منتشر شد.

با توجه به اینکه دسترسی به تمام قواعدی که در دستور خط فارسی مصوب شده است برای همگان امکان‌پذیر نیست و از سوی دیگر، عموم نویسندگان هنگام نوشتن کلمات مرکب و مشتق و بعضی کلمات چند املایی دچار تردید می‌شوند فرهنگستان زبان و ادب فارسی اقدام به انتشار این فرهنگ املایی کرده است.

در این فرهنگ که توسط گروه دستور زبان فارسی تدوین شده مجموعه‌ای از کلمات رایج فارسی امروز با توجه به قواعد دستور خط فارسی منتشر شده است.

بزرگداشت سلمان هراتی

در دانشگاه تبران



مراسم بزرگداشت سلمان هراتی اول آورام در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برپا شد. این مراسم با حضور قصبر امین پور، سیدضیاءالدین شفیعی و میراحمد میراحسان برگزار شد. بررسی و ارزیابی مجموعه کمال شهرهای سلمان هراتی با حضور طغرل جمده مرشد و محسن زرزان هم‌پکی با برپانه‌های بزرگداشت سلمان هراتی است که ۱۵ آذرماه در دانشگاه ادبیات و علوم انسانی برپا خواهد شد. «از این ستاره تا آن ستاره» دهری به خانه غورشد.» «از آسمان سبز» گزیده ادبیات معاصر (۲) و شعرهای سلمان هراتی» مجموعه‌ای از آثار سلمان

هراتی است.

فهرست برداری از کتب خطی

کتابخانه‌های خطی



اطلاعات مربوط به بخشی از نسخ خطی کتابخانه‌های معتبر جهانی به کوشش کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره) در بیست جلد جمع‌آوری شده است.

حجت‌الاسلام سیدمحمد مرعشی تولّبت این کتابخانه گفت: از ۱۰ سال قبل تاکنون کشورهای که کتابخانه نسخ خطی دارند ولی فهرست‌برداری دقیقی از آنها صورت نگرفته شناسایی و با اعزام نیروهای متخصص سعی شده تا فهرست دقیقی از کتب خطی جمع‌آوری شود.

وی افزود: تاکنون فهرست نسخ خطی از کتابخانه‌های جمهوری دافستان، چک، مصر، آفرین، ایگنستان، یمن، تاجیکستان، ترکمنستان و روسیه گردآوری شده است و در این راستا پیش از هشت هزار نسخه خطی در کتابخانه فهرست‌نگاری شده و تاکنون فهرست برداری از نسخ خطی موجود در کتابخانه‌های ایران در ۲۳ جلد جمع‌آوری شده است.

کتابخانه‌های روستایی تجهیز شدند

معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی به مناسبت هفته کتاب تعدادی کتاب - به ویژه کتاب‌های دینی - به ارزش دو میلیارد ریال به کتابخانه‌های روستایی و شهرستان‌های محروم کشور اهدا کرد.

به گزارش روابط عمومی سازمان تبلیغات اسلامی، حجت‌الاسلام موسوی هوانی معاون پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی برخی از اهداف مهم این طرح را ارتقای فرهنگی «دینی در مناطق روستایی و شهرستان‌های محروم و تجهیز کتابخانه‌های کشور در حوزه کتب دینی برای استفاده علاقه‌مندان عنوان کرد.

معاون پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی گفت: این معاونت، از ابتدای سال ۱۳۹۵ اقدام به تجهیز کتابخانه‌های کشور در حوزه مساجد، دانشگاه‌ها، شهرستان‌های محروم و روستاهای تحت عنوان کتابخانه‌های کشتنکار کرده است. این امر تا آخر سال ۱۳۹۵ مبلغ ۱۰۸ میلیارد ریال ادامه می‌یابد. این کتابخانه‌ها با ۱۳۰ عنوان کتاب با موضوعات اخلاقی، فلسفه دین، عرفان، کلام دین، تاریخ و تمدن اسلامی و کتاب‌های تربیتی و ویژه کودکان تجهیز شده است.

همایش «تا سحر یا مولوی»

همایش «تا سحر یا مولوی» با موضوع گرامیداشت عرفان و ادب فارسی دوم آذرماه در فرهنگسرای فکر برگزار شد.

این همایش که با حضور استادان و پژوهشگران ادب فارسی برگزار شد به بازخوانی شتونی معنوی پرداخته شد.

رونمایی ۸۸ کتاب دفاع مقدس

معاونت ادبیات و انتشارات حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، مراسم رونمایی ۸۸ عنوان کتاب را ۱۳ آذر برگزار می‌کند. علی رستمی مدیر انتشارات این بنیاد گفت: انتشارات بنیاد سال گذشته حدود ۱۲۶ عنوان کتاب منتشر کرده است و امسال نیز ۸۸ عنوان کتاب را در هفته دفاع مقدس به چاپ رسانده است.

بنیاد حفظ آثار سال گذشته نیز براساس سخنان رستمی ۱۲۶ عنوان کتاب منتشر کرد.

برپایی نمایشگاه عکس کتاب

در نیشابور

همزمان با چهاردهمین هفته کتاب، نمایشگاه عکس کتاب در محل نگارخانه کمال‌الملک اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیشابور برپا شد.

به گفته حمیدرضا آنتشی سرپرست کتابخانه‌های عمومی نیشابور، این امر با هدف ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی در بین شهروای مختلف جامعه و استفاده از شیوه‌های هنری به عنوان شیوایترین و سراسرترین بیان دیدگاه‌های مختلف ایجاد فضای پر نشاط برای توجه به مطالعه انجام شد.

در این نمایشگاه ۲۷ قطعه عکس سیاه و سفید و رنگی که عکس‌های برگزیده عکاسان آسیا پوریه کتاب و کتابخوانی است در معرض نمایش قرار گرفته است.

راه‌اندازی خیابان کتاب در تبران

به گفته‌معاون فرهنگی سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در یکی از پایانه‌های خیابان انقلاب و با کریم خانزاد، خیابان کتاب والدادی می‌شود. امین متولیان گفت: موضوع کتاب و کتابخوانی از اولویت‌های فرهنگی شهرداری تهران در شش ماهه دوم سال جاری است. مدیریت شهری ایجاد محور می‌تواند در ترویج فرهنگ کتابخوانی موثر باشد که مهم‌ترین این بخش‌ها تبلیغ است.

نشست پژوهشگران نسخ خطی در

دانشگاه یزد برگزار شد

مدیر روابط عمومی کتابخانه‌های مجلس شورای اسلامی در نشست پژوهشگران نسخ خطی که با حضور اعضای هیات رییسه آکادمی نسخ خطی اسلامی در دانشگاه یزد برگزار شد، گفت: این گروه با هدف بررسی علمکرد استناد دانشگاه یزد درباره نسخ خطی و نیز دیدگاه‌ها و تجربیات آن‌ها به این استان سفر کرده‌اند.

احسان شکراللهی در این نشست اظهار داشت: در بعضی از کشورها به نسخ خطی و اسناد خود به‌عنوان منبع درآمد نگاه می‌کنند، به طوری که در کشور انگلستان درآمد حاصل از منبع اسناد خطی از درآمد نفتی کشور ایران پیش‌تر است.

وی افزود: دیدم‌ای به نسخ خطی از جاش‌های این نسخ است، چراکه باید به صورت رنگان در اختیار پژوهشگران قرار گیرند و باید با بررسی جنبه‌ها و سوده‌های مادی و معنوی مستجد که کلام ارزشش بیش‌تر را داراست.

شکراللهی به دو رویداد اخیر کشورمان اشاره کرد و افزود: یکی از این رویدادها دیجیتال شدن دایره‌المعارف بزرگ اسلامی است که در آن کلمه نسخ خطی به صورت دیجیتال آرا به شده است و ۱۰ نسخه آن نیز ترجمه و تصحیح شده است.

وی رویداد دیگر را دیجیتال شدن کتابخانه مرکزی دانشگاه شیراز عنوان کرد و گفت: همه نسخ خطی دارای یکی ارزش‌های بی‌نهایت، به‌عین دلیل به اولویت‌بندی در درجه‌بندی نیاز دارند و باید نسبت به قدمت و ارزش تقسیم‌بندی شوند و تصاویر آنان را در اختیار پژوهشگران و محققان قرار دهند.



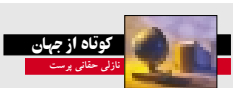
پسخوان جهانی

ترجمه مهدی جدی‌تا

شخصیت های داستانم را با نوه هایم اشتباه می گیرم

«ایزابیل آئنده»رمان‌نویس شیلیایی، با آخرین رمان تاریخی خود طوفانراش را شگفت زده کرد. این نویسنده این بار با الهام گرفتن از زندگی یکی از زنان تاریخ سازکشورش توانست رمان تاثیرگذار و در عین حال پرفروشی بیوسید. وی در این اثر که از سوی انتشارات «هارپو ماکتی» به چاپ رسیده، با نگاهش موشکافانه و ظریف زندگی باشوب «ایس سوارس» یکی از بانان ناشدهن شهر سانتیاگو را روایت می کند. نزدیک ۲۵ سال از انتشار نخستین کتاب آئنده با عنوان «خانه ارواح می‌گذرد از آن پس وی» ۱۶ اثر دیگر را روانه بازار کرد و نتها در رمان «پائولا» که قصه بسیاری مهلک دختر ۲۸ ساله اش را روایت می کند وویکدری کمترین ردیایی که اصولا نویسندگان مرنو نوشته اند، حساب است. «ایس درون من» دومین رمان تاریخی آئنده است. این نویسنده ۶۵ ساله در حال حاضر در سانفرانسیسکو زندگی می کند و در گفت و گو با خبرگزاری رویترز عنوان داشته که این روزها حضور «ایس سوارس» همانند غبار آخرین مماشش که در زندگی عادی او هم پدیدگن شده و به نوعی وسواس آئنده را نسبت به نوشتن بیشتر کرده است.

چرا تصمیم گرفتید درباره ایس سوارس بنویسید؟ همه در شیلی درباره وی شنیده اند اما در کتاب های تاریخی که اصولا نویسندگان مرنو نوشته اند، کمترین ردیایی هم از حضور وی به چشم نمی آید. وی زن قدسیه ای نبود اما مثل خیلی از دیگر زنان تاریخسرای بر واقع پیرامونش داشته من این کتاب را تنها به این دلیل نوشتم چون شفته داستان خوب هستم و در این رابطه همه چیز از جنگ و طمع گرفته تا حسادت و انتقام عشق بازی کرده.



کوتاه از جهان

مقالی هفتگی پوست

پژشک‌آور ژانس جایزه امپی «گیل» را برد

«نوسان لا»؛ پژشک ژورژس نورتو برنده جایزه امپی «گیل پرابو» شد. این پژشک ۳۲ساله که سال گذشته کمک شایانی در گذر از بحران سارس کرده بود، با نوشتن مجموعه خاطرات خود در قالب داستان کوتاه توانست توجه جامعه ادبی کانادا را به خود جلب کند. وی از دریافت این جایزه ابراز شگفتی فراوانی کرده بود و مدام تکرار می کرد: «من واقعا مبهوتام».

جایزه امپی «گیل پرابو» یکی از باارزش ترین جوایز ادبی در کاناداست. ارزش نقدی این جایزه چیزی حدود ۲۳۲۵۰ دلار است. از دیگر نویسندگانی که پیش تر این جایزه را دریافت کرده می توان به مارگارت آئوده، موردرکای ریچلر و «السی مونرو» اشاره کرد. ونسان لام که نخستین اثرش را درباره یک تیم پزشکی نوشته است، عنوان داشته من هیچ وقت حرفه ام را به خاطر نویسندگی رها نمی کنم. از نوشتن خیلی لذت می برم. از پژشک بودن هم معنیطور احساس غرور می کنم که هم نویسندام و هم پژشک. دوست دارم هر دویشان را همزمان دنبال کنم.

لام درباره خودش و اینکه چگونه پا به عرصه نویسندگی گذاشته می گوید: سه سال پیش زمانی که بحران سارس همه جا را گرفته بود با آئوده که جایزه گیل را هم برده بود ملاقات کردم. نمی دالم چطور جرات کردم دست نوشته هایم را به او بدهم تا ناگهان به آنها بیندازد. خاتم آئوده تلفظ کرد و آنها را خواند و بعد هم ابراز رضایت کرد. از آن پس تبدیل به حامی و یکی از بهترین دوستان من شد.

جایزه امپی گیل از سال ۱۹۹۲ از سوی تاریی به نام «جک رایتنویچ» به خاطر بزرگداشت یاد و خاطره همسرش «دوریس گیل» که روزنامه نگار ادبی بوده، بنیان نهاده شد. این جایزه به بهترین های

هیچ وقت آدم نمی داند بر سر یک کتاب چه خواهد آمد. شاید هیچ کس آن را نخواند اما شاید هم همه را به چالش بکشد. این اثر در بیلاسنسیا، وادگاه «ایس سوارس» چنین کرد. سال آینده سالگرد یادصدمین زادروز این بانو خواهد بود. شهر از هم اکنون در مسدودگراری جشن بزرگی است. شاید مجسمه ای از او هم بنا شود. شهر دار بلاسنسیا یک زن است و از اینکه تهرمانی از شهرش برخاسته بسیار خرسند است.

توانستید در کتاب های تاریخی درباره اش چیزی هم پیدا کنید؟

خیلی کم فقط یک جادیدم که به موهای سرخش اشاره شده بود و برخی جاها هم درباره عملکردهای او اشاراتی شده بود. نوشتم پشت کامپیوتر و آن را روشن کردم. اولین جمله ای که از ذهنم گذشت این بود: من ایس سوارس هستم. من او شدم. هیچ راه دیگری برای نوشتن این قصه نبوده. قصه ای که در زمان کم شده. در تمام طول مدتی که می نوشتم خودم نبودم و در این چندماه «او بودم».

آیا همیشه اینقدر درگیر شخصیت اژوان می شوید؟

نه همیشه هم اینطور بوده اما انگار هر چه پیتر می شوم این همدلّت‌نباری ها نیز پیترنگ تر می شود. مدت ها مغانم این بوده که در کنار کار اصلی ام بنویسم و نتیجه کاملاً متفاوت بود. اما وقتی شروع کردم به زندگی با نوشتن، بیشتر و بیشتر عاشق و درگیر نوشتن شدم و از آن پس روی این مقوله متمرکز شدم. خانواده ام به این کار عادت کرده اند. آنقدر روی نوشتن متمرکز شدم که هیچ زندگی اجتماعی ندارم. بین ۱۴ تا ۱۰ ساعت در روز می نویسم. فقط خانواده ام را می بینم و اغلب خیلی پیشانم. نوه هایم را می بینم

گفت و گو با ایزابیل آئنده ، رمان نویس شیلیایی

شخصیت های داستانم را با نوه هایم اشتباه می گیرم



و استشان را نمی توانم به خاطر بیایوم.

حقیقت دارد که همیشه نوشتن کتابتان را از روز هشتم ژانویه (۱۸دی ماه) شروع می کنید یا هشتم بله. اول ماه به خرافه می مند. اول این کتاب را هشتم ژانویه شروع کردم و کتاب موفق هم شد. به همین خاطر تصمیم گرفتم کتاب دوم را هم همان تاریخ شروع کنم و سومی هم به تعجب هشتم ژانویه نوشته شد اما اگر شما زمان بندی در کارتان نداشته باشید، نمی توانید چیزی بنویسید. همه الان می دانند- تاثرانیم، خانواده ام، نماینده ام- که شش ماه اول سال را در دسترس نیستیم.

به انگلیسی می نویسید یا اسپانیایی؟

به انگلیسی داستان نمی توانم بنویسم. مقاله و سخنرانی و باخشی مغلّبی برای روزنامه ایرادی ندارد

ولی داستان نه. داستان در گونه ای از ناخودآگاهی می گذرد و بعدتر من باید آن را روایتش و تصحیح کنم. بعضی چیزها فقط به اسپانیایی رخ می دهد مثل روایتش، شمارش، آهیزی و حتی دادکشیدن سر نوه هایم. زبان انگلیسی اینجاها کاربرد ندارد!

عنوانتان سالوادور آئنده، از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ که فوت کرد نویس جمهور شیلی بود و شما هم رابطه نزدیکی با او داشتید. درباره او هم روزی خواهید نوشت؟

فکر کنم این کار را بکنم. من داستان نویس هستم و برایم سخت است که زندگی نامه آئنده را بنویسم. در ضمن من خیلی به شخصیت وی وابسته هستم و آن وقت باید خیلی از خودم و او در برشوم تا بتوانم بنویسم.

دورا از کتاب جانان در مالوود قلم شده اند. «خانه ارواح» و «الزشت و سایه ها» خیلی درگیر شما هستند؟
به هیچ وجه کافی است یک برگه را امضا کنید و بعد هم خلاص چاپ شدن کتاب مثل تولد فرزندان می ماند. مردم بنایش نامه و ابراهای زیادی از وی نوشته هایم داشته اند. در آیسلند از «اوا لوانا» قلمی موزیکال تهیه کرده اند.

در حال حاضر چی می خوانید؟

همه جور کتابی می خوانم. وقتی که می نویسم هر چیزی که مرتبط با کارم باشد را می خوانم.

اگر دارم درباره فتح شیلی می نویسم کتاب های تاریخی می خوانم. کتاب های داستان را ترجیح می دهم. الان دارم کتاب «شکر کشیده رادیو» نوشته «دانیل آلارکز» را می خوانم. کتاب فوق العاده است و داستان آن در آمریکای جنوبی می گذرد.

چه توصیه ای برای نویسندگان جوانی نام دارید؟
فقط بنشینید و بنویسید. فکر نکنید که در باره رمان جدی می نویسند. از هر ۱۰ صفحه که آدم در روز می نویسد فقط یک صفحه اش خوب آن آید درمی آید و به پایان سال ۳۶۵ صفحه از دستم دارید. بدست مثل تمرین کردن برای دو ماراتن می ماند. اگر تمرین نکنید نمی توانید بدوید. اما نمی توانم بگویم که چه کار سختی است. اینگونه نوشتن!

صلح طلبان آلمانی را به سوی خود جلب کند.

در این کتاب نویسنده رفتار غیر انسانی برده داران ولفی ها نژادپرستانه را در قالب داستانی کودکانه و به زبان ساده بیان می کند.

رئیس هیات داران صلوحه اگوستار هینمان» در این باره گفت: تاثیر گذاری این اثر به خاطر رنگارنگ بودن آن نیست، بلکه به خاطر سیاه و سفید بودنش است.

داستان «مقتدر سفید هستم» از نگاه ماربا دختر یک مزرعه دار روایت شده. ماربا به مناسبت دوازدهمین سالگرد تولدش یک برده هدیه می گرد. این برده برای وی ارزش ندارد و در واقع اصلا به چشم انسان دیده به او نگاه نمی شود.

دولف ورون این داستان را در ۱۰ فصل کوتاه نوشته و برای خلق این اثر از مشاهدات و تجربیات پیشین خود کمک گرفته. وی در مراسم اهدای این جایزه اعلام کرده که خود شاهدت و وضعت ناپهنجار سیاه پوستان غنا و سوریانم بوده است.

پرفروش ترین کتاب هادر سایت آمازون

بزرگ ترین سایت فروش کتاب - آمازون - فهرست پرفروش ترین کتاب های غیر داستانی سال ۲۰۰۶ اعلام کرد.

با توجه به فروش های این آثار کتاب «استگای همیشه جوانی» نوشته میشل بولان در فهرست این سایت رتبه نخست را داشت. رتبه دوم به کتاب «ابرهای فریادی» نوشته جان مک فی تعلق دارد. آمازون همچنین فهرست دیگر منتخب های پرفروش سال ۲۰۰۶ را منتشر کرده است که در بین آن «استخوان های معده» (سفری به چین باستان و معاصر) نوشته پسر هلر رتبه سوم، «مراقب خرجتنگ باش» نوشته دیوید فاستر و «لا رسنه چهارم و استم تاریک» نوشته مایکل لوپس رتبه پنجم را کسب کرده است.

مجموعین کتاب تمامشالی تحول جهان» (داستان های پشت پرده عکس های ۱۱ سپتامبر) نوشته دیوید فرند، ششمین کتاب غیر داستانی پرفروش ۲۰۰۶ است. گذر ایگس» نوشته جو میلر، «بغض مرده» اثر مارلین جانسون و «دیوانه» نوشته پت ارلی هم رتبه های هفتم نهم را در اختیار دارند و «لالا» و دختر آنی که «رفته» اثر آن فسلر قرار گرفته اند.

شماره ۵۸، ششپه ۳۴، آذر ۱۳۸۵



چندی است در خیرها به اجرای طرح بوئین کتاب در مدارس کشور اشاره می شود. این کار که به صورت مستمر ادامه یابد، با این همه جز این قرار است به سطح مدرسه ها شده و اهداف و دستاوردهای آن تاکنون چه بوده است؟

محمد حمزه‌زاده مدیرعامل انتشارات سورمه مهر، هدف از اجرای طرح بوئین کتاب در مدارس را توسعه کتاب و کتابخوانی می داند.

وی درباره این طرح چنین توضیح می دهد: بوئین جدای از نام یک وسیله امکان نوز آفری و برنامه‌ای افزایش سرنه کتابخوانی دانش آموزان است. به ویژه اینکه در حال حاضر بیشتر دانش آموزان تنها به خواندن کتاب‌های کمک درسی و آموزشی مبادرت می کنند و از سایر موضوعات غافل می شوند.

به عقیده مسئولان و مدیران انتشارات سورمه مهر، مشکل کتابخوانی از آموزش پرورش شروع می شود. روش انتشارات کتاب‌های آموزشی و نحوه تدریس معلمان به گونه‌ای است که دانش آموزان از کتاب‌های غیردرسی دور می کنند. این عادت پس از پایان دوران مدرسه به دلایلی چون شغل، گرفتاری مالی و... تشدید می شود.

حمزه‌زاده، با تفاق از تصمیم‌های غیر کارشناسی کارشناسان وزارت آموزش و پرورش، خیر از برگزاری جلسات متعددی می دهد که برای اجرای برنامه ایجادویترین کتاب با آنها داشته‌اند اما تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است.

او می گوید: در زمانی تریب، حجم و نوع کتاب‌ها بسیار ناآرام است. جریان تولید غیرواقعی در مسیر تولید، خرید و توزیع ایجاد مشکل می کند و اصلاح آن نیازمند همتی بالاست.

مدیرعامل انتشارات سورمه مهر اعتقاد دارد برنامه‌ها و اقداماتی برای رفع این معضل در حال شکل گیری است اما باید از هرگونه نیتازدگی دوری کرد. حمزه‌زاده می افزاید: شاید انتظار کار کتابخوانی دانش‌چون نس‌بران یک هفته‌ای مردم و کتابخوان کرد. این امر چرمانی ندرجی است که نیاز به سرمایه‌گذاری و تزریق بودجه زیاد دارد.

او یکی دیگر موانع رشد کتابخوانی در گروه سنی کودک و نوجوان را باورها و دیدگاه‌های غلط برخی از مسئولان مدارس می داند و اضافه می کند: اگر مدیر یک مدرسه معتقد به رشد کتابخوانی باشد، این مسئله در بین دانش‌آموزان به خوبی جا می افتد اما در مقابل، عده‌ای از مدیران بحث سیستم‌های الکترونیکی لوح‌های فشرده و اینترنت و... را مطرح می کنند و در فضای اثراتی به سر می برند. نتیجه این افراد و تشریح جایگاه کتاب برای آنها کاری بسیار سخت است.

مشکلات توزیع و بخش کتاب، به باور مدیران انتشارات سورمه مهر، یکی دیگر از معضلات بزرگ صنعت کتاب را رقم زده است. به همین دلیل آنها پیشنهاد تأسیس مدرسه‌ای برای تربیت فروشنده‌گان و عرضه‌کننده‌گان حرفه‌ای کتاب دادند.

به کارگیری نیروهای به نام «سرایز» موع از دیگر برنامه‌های این انتشارات است تا بتوان با حل مشکل توزیع، نویسنده به مخاطب نزدیک شود. از سوی دیگر، فردی کتاب را عرضه می کند که از قلی آن را خوانده و با مطالب کتاب و ارزش واقعی آن آشنایی دارد.

حمزه‌زاده تا تأکید بر اینکه مردم وقتی کتابخوان می شوند که کتاب در دسترس آنها باشد، اضافه می کند: «به عقیده ما برای کتابخوان شدن مردم، باید از مدارس شروع کرد. طعم کتاب را به دانش‌آموزان چشاند و آنها را با این مقاله فرهنگی درگیر کرد. به این ترتیب می توان به آینده‌ای درخشان همراه با نوآوری و بااندگی کودکان امروز و جوانان فردا امید داشت.»



جزئیات طرح ویترین کتاب در مدارس کشور

یار مهربان، میهمان مدرسه‌ها

برای ترویج کتاب در مدارس چه کرده‌اید؟

حسن رستم خانی، معاون بازرگانی انتشارات سورمه مهر، با اشاره به اجرای طرح ایجادویترین کتاب در مدارس، درباره مراحل کار می گوید: در مرحله اول مطالعه‌ی درباره کتاب‌های خوب موجود در بازار صورت گرفت و سپس از تکنیک و بررسی آنها، مذاکراتی با مسئولان آموزش و پرورش داشتیم اما به دلیل طولانی شدن این جلسات و نرسیدن به نتیجه‌ای مشخصی، کار خود را از حدود یک ماه و نیم گذشته آغاز کرده‌ایم.

رستم خانی از تجهیز کامل ۱۰ مدرسه دیگر برای احداث ویترین کتاب خیر می دهد و می گوید: «پس از مذاکره با مدیران، اجرای کار برعهده آنها بخشی را به صورت ویترین یا قفسه آماده می کنند و ما هم هر ۱۵ روز یک بار، ۱۰ کتاب خوب از محصولات انتشارات سورمه مهر با سایر انتشارات رای به همراه خلاصه‌ای از مطالب هر کتاب با در نظر گرفتن تحلیف ویژه به مدارس می فرستیم. شایان ذکر است که خلاصه‌ها در بخش طرح و برنامه ذکر شده‌اند تا آشنایی دانش‌آموز به مطالعه کتاب را افزایش دهند.



مشکلات توزیع و بخش کتاب، به باور مدیران انتشارات سورمه مهر، یکی از معضلات بزرگ صنعت کتاب را رقم زده است. به همین دلیل آنها پیشنهاد تأسیس مدرسه‌ای برای تربیت فروشنده‌گان و عرضه‌کننده‌گان حرفه‌ای کتاب دادند.

رستم خانی درباره نحوه انتخاب کتاب‌های سایر انتشارات می گوید: «ما به دلیل آشنایی با نویسندگان خوب و خوشنام و نیز مراکز نشر فعال و متعدد به آسانی از پس این کار برمی آییم. کارشناسان ما آثار بسیاری از نویسندگان را که شاید افراد مشهوری نیز نباشند، مورد بررسی قرار می دهند و در نهایت یک هیات مشورتی کتاب‌ها را انتخاب می کنند.»

او اشاره به اینکه فعلاً از نظر تولید محتوا مشکلی نداریم خاطر نشان می کند: «دو سال دیگر به احتمال زیاد به مشکل محتوایی و کمبود کتاب برخوردیم خود را اما امیدواریم با راه‌اندازی این سیستم، نویسندگان خوب به سمت تولید کتاب‌های مناسب بروند.»

معاون بازرگانی انتشارات سورمه مهر، تولید کتاب‌های و محتوا را بسیار آسان می داند و می گوید: «فروش آثار و در نتیجه کاهش ریسک تولید و افزایش میزان حق التألیف نویسندگان می داند.»

رستم خانی درباره نحوه توزیع کتاب‌ها براساس نیازسنجی دانش‌آموزان می گوید: «ضمن توان مدارس رای به مذهبی یا غیرمذهبی تقسیم کرد. تصور ما این نیست که کتاب در یک منطقه بیشتر نیاز است و در جای دیگر نه. ما نیازسنجی خود را براساس مقطع تحصیلی و جنسیت دانش‌آموزان استوار کردیم. مثلاً کتاب «نامه‌های قهقهه» رای به مدارس دخترانه می دهیم و در مقابل کتاب «حرم‌ها هوره» درباره شهید احمد رضا احدی را برای پسران ارسال می کنیم.»

او از راه‌اندازی امکاناتی به عنوان اشتراک در کنار طرح «ویترین کتاب مدارس» خبر می دهد و می گوید: «درخواست اشتراک به سه شیوه نقلی، ارسال فرم‌های ثبت نام یا بست جواب قبول و یا درخواست از طرف مدرسه و مربیان تربیتی امکان پذیر است. حتی مدارس می توانند طبقه ثبت نام، جمع آوری و ارسال هزینه را شخصاً برعهده بگیرند تا کتاب از طریق

آنها توزیع شود.»

رستم خانی اعطای کارت اشتراک، ارسال ماهانه اطلاع‌رسانی انتشارات سورمه مهر درباره کتاب و مسائل مرتبط با آن در بخش نرم افزار و سخت افزار به همراه اطلاع‌رسانی درباره آخرین کتاب‌های مفید چاپ شده و ارسال رایگان کتاب به تهران در کمتر از ۲۴ ساعت و سایر شهرستان‌ها تا حداکثر یک تا دو روز بعد را از دیگر امکانات موجود در این انتشارات می داند و تصریح می کند: «اما می گویم باید هر کتابی را خوانده، البته اگر سالم باشد، این برنامه‌ای است که به پشتیبانی حوزه هنری برای مدت دو سال برنامهریزی شده است. حتی ممکن است مشترکان ما، کتابی با قیمت ۳۰۰ تومان درخواست کنند اما هزینه‌های تهیه و ارسال برای انتشارات سورمه مهر برابر باشد. به این حال به خاطر هدف از پیش تعیین شده، به کار خود ادامه می دهیم.»

معاون بازرگانی انتشارات سورمه مهر اضافه می کند: انتشارات سورمه مهر در بخش پژوهش‌های هنری به دلیل آثار افرادی چون مرحوم مددیرو و دکتر بلخاری و... بی‌ریب است. انتشارات مجموعه اشعار استاد علی معلم و دکتر حسن حسینی را نیز برعهده دارد. در بحث ادبیات معاصر با چاپ کتاب تحقیقاتی «خطرات عزت‌شاهی» و رمان‌های برخی مؤلفان «خطرات کتاب‌های من» و راه که مراحل نهایی چاپ دوازدهم را طی می کند. خودنمایی کرده است. در موضوع ادبیات دفاع مقدس که حدود یک سوم تا یک چهارم آثار چاپ شده را تشکیل می دهد نیز دفتر ادبیات یادبازی حوزه هنری از انتشارات سورمه مهر حمایت کاملی به عمل آورد.

رستم خانی در پایان با اشاره به برگزاری هشت نمایشگاه غیررسمی در دانشگاه‌های کشور، می گوید: انتشارات سورمه مهر در بخش دانشگاهی برنامه‌های در دست اقدام دارد که به محض اجرایی شدن، جزئیات آن اعلام خواهد شد.



در نشست تخصصی صنعت چاپ عنوان شد:

چاپ دیجیتال زودتر به خط پایان می رسد

سومین و آخرین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی صنعت چاپ در هفته کتاب برگزار شد و چاپ دیجیتال در کشور مورد بررسی قرار گرفت. در این نشست شاهین روحانی، پابک شیوا، مهرداد کشتی‌آرا و مسعود کواکب در باره وضعیت چاپ دیجیتال صحبت کردند.

چاپ دیجیتال و فرصت‌ها

پابک شیوا در این نشست درباره فناوری دیجیتال در بخش چاپ دیجیتال و مفاهم این حوزه سخنرانی کرد. شیوا با اشاره به تحولاتی که در عرصه بین المللی در حال رخ دادن است از جمله اقتصادی جهانی، بزرگ شدن شرکت‌ها و رقابت اقتصادی موجود در جهان گفت: در شرایط موجود باید از فرصت‌ها به درستی استفاده کرد و فناوری در این میان امکاناتی فراهم کرده است و اینترنت یکی از این امکانات به شمار می‌رود که شیوه بازاریابی و اداره شرکت‌های تجاری را تغییر داده است. پابک شیوا گفت: از آنجا که امروز شخصی‌سازی و توجه به مشتری اهمیت زیادی پیدا کرده، شیوه‌های تجارت تغییراتی داشته است؛ برای مثال امروز سفارش و فروش صورت می‌گیرد و بعد کالا تولید می‌شود. شیوا به تاثیر روشی آمازون در این مورد اشاره کرد.

بدون چاپ نمی‌توان دوام آورد

پابک شیوا گفت: چاپ جزو پنج صنعت مهم دنیا است و رابطه تنگاتنگی با اقتصاد دارد و باید توجه داشت که اقتصاد با سرعت بالایی در حال رشد است. شیوا با اشاره به اهمیت چاپ در تولید و فرآیندهای کاری گفت: بدون چاپ نمی‌توان دوام آورد و با توجهی که در اقتصاد داشتیم از دهه ۱۹۹۰ یک موج جدید ایجاد شده که اجزای آن اینترنت، چاپ، بانک‌های اطلاعاتی و... هستند و این مساله ادامه پیدا کرده تا نمایشگاه دروا ۲۰۰۴ که سال بلوغ چاپ دیجیتال نام گذاری شد. شیوا به این این نکته اشاره کرد که چاپ دیجیتال سخت‌افزار نیست، بلکه بخش مهمی از آن را نرم‌افزار تشکیل می‌دهد.

تغییر الگوهای چاپ به سمت تقاضا

پابک شیوا گفت: الگوهای چاپ از دهه ۹۰ عوض شده و چاپ انبوه به چاپ بر اساس تقاضا تغییر یافته است و باید گفت هنوز بخشی از کار به همان صورت سنتی اداره می‌شود و مسائل جدیدی مکتول بخش سنتی عمل می‌کنند. شیوا در مقایسه چاپ سنتی و دیجیتال گفت: در چاپ سنتی هزینه و شمارگان با هم رابطه معکوس دارند، درحالی‌که در چاپ دیجیتال اینگونه نیست. علاوه بر هزینه، مساله زمان مطرح است و به کمک چاپ دیجیتال، کار در سریع‌ترین زمان ممکن صورت می‌گیرد. پابک شیوا با اشاره آمار شرکت‌های مستقل پژوهشی گفت: آمار نشان می‌دهد تا سال ۲۰۰۹، ۱۲ درصد رشد برای چاپ بر اساس تقاضا به وجود می‌آید و تا سال ۲۰۰۷ گردش کار ۳۳ درصد از چاپخانه‌ها نیز ۱۲ ساعت خواهد بود و همچنین تا سال ۲۰۰۷، ۳۰ درصد اطلاعات چاپ شخصی‌سازی می‌شود. شیوا گفت: چاپ می‌تواند تجارت‌های

جدیدی ایجاد کند که باید به این مباحث بیشتر پرداخته شود. پابک شیوا در این بخش به انتشار کتاب‌های تک‌نسخه‌ای در چاپ دیجیتال نیز اشاره کرد.

نژوم وجود استاندارد

مهرداد کشتی‌آرا هم در این نشست درباره شیوه ارائه کارپوش از چاپ بانکیه برحوزه چاپ دیجیتال صحبت کرد. کشتی‌آرا با ارائه تاریخچه‌ای از حرفه‌چینی سنتی گفت: تأییش از سال ۶۷ ماستیم‌های خاصی

مرحله چاپ مواجه می‌شویم و باید در این مرحله استانداردسازی صورت بگیرد تا اطلاعات قابل انتقال و مورد استفاده در زمان‌های مختلف باشد.

چاپ دیجیتال، مکمل چاپ سنتی

مسعود کواکب هم یکی دیگر از سخنرانان بود که درباره شیوه ارائه خدمات چاپ دیجیتال به مشتری صحبت کرد. کواکب با اشاره به قدمت صنعت چاپ گفت: با ورود چاپ دیجیتال به محدوده فعالیت چاپ سنتی محدودیت‌های چاپ سنتی برطرف شد و



خدمات بیشتری به مشتریان ارائه شده. کواکب گفت: چاپ دیجیتال خدمت جدیدی است، ولی در این میان شیوه ارائه این خدمت بسیار مهم است و برای ارائه این خدمات باید سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مناسبی وجود داشته باشد.

رابطه نرم‌افزار و سخت‌افزار

کواکب با اشاره به بخش نرم‌افزار گفت: پیش از کار باید حوزه آن مشخص باشد تا مخاطبان شناسایی شوند و باید از نرم‌افزارهای استفاده‌شده خود که مناسب با سخت‌افزار باشد، چرا که این مساله در گردش کار بسیار اهمیت دارد. کواکب گفت: امروزه برای مشتری و مصرف‌کننده دستگاه‌های مورد استفاده مهم نیستند، بلکه تقاضا اهمیت دارد؛ بنابراین چاپخانه‌ها در باید از سخت‌افزار و نرم‌افزار آگاهی داشته باشند تا خدمت مناسبی ارائه کنند.

آسیب‌شناسی چاپ دیجیتال

شاهین روحانی در این مراسم درباره آسیب‌شناسی چاپ دیجیتال صحبت کرد. روحانی گفت: زمانی‌آسیب فناوری مواجه می‌شویم که دانش آن فناوری همراهش موجود نباشد. روحانی با اشاره به این مساله که در بدو ورود

این فناوری تنها سخت‌افزار در چاپ دیجیتال مطرح بود، گفت: در حال حاضر نیاز مشتری میان بخش‌های مختلف چاپ مانند طراحی، گرافیک، لیتوگراف و مشتری وجود ندارد و دلیلش این است که در بخش آموزش ضعیف عمل شده است. آموزش بخش‌های مختلف چاپ به وسیله چاپخانه‌ها، داران، آموزش از طریق شرکت‌های واردکننده فناوری و راه‌اندازی مراکز آموزشی دانشگاهی از جمله راهکارهایی بودند که شاهین روحانی در بخش آموزش چاپ دیجیتال به آنها اشاره کرد.

سهم چاپ دیجیتال:

مقاومت در برابر تغییر
مقاومت در برابر تغییر یکی از مسائلی بود که روحانی به آن پرداخت و گفت: متأسفانه امروزه این مقاومت وجود دارد که تصور می‌شود کیفیت چاپ افسد از چاپ دیجیتال بیشتر است که باید به این مساله رسیدگی شود.

در بخشی از این نشست که به پرسش و پاسخ اختصاص داده شد، پابک شیوا در پاسخ به این پرسش که آمار چاپ دیجیتال نسبت به چاپ‌های سنتی چه درصدی را به خود اختصاص می‌دهد گفت: امروزه ۱۸ تا ۲۲ درصد از چاپ دنیا را چاپ دیجیتال به خود اختصاص داده است که البته در این میان سرعت چاپ دیجیتال بسیار بالاست.

شیوا درباره اشتغال در بخش دیجیتال گفت: چاپ دیجیتال یک فرصت است و هرچند در چاپ سنتی از نیروی انسانی بیشتری استفاده می‌شود، اما ظهور چاپ دیجیتال در کنار چاپ افسد، فرصت‌های اشتغال جدیدی را فراهم می‌آورد.

اشتغال

مسعود کواکب هم درباره اشتغال در زمینه چاپ دیجیتال گفت: چاپ دیجیتال نوعی ارائه خدمات جدید است و خود ایجاد شغل کرده و از سوی دیگر یک مرکز کامل چاپ دیجیتال به صورت کامل نیروهای زیادی در اختیار دارد. یکی دیگر از پرسش‌هایی که در این بخش مطرح شد، به مساله آموزش دوسویه بازار و دانشگاه اشاره داشت.

پابک شیوا در پاسخ به این مساله گفت: نیاز آموزش میان بازار و دانشگاه کاملاً و طرفه است و در چاپخانه، جانش بین چاپخانه‌داران، طراحان و گرافیک‌ها وجود دارد که باید به این مسائل پرداخته شود.

کیفیت و ماندگاری چاپ دیجیتال

کیفیت و ماندگاری چاپ دیجیتال یکی از پرسش‌های این نشست بود که شاهین روحانی در پاسخ گفت: یکی از پرسش‌های همیشگی مشتریان، مساله کیفیت است؛ اما کیفیت در چاپ دیجیتال به عوامل زیادی بستگی دارد و اگر تنظیمات درست صورت بگیرد ما با کیفیت بالایی مواجه می‌شویم. روحانی درباره آینده چاپ دیجیتال گفت: صنعت چاپ در آینده به دو قسمت کاملاً مسلولی تقسیم می‌شود که شامل بسته‌بندی و چاپ رسانه‌ای است که با توجه به تغییرات و پیشرفت‌های چاپ دیجیتال، در آینده باید بینیم چاپ دیجیتال چه جایگاهی دارد.



مرتضی قذیمی



کتاب هفته از حال و هوای کتابخوانی در لرستان گزارش می دهد

کتاب‌های لرستان به قدمت فلک الافلاک

بنابه عقیده بسیاری از دانش‌شناسان، لرستان از چهل هزار سال قبل به وسیله اقوامی که به علت نداشتن خط هویت آنها ناشناخته مانده، مسکون بوده است.

در هزاره سوم پیش از میلاد نیز بر اساس متونی که باقی مانده، عیلامیان و ساکی‌ها در بخش‌هایی از لرستان سکونت داشته‌اند که به نوعی قدیمی‌ترین ساکنان این منطقه به‌شمار می‌آیند.

مرور تاریخ لرستان در دوره‌های قبل و بعد از اسلام بانگ اهلیت این منطقه برای حکمرانان و اهالی منطقه بوده است. آثار و شواهد گوناگون تاریخی نشان می‌دهد که لرستان در زمان ساسانیان از عمران و آبادانی بسزایی برخوردار بوده است و چنین وضعیت‌ی ویرایی لرستان در سال‌های بعد از ظهور اسلام نیز می‌توان دید.

ذکر این مقدمه کوتاه، بهانه‌ای است برای بیان این مطلب که لرستان در تاریخ ایران همواره مورد توجه بوده و هست، چنان‌که در مرور تاریخ معاصر این استان خبر از حضور چهره‌های شاخص علمی و فرهنگی در این منطقه می‌دهد و در عین حال لرستان را سبزه‌بخشی از تحولات، اتفاقات و رویدادهای معاصر معرفی می‌کند.

خالی از لطف نیست اگر بدینجمله چهره‌هایی چون زرین کوب، شهیدی، آنتی، اوستا و… که از مفاخر کشورمان هستند در خطه لرستان متولد شده و زیسته‌اند.

به هر تقدیر لرستان کنونی باسابقه تاریخی باارزش و غنی هم‌اینک بخش قابل توجهی از ساکنانش را جوانانی تشکیل می‌دهد که در کدام‌پاویود امکانات می‌توانند مایه فخر لرستان و ایران شوند. نکته و هدف بررسی امکانات موجود در این استان خصوصاً در زمینه مسائل فرهنگی حکایت از کمبودهای فراوانی دارد که باید ایدوار باشیم که مسئولان توجه جدی و ضرب‌الاجلی در خصوص برطرف کردن آنها داشته باشند.

این روزها استان لرستان حال و هوای دیگری دارد. کوچه و خیابان‌های خرم‌آباد بوی کتاب و کتابخوانی گرفته است و این موضوع را به راحتی از نلبخات شگهی می‌توان متوجه شد.

مهم‌ترین مقوله‌ای که از چند روز قبل در میان اهالی فرهنگ و ادب و همچنین دانشجویان و دانش‌آموزان خرم‌آباد و لرستان مطرح شده است بحث نمایشگاه کتاب استانی است. نمایشگاهی که برای چهارمین بار در خرم‌آباد برگزار می‌شود و فریب به یک سال است مردم علاقه‌مند به کتاب و کتابخوانی در این استان منتظر برگزاری آن بودند.

به هر تقدیر پس از ناخبری تقریباً یک‌ساله در خصوص برگزاری چهارمین نمایشگاه کتاب استانی لرستان به همت مسئولان فرهنگی استان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خیلی‌های دیگر، این نمایشگاه با حضور بیش از ۲۰۰ ناشر از سراسر کشور در محضای خرم‌آباد برگزار شد. نمایشگاهی که به نوعی بزرگ‌ترین رخدادهای فرهنگی استان در طول سال است و پاسخی‌گویی نیاز بسیاری از مخاطبان و علاقه‌مندان به کتاب و فرهنگ در سطح استان است. اما به زودی فرصت هفت، هشت، نهم، دهم، یازدهم و پانزدهم تمام می‌شود و پس از مدتی از نمایشگاه چهارم کتاب استان خاطره‌ای باقی می‌ماند، بی‌آنکه این نمایشگاه به‌رغم گستردگی و وسعتش توانسته باشد تحولی در فرهنگ مطالعه استان داشته باشد؛ چراکه به‌زعم بسیاری از مسئولان فرهنگی لرستان،

این منطقه دچار کمبودهای فراوانی است و نیازمند توجه و امکانات بیشتر، هر چند نباید بی‌انصاف بود و از تلاش‌های صورت گرفته در همین خصوص یاد کرد و از پایدی آوردنگان نیز تقدیر.

اولین کتابخانه

آن‌گونه که از کتاب خرم‌آبادشناسی سید فرید قاسمی برمی‌آید، اسحاق عیدی در آن کتاب می‌گوید، ابتدا باید از کتابخانه دبیرستان امام خمینی(ره) فعلی یاد کنم که در سال ۱۳۱۴ خورشیدی تاسیس گردیده بود. این دبیرستان کتابخانه‌ای داشت که می‌توان گفت نخستین کتابخانه خرم‌آباد به مفهوم خاص خودش بود. این کتابخانه زمانی که من در آن دبیرستان تحصیل می‌کردم کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت، به طوری که اواخر دهه ۳۰ کمتر کسی از وجود آن آگاهی داشت. زیرا کتاب‌ها در یکی از اتاق‌های دبیرستان که شکل انباری داشت در قفسه‌هایی بدون هیچ‌گونه نظم و ترتیبی چیده شده بود. کتاب‌های این کتابخانه بعدها به کتابخانه تونیاد دبیرستان بهار منتقل

علاقه‌مندان و پژوهشگران قرار داشت. این کتابخانه عویش عاقبت نبوده‌زیرا یک بار دچار آتش‌سوزی شد و چندین بار مورد تخریب‌تیر قرار گرفت. مجموع کتاب‌های این کتابخانه در آغاز تاسیس بالغ بر ۴۰۰۰ جلد می‌شود و سرپرستی آن برعهده آقای ناصر مدرس بود. از دیگر کتابخانه‌های شخصی مطرح و قابل ذکر شهر خرم‌آباد کتابخانه‌های شخصی است. از جمله کتابخانه آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی و کتابخانه شخصی محمدرضا و آلیزاده محمزی. این در کتابخانه با اینکه خصوصی و شخصی بودند، سهم صدر صاحبان، در آنها را به روی مقننایان واهل تحقیق و پژوهش باز گذاشته بود.

رتبه ۲۷ در کشور

شاید خواندن بخش قبل در خصوص وجود کتابخانه در دهه ۱۰ در شهر خرم‌آباد برای بسیاری جالب توجه بود چراکه در همان دوران بسیاری پس از آن بسیاری از شهرهای بزرگ کشور کتابخانه نداشتند، با توجه به وجود چنین سابقه‌ای که مطرح شد، دانستن این نکته جای تأسف است که خرم‌آباد در



شد. مسئولیت این کتابخانه در زمان تحصیل اینجانب با آقای ناصر مدرس بود.

دیگر کتابخانه شهر، کتابخانه حوزه علمیه خرم‌آباد بود اما از آنجا که اغلب کتاب‌های این کتابخانه، کتاب‌های حوزوی و تخصصی بودند، کمتر مورد استفاده عموم قرار می‌گرفت.

پس از گذشت مرحوم آیت‌الله روح‌الله کمالوند، بنابه وصیت آن مرحوم کتاب‌های کتابخانه شخصی معظمه که حدود هزار جلد می‌شد به این کتابخانه اهداء شد. در همان دوران مسئولیت این کتابخانه به آقای شیخ مهدی قاضی واگذار شد.

نخستین کتابخانه عمومی شهر، کتابخانه پارک شهر خرم‌آباد است که توسط اداره فرهنگ و هنر خرم‌آباد و به کوشش آقای حمید ازوبناه تاسیس گردید. نام اولیه آن کتابخانه کوروش کبیر بود. اولین کتابدار آن مرحوم اسفندیار غضنفری امرایی بود که به‌رغم کهنوت سن با عشق و علاقه عصبیی به امر کتابداری مشغول بود. این کتابخانه امروزه تحت نام کتابخانه امام جعفر صادق(ع) کار است.

کتابخانه دبیرستان بهار نیز از اوایل دهه چهل و به همت مرحوم علی محمد ساکی رئیس وقت آن دبیرستان تاسیس شد. این کتابخانه سال‌ها مورد استفاده

این وضعیت در حالی است که برای مسلمان به‌عنوان رتبه برتر کشور برآی هر ۱۳ هزار و ۷۱۰ نفر یک کتابخانه موجود است.

در استان لرستان به‌ازای هر صد نفر ۷/۶ متر مربع فضای کتابخانه‌ای وجود دارد که این مقدار تفاوتیافت شده، تا لرستان در مقایسه با فضایی کتابخانه‌ای موجود در دیگر استان‌های کشور در مقام هجدهم کشور قرار گیرد.

اما در خصوص دارا بودن تعداد کتاب به‌ازای هر صد نفر استان لرستان دارای مقام نهم کشور است به‌صورتی که به‌ازای هر ۱۰۰ نفر ۳۷۵ جلد کتاب در این استان وجود دارد و از نظر مسئولان نهاد امور کتاب‌های کتابخانه‌های لرستان ضروری است که بدینمب اغلب کتاب‌های کتابخانه‌های لرستان بسیار قدیمی و کهنه هستند و در صورت وچین اساسی، تعداد زیادی از کتاب‌های موجود در قفسه‌ها می‌بایست حذف و معدوم شوند.

کتابخوانی در شهرهای استان

استان لرستان هم‌اکنون دارای ۳۰ کتابخانه است که به‌گفته محمداقبر نظری مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان تا آخر سال تعداد کتابخانه‌های استان بالغ بر ۴۰۰ باب خواهد شد که در این میان قابل توجه‌ترین آنها کتابخانه مرکزی خرم‌آباد است که شروع به ساخت و احداث آن به چندین سال قبل بازمی‌گردد. به هر تقدیر هم‌اکنون شهرستان ازنا، پلدختر، دلفان و درود صاحب ۲ باب کتابخانه هستند. شهرستان‌های الیگودرز و کوهدشت ۲ باب کتابخانه دارد، شهرستان سلسله یک کتابخانه در شهر الشتر، شهرستان خرم‌آباد ۵ کتابخانه دارد و در نهایت شهرستان خرم‌آباد ۸ کتابخانه دارد که کتابخانه‌های غنبرامام جعفر صادق(ع)، ۷۰ شهرپور و شهید مطهری در خود شهر خرم‌آباد واقع هستند و باقی کتابخانه‌های این شهرستان در شهرهای سراب دوره چکنی، چغلوئندی، زاغه و سپیددشت فعالیت دارند.

۳۰۰ هزار مراجعه در شش ماه

کمبود کتابخانه مورد نیاز در استان و حضور اعضای فراوان باعث شد تا اغلب کتابخانه‌های ارشاد استانی که در حال ساخت است و ۵ کتابخانه‌ای که به‌زودی به بهره‌برداری می‌رسند این مشکل تا حدودی مرتفع شود.

بر اساس گزارش مدیریت امور کتابخانه‌های عمومی استان لرستان در شش‌ماه اول سال پیش از ۲۰۰ هزار نفر به کتابخانه‌های عمومی مراجعه داشته‌اند. از دیگر مشکلات کتابخانه‌های استان لرستان

کمبود نیروی انسانی است که البته اغلب کتابخانه‌های حاضر در استان با این مشکل مواجه هستند. در حال حاضر کتابخانه‌های عمومی و دبیرخانه مدیریت ۶۸ نفر نیروی انسانی در حال فعالیت هستند. به‌اعتقاد مدیریت امور کتابخانه‌های عمومی استان لرستان، اولین و شاید مهم‌ترین مشکل کتابخانه‌های عمومی استان لرستان کمبود شدید نیرو در کتابخانه‌های عمومی استان است که به‌نحوی که ۱۴ کتابخانه این استان به‌صورت تک نفره اداره می‌شود.

وی همچنین به مشکلات دیگری مانند کمبود اعتبارات به منظور تعمیر و تجهیز کتابخانه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید، ادر خصوص راه‌اندازی و فعال کردن رایانه‌های کتابخانه‌ها یا مشکلاتی چون کمبود نیرو و نقل‌های مورد نیاز مواجهیم.

اغلب کتاب‌های کتابخانه‌های لرستان بسیار قدیمی هستند و در صورت وچین اساسی، تعداد زیادی از کتاب‌های موجود در قفسه‌ها می‌بایست حذف شوند



وی در خاتمه می‌گوید: «با توجه به کمبود کتاب و نسبت جمعیت در کتابخانه‌های عمومی استان، افزایش اعتبار جهت تأمین کتاب، علاوه بر کتب ارسال‌شده بیرون‌خانه ضروری به نظر می‌رسد.»

مشکل مشابه در سراسر کشور

یکی از مهم‌ترین مشکلات کتابخانه‌های استان لرستان مانند دیگر کتابخانه‌های سراسر کشور بحث دریافت نپد درصدا از درآمد شهرداری‌هاست. به‌رغم تلاش‌ها که مدیریت امور کتابخانه‌های عمومی استان لرستان در این خصوص داشته لیکن هنوز مشکلات فراوانی در این مقوله دارند به‌صورتی که در سال ۸۲ مجموع نپد درصدا دریافتی از تمامی شهرداری‌های شهرهای استان قریب به ۱۲ میلیون تومان برای سال ۱۳۸۵ تقریباً ۲ میلیون تومان شده است که به اعتقاد مدیریت امور کتابخانه‌های عمومی استان لرستان رقم واقعی دریافتی می‌بایست چندصد میلیون تومان شود. بر اساس گزارش کمی مدیریت امور کتابخانه‌های عمومی استان لرستان به استانداری و ادار فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ارسال‌شده است شهرداری‌های موجود و خرم‌آباد تاکنون هیچ مبلغی به این مدیریت پرداخت نکرده‌اند. مجید نادرالاصل معاونت سیاسی امنیتی استانداری که معمولاً از طرف استاندار در جلسات انجمن امور کتابخانه‌های استان حضور می‌یابد در خصوص مشکل موجود می‌گوید: «سپاری از شهرداری‌ها در حد توان، مبالغی را به مدیریت امور کتابخانه‌های عمومی استان پرداخت کرده‌اند اما باید در نظر داشت اغلب شهرداری‌های شهرهای استان لرستان بسیار ضعیف هستند و از بینه مالی بالایی مانند دیگر شهرهای بزرگ کشور برخوردار نیستند و از طرف دیگر در حال گفت‌وگو با دیگر شهرداری‌ها هستیم تا بتوانیم آنها را نیز در خصوص پرداخت درصدا از درآمد خودشان به کتابخانه‌ها مجاب نماییم.»

نادرالاصل در ادامه می‌گوید: «الته به نظر می‌رسد دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌بایست توجه خاصی به استان‌های محروم داشته باشند و برای حل مشکلات مالی کتابخانه‌ها و بخش فرهنگی این مناطق راهکارهای دیگری بیندیشند.»

مجموع‌های فرهنگی و هنری و راهکاری موفق
نظری مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان معتقد است راه‌اندازی مجتمع‌های فرهنگی و هنری در شهرهای مختلف می‌توانسته‌اند بسیار مفید و موثر واقع شوند چراکه همدان با داشتن فضای کتابخانه‌ای امکان آموزش را نیز فراهم می‌کند.

وی در ادامه به بیان‌شدنی استان به چندین مجتمع فرهنگی و هنری دیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: «در حال حاضر در خرم‌آباد، بروجرد و الیگودرز مجتمع‌هایی داریم که اغلب فعالیت‌های فرهنگی و



هنری استان در این مجموعه‌ها صورت می‌گیرد.» نظری در خصوص مجموعه فرهنگی هنری ارشاد خرم‌آباد می‌گوید: «این مجموعه علاوه بر داشتن کتابخانه‌ای بزرگ و امکان برگزاری کلاس‌های مختلف هنری، آمفی‌تئاتر مناسبی دارد که در اختیار اغلب برنامه‌های فرهنگی هنری استان است.»

یاجند کتابخانه قدیمی استان

شهر اشتر از جمله شهرهای زیبا و قدیمی استان لرستان است. این شهر صاحب کتابخانه‌ای عمومی است که در سال ۱۳۵۲ افتتاح می‌شود. این کتابخانه فعالیت خود را در ساختمان‌ی به مساحت ۲۵۰ متر مربع واقع در همان پارک سابق شهرداری آغاز نمود که با پیروزی انقلاب جمهوری اسلامی ایران کتابخانه به‌صورت موقت به محل دیگری انتقال یافت. در بهار سال ۱۳۵۲ یک قطعه زمین به مساحت ۶۰۰ متر جهت احداث کتابخانه توسط حیدرقلی حسونداد از جبهه‌های خوشنام منطقه خریداری شد و به اداره کل فرهنگ و هنر اهدا شد که در آن محل کتابخانه فعلی احداث شد.

این کتابخانه در حال حاضر بیش از ۲۰هزار جلد کتاب دارد و قریب به هزار نفر عضو فعال کتابخانه از امکانات موجود استفاده می‌کنند.

اما یکی دیگر از قدیمی‌ترین کتابخانه‌های استان که در خرم‌آباد واقع شده کتابخانه عمومی شهید مطهری است؛ کتابخانه‌ای که پس از ورود به آن قبل از آنکه کتاب‌ها توجه را جلب کند، معماری داخلی کتابخانه نمود بیشتری دارد.

کتابخانه عمومی شهید مطهری واقع در ساختمان‌ی قدیمی وستنی به نام گرم‌باغ نویی در سال ۱۳۶۷ تأسیس شده است و نوانست بسیار جذاب و متفاوت باشد.

تغییر ندادن گچ‌بری‌ها و مدل فضای داخلی کتابخانه مطهری باعث شده تا گردشگران فراوانی از این محل که به نوعی از حمام‌های قدیمی خرم‌آباد محسوب می‌شود بازدید کنند.

مقارن با تأسیس کتابخانه بهار

در اوایل دهه چهل یکی از مهم‌ترین انجمن‌های ادبی استان در دبیرستان بهار آغاز به کار می‌کند که این انجمن به صورت دانش‌آموزی بوده است اما شاخص‌ترین انجمن ادبی، انجمن ادب و قلم لرستان بوده است

کتابخانه مطهری دارای دو بخش است که یک بخش به مخزن کتاب‌ها اختصاص یافته است و بخش دیگر به سالن مطالعه دپواری بزرگ این دو بخش را از هم جدا کرده است.

به نظر می‌رسد قدیمی‌ترین کتابخانه عمومی استان، کتابخانه عمومی شهید باهنر بروجرد باشد. که در سال ۱۳۳۸ در مرکز شهر بروجرد واقع در پارک سعدی تأسیس شده است. این کتابخانه دوطبقه که از درجه ۲ فرهنگی برخوردار است به‌واسطه نزدیک بودن به مرکز شهر بروجرد مخاطبان فراوانی دارد به‌صورتی که از جمله شلوغ‌ترین و پررفت‌وآمدترین کتابخانه‌های استان محسوب می‌شود.

کتابخانه عمومی شهید باهنر بروجرد که به‌واسطه زلزله اخیر بروجرد دچار آسیب شده بود و مدتی به‌صورت غیرفعال بود پس از بازسازی مجدد در اختیار علاقه‌مندان به کتاب و اعضا قرار گرفت. این کتابخانه که پیش از ۳۰هزار عنوان کتاب در مخزن خودش دارد به طور متوسط هر ماه بالغ بر هفت هزار مراجعه‌کننده دارد.

سالن پران جشنواره

شش ماهه اول سال مردم استان لرستان شاهد برپایی جشنواره‌های متعددی بودند که اغلب آنها توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اجرا شد. به‌اروند معاون فرهنگی این اداره در خصوص برنامه‌های برگزارشده در شش‌ماه اول سال می‌گوید: «خوشبختانه از ابتدای سال تا شهریورماه برنامه‌های مختلفی برگزار کردیم که اغلب آنها نیز با استقبال خوبی مواجه شدند و در ادامه سال نیز این روان ادامه خواهد یافت.»

وی در خصوص برنامه‌های برگزارشده از منقل انس با قرآن، کنگره مذهبیت، همایش شعر کور، همایش اهل قلم، جشنواره منطقه‌ای شعر و… یاد می‌کند و در ادامه می‌گوید: در شش‌ماه دوم سال ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فعالیت خواهند بود و برنامه‌های متعددی در حوزه سراسری منطقه‌ای و استانی برگزار خواهند کرد که مهم‌ترین آنها به‌صورت زیر خواهد بود:

- جشنواره منطقه‌ای تئاتر با حضور استان‌های کرمانشاه، مرکزی، ایلام، تهران، همدان و ویبر احمد، خوزستان و چهارمحال و بختاری
- جشنواره موسیقی کمانچه نوازان سراسر کشور
- جشنواره خوشنویسان منطقه غرب کشور
- جشنواره منطقه‌ای موسیقی
- جشنواره منطقه‌ای فیلم و عکس سینمایی

جوان ۵

شعق به ولایت

لرستان در کنار برگزاری پنجمین نمایشگاه بزرگ کتاب که به نوعی بزرگ‌ترین رخداد فرهنگی استان است و در کنار همه جشنواره‌ها و همایش‌ها که به نوعی مفید و موثر هستند اما اساساً مزیان برگزاری برنامه قابل توجهی است که برای عاشقان به فرهنگ ولایت بسیار مهم و باارزش است.

اسناد اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان در نظر دارد با همکاری دبیرخانه جشنواره حضرت امام (رضاع) نخستین سراسری «آیین‌ها و آواهای زیارتی و مذهبی» (صراح خراسان) را از سوم تا پنجم آدماه ۱۳۸۵ برگزار کند.

این جشنواره در سه بخش اصلی، ویژه و جنبی برگزار می‌شود. بخش اصلی مختصراً به آیین‌های زیارتی و مذهبی، آواهای زیارتی و مذهبی می‌پردازد. بخش ویژه به مناسبت سال حضرت پیامبر اعظم(ص) برگزار می‌شود و بخش جنبی مسابقه در چهار زمینه فیلم، عکس، نمایش، پژوهش و مقالات علمی صورت می‌گیرد.

بهاروند در خصوص این جشنواره می‌گوید: «هیات‌گزینش جشنواره در بدین‌ش آثار در زمینه آیین و نوا، انتخاب آثار اصیل را در اولویت داد که داوطلبان شرکت در این بخش آثاری چون جلاوش خوانی، زیارتنامه خوانی، مناجاتنامه خوانی، مولودی خوانی، افان خوانی، سقاخوانی و… را در جشنواره شرکت

داده‌اند. در عین حال این بخش همه آداب مرتبط با زائران را شامل می‌شود؛ آیین‌هایی چون وداع زائران حرمین یا مکه، مراسم بدرقه یا استقبال زائران، بازدید، ولیمه و سوغات.

معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان لرستان در خصوص بخش ویژه جشنواره سراسری «آیین‌ها و آواهای زیارتی و مذهبی» که در لرستان برگزار می‌شود اظهار داشت: این بخش که به مناسبت سال پیامبر اعظم(ص) برگزار می‌شود شامل برنامه‌ی تحت حضرت پیامبر(ص) بوده که از جمله آنها مولودی خوانی، تمکیت خوانی، معراجنامه خوانی و… است.

شاعران لرستان

استان لرستان همواره شاهد حضور نویسندگان و شاعران فراوانی بوده و هست و به همین دلیل انجمن‌های ادبی این استان طی سال‌های گذشته از رونق قابل توجهی برخوردار بوده‌اند. شوق فعالیت اغلب انجمن‌های ادبی این استان به اوایل دهه ۳۰ بازمی‌گردد که البته به نظر می‌رسد مقارن با تأسیس کتابخانه بهار در اوایل دهه چهل، یکی از مهم‌ترین انجمن‌های ادبی استان در دبیرستان بهار آغاز به کار می‌کند که این انجمن به‌صورت دانش‌آموزی بوده است. اما شاخص‌ترین انجمن ادبی، انجمن ادب و قلم لرستان بوده است که طی تشکیل آن در ۲۰خرداد ۱۳۲۲ (به‌همت شادروان ترحم‌لی پزیربزرگ و علی محمد ساگی ریخته می‌شود.

به هر تقدیر علاقه‌مندان به شعر و ادب کشور و استان ادامه دهنده مسیر پیشینیان خود شدند و انجمن‌های ادبی مطرحی در این شهرهای مختلف شکل گرفتند که قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین آنها در شهرهای خرم‌آباد و بروجرد هستند. حضور جبهه‌های شاخص در انجمن‌های ادب استان لرستان باعث شده هر ساله جشنواره‌های ادبی مطرحی به‌صورت منطقه‌ای و سراسری با حضور شعرای مطرح کشور در این استان برگزار شود.

مطوعات لرستان

نشر چاپکده‌ها و روزنامه‌ها در لرستان به پیش از صدور فرمان مشروطیت بازمی‌گردد تهیه و تنظیم اخبار و گزارش‌های این دیار و انتشار آنها در مطبوعات «مهوران» و «سایر ولایات»، به‌وسیله قانع نگاران نیز حداقل از اوایل عهد ناصرالدین شاه آغاز شده است. اما بر اساس فهرست‌ها و تاریخ‌های مطبوعات، نخستین نشریه‌ای که در لرستان انتشار یافته، روزنامه پشوا، است. این روزنامه با چاپ ۷۲لایین در دیقجه در ۱۳۲۷ در بروجرد چاپ و منتشر شد. اما در بروجرد، ندای لرستان، لرستان گلشنه شقایق از دیگر نشریه‌انی است که طی سال‌های گذشته در این استان منتشر می‌شدند.

هم‌ایک در این استان هشت هفته‌نامه سه دو هفته‌نامه و دو مورد ماهنامه منتشر می‌شود.

پنج نمایشگاه در ۱۲ سال

اولین نمایشگاه کتاب استان در خرم‌آباد در سال ۱۳۶۷ برگزار شد که در آن ۹۲ ناشر حضور داشتند و هفت هزار عنوان کتاب به بازدیدکنندگان معرفی کردند و در معرض فروش قرار دادند. آن نمایشگاه به روایت خاطرات و تصاویر بسیار مورد توجه اهالی استان قرار گرفت. دومین نمایشگاه این استان سال ۷۸ و سومین آن سال ۱۳۸۰ برگزار شد. با برپایی چهارمین نمایشگاه کتاب استانی در سال ۸۳ در خرم‌آباد این انتظار می‌رود که پنجمین نمایشگاه استان در سال ۱۳۸۲ برگزار شود. به‌اروند در این خصوص می‌گوید: «به‌رغم پیگیری‌های صورت گرفته ما موفق شدیم در آن سال مزیان نمایشگاه کتاب باشیم که بالاخره همه چیز به‌مسال موقوف شد.»

تکمیل فصلی عرصای خرم‌آباد و حضور بیش از ۴۰۰ ناشر از سراسر کشور، این امپداری برای مسئولان اجرایی نمایشگاه ایجاد کرده بازار بزرگ شاهد حضور پر استقبال مردم مانند اولین نمایشگاه کتاب در خرم‌آباد باشند.

دانش



سایر محمدی

«ساعت ۱۰ صبح بود» عنوان تازه‌ترین مجموعه شعر احمدرضا احمدی است که از سوی نشر چشمه در آخرین روزهای هفته گذشته به بازار آمد. احمدرضا احمدی را باید با خصوصیات فرهنگی، رفناری، اخلاقی و شعری خاص خودش ارزیابی کرد. تلج هیچ کس نیست. نخستین مجموعه شعرش به نام «طرح» وقتی در سال ۹۱ منتشر شد، خیر از نولد شاعر جوانی داد که راوروس معمول و معمولاً را زینا گذاشته و طرحی نو درافکند. است. پیروسیک هیچ یک از شاعران طراز اول شعر نو نبود «روزنامه شیشه‌ای» را که دو سال بعد منتشر کرد، شاعری آوانگارد شناخته شد. و سبک کارش را بدنام بخشد. «وقت خوب مصائب» «من فقط سبیدی اسب را گریستم»، «ما روی زمین هستیم»، «نثرهای بومیه»، «هزار پله مانده به دریا»، «لکه‌ای از صبر بر دیوار بود»، «هزار آفانی در چشمان تو هیچ است» «عاین بخش دیگری از آثار اوست. شما چه‌جا باور می‌کنید.» از جمله سی عنوان کتاب کودک او هستند.

با احمدرضا احمدی درباره آینده شعر امروز و ادبیات کودک

شعر کودک در طبقه دوم آپارتمان

دیگران است.

از اینکه در طول این همه سال از یک زبان بکنواخت و از موسیقی تکراری در سرودن شعر استفاده می‌کنید، در آهنگ کلام و لحن مشخص شعر به تکرار نرسیده‌اید...

نه. من که دیگر پس از این همه سال نمی‌توانم مثل دیگران شعر بگویم. یا در سرودن شعر تغییر جهت بدهم و دنباله‌رو شاعران دیگر شوم. این وضع خنده دار خواهد شد. من کار خودم را می‌کنم و قضاوتش هم با آیندگان است. حالا نمی‌خواهم مقایسه کنم اما مگر تمام عزایات حافظ در یک قالب و در یک فرم و در یک مایه نیست؟ کار من هم یک قالبی پیدا کرده که به نظر خودم پس از کتاب «نثرهای بومیه» این قالب تازه تثبیت شده. اگر وقت کرده باشید، نام کتاب هابی که بعد از انقلاب چاپ کردم در قسمت پایانی هر کتاب فصلی آورده‌ام که مربوط به نثرهای شاعرانه است و تا الان هم در ادبیات ما نبوده است.

این نثر شاعرانه چقدر با نثر عارفانه هم خوانده است که در ادبیات عراقی ما به شطحیات معروف است؟

من گمان نمی‌کنم شباهتی بین این دو گونه بتوان پیدا کرد. می‌دانم چه می‌گویید. شطحیات مورد نظر شما را می‌فهمم ولی نه، نثر شاعرانه من در خیلی جاها تجلی درونی و حقیقی انسان معاصر است. یعنی نکته مهم این است که در این نثرها خواسته‌ام از روزمرگی فرار کنم. این نکته خیلی ظریف اما مهم است ولی هیچ کس توجهی به آن نکرده. فقط شمس لنگرودی در دو جا به صورت کتبی و شفاهی به آن اشاره کرده است.

آن چیزی که امروز یک اثر ادبی و یک متن را ارتقا می‌دهد و برجسته می‌کند، زبان اثر است. آیا شما هم بر این نظریه‌اید؟

در این آثاری که تا الان منتشر کرده‌ام، زبان‌هایی مختلف ابداع کرده‌ام که هیچ کس توجه نکرده. به ویژه در این هفت «حشت کتابی» که پس از انقلاب منتشر کرده‌ام و در همان نثرهایی که در پایان هر کتاب چاپ کرده‌ام. نمونه بارز آن هم کتاب نثرهای بومیه است که فقط یک نفر به عنوان یک اتفاق در ادبیات فارسی اشاره کرده بود که آن هم آقای طاهر نونکده بود. به نظر من کسی که به این موضوع توجه کرده بود و حتی این مسأله را در شعر من و در زبان من کشف کرده بود همین شخص بود و بقیه از کنار آن رد شده بودند و قضیه را جدی نگرفته بودند و من البته کاری به کار دیگران ندارم و کار خودم را می‌کنم.

مؤلفه‌های این زبان متمایز را توضیح دهید تا



آقای احمدی شما یک کتاب در ارتباط با خاطراتی که با نویسندگان و شاعران داشتید منتشر کرده‌اید.

بله. این کتاب به اسم «حکایت آشنایی من...» چاپ شده است.

شما در دهه چهل و پنجاه سرودن شعر و چاپ کتاب‌هایتان را شروع کردید، هنرمند و اهل قلم در آن سال‌ها، زمانی محبوب و موفق بود که در آثارش به صورتی به سیاست بپردازد و چهره‌ای معترض داشته باشد. شما اما بدون نزدیک شدن به سیاست و سرودن شعر سیاسی به عنوان شاعری مطرح شناخته می‌شدید. چرا؟

من همیشه در زندگی هنری‌ام به دنبال شعر ناب بودم. به دلیل اینکه سیاست جزو سیاست روزمره زندگی است و فقط به درد کسانی می‌خورد که در هنر دچار روزمرگی باشند. شاعران سیاسی آن دوره در همان زمان خودشان فراموش شدند. شما به نیما هم که نگاه کنید، اجتماعی توجه داشت، آنچه نام نیما و شهرت را همچنان محبوب نگاه داشته شعرهای نابش است. من از ابتدا دنبال شعر ناب بودم، حالا نمی‌دانم چقدر موفق شدم. قضاوتش به عهده منتقدان و علاقه‌مندان به شعر است.

وقتی موضوع و مسائل سیاسی در آثارتان مطرح نبود، چرا کتابی مثل «ما روی زمین هستیم» در سال ۵۲ تویف شد؟

اگر به اشعار و سروده‌های آن کتاب نگاه کنید، متوجه می‌شوید که مسأله خاصی نداشت. ایراد سازمان امنیت در آن زمان اقتدر ابلهانه بود که بیشتر خنده‌دار بود تا سیاسی. آنها نه شعر نو را می‌فهمیدند و نه رمز و سمبل را می‌شناختند.

اگر الان بخواهید کتاب «حکایت آشنایی من» را منتشر کنید، خاطره یا حکایتی مانده که به آن اضافه کنید؟ یا آن را توشه...

اولا من در این کتاب به دنبال یک نوع نثر می‌گشتم. یک نثر مصنوع، یک نثری که خلق بکنم. به نظر خودم در این راه هم موفق بودم. بعد از این کتاب برای چهره‌های دیگری که خاطراتی با آنان داشتم نوشتم مثلا برای نادر ابراهیمی، برای سیروس طاهیان، برای فریدون مشیری که اگر این کتاب جلد دومی داشته باشد، این خاطرات در جلد دوم خواهد بود. این چهار پنج نفر الان در ذهنم بودند و گرنه افراد بیشتری هم احتمالا هستند که مسلما خواهم نوشت.

از این چهره‌ها که نام برید، فشنگ ترین خاطره را با کدامشان دارید؟

فرق نمی‌کند. با همه آدم‌ها زندگی کردم. لحظات خوب داشتم، لحظات بد داشتم. فرقی

ندارد. اینها همه افرادی بودند که به ادبیات این مملکت خدمت کردند، به خصوصی نادر ابراهیمی، نادر ابراهیمی از جمله کسانی بود که ادبیات کودکان را ادامه داد و آن را جدی گرفت. مکتب ایجاد کرد و کتاب چاپ کرد.

خاطراتی را که با نادر ابراهیمی داشتید برای ما هم تعریف کنید. قبل از آنکه در کتابی چاپ شود. ما گروهی بودیم که من و نادر ابراهیمی و اکبرزادی از اعضای آن به شمار می‌رفتیم. ما در این گروه با مبلغ کسی که روی هم می‌گذاشتیم کتاب‌های خود را در می‌آوردیم. من کتاب «روزنامه شیشه‌ای» را با تلاش نادر ابراهیمی چاپ و منتشر کردم. بعد از انقلاب کسی که مرا وادار کرد برای ادبیات کودکان کار کنم و برای بچه‌ها بنویسم نادر ابراهیمی بود. او مرا متوقف می‌کرد بنویسم و شرکت «همگام» با کودکان و نوجوانان که متعلق به نادر بود از من شش قصه مربوط به کودکان منتشر کرد. ما دو تا با همکاری یکدیگر پس از انقلاب نزدیک به سی کتاب برای بچه‌ها منتشر کردیم.

من سوال خودم را به شکل دیگری مطرح می‌کنم در دهه‌ای که شاعران بزرگ معاصر هر کدام سبک و شیوه خاص خودشان را داشتند،

تلنگری پر اژدهان منتقدان باشد.

نمی توانیم به دلیل اینکه هنر خلق اثر را از ضمیرناخودآگاه هنرمند سرچشمه می‌گیرد، آن بخش آگاهانه را باید منتقد کشف کند. اتفاقاً چند روز قبل دانشجوی چندین سوال برای من آورده بود که باید به آنها جواب می‌دادم. این سوال‌ها راستاداش که یکی از شعرائ معاصر است طرح کرده بود و در مورد شعرهای من در چند سطر نظرش را مطرح کرده و نکاتی را در شعر من کشف کرده بود که شاید خودم تا الان به آن توجه نکرده بودم. من اگر بخواهم به این ویژگی‌ها در شعرتوجه کنم رشته از دستم در می‌رود و شروع می‌کنم با تئوری شعر گفتن و با تئوری شعر نوشتن که چیزی مشخصی نخواهد شد.

این استاد شعر چه چیزی را در شعر شما کشف کرده بود؟

این استاد ملا ایباز را در شعر من کشف کرده و در زمینه مباحث نقد ادبی نظرانی را در این شعرها استخراج کرده بود که برای من بسیار جالب و عجیب و می‌توانم بگویم غیرمنتظره بود.

من در شعرهای شما که در کتاب «پروانه‌های دل» به یاد می‌سپارم» ساختار دایره‌ای را در برخی شعرها کشف کرده‌ام
نمی‌دانم. من از هر کتابی که چاپ می‌کنم، فاصله می‌گیرم و اصلا دایره بر نمی‌گرم که چه اتفاقی در آن افتاده است. یعنی تکرم معطوف به آینده است و به شعرهای ناسروده که با آنها چه کنم.
به نظر من ساختار دایره‌ای در تاریخ اتفاق می‌افتد. یاز اول شکل تراژدی است اما تکرار آن و سال گذشته پزشکان از من قطع امید کردند، واقعا دارم بی‌وفقه کار می‌کنم و می‌دانم که فرصت بسیار کم است.

شما عقیده به ساختار یک سرامیت می‌دید و آگاهانه در ساحت شعر دخالت می‌کنید؟
نمی‌دانم. یعنی اگر بخواهم آگاهانه از روی نظریه ساختارگرای شعر بگویم شعری خواهد شد مثل همه شعرهایی که برخی می‌ننننند و از روی تئوری‌هایی که ترجمه شده، شعرشان را می‌نویسند.

شما زمانی به دلیل آوانگارد بودن و ابداع شکل و شیوه دیگر، مورد هجوم برخی از منتقدان بودید، چه فضائتی در مورد نسل جدیدی که امروز مدعی سرودن شعر بست‌مدون و شعر آوانگارد هستند، دارید؟

من نظرم این است که باید اجازه داد آنها کار خودشان را بکنند و به آن چیزی که فکر می‌کنند عمل کنند. بالاخره از میان این نسل شاید چه‌وهایی متولد شود، شاید آثاری متفاوت اما مورد قبول جامعه خلق کنند. آنها باید تجربیات خودشان را پیدا کنند. من به تجربیات خودم در نسل قبل عمل نکردم ولی باید این فرصت را به نسل جوان بدهیم که براساس تجربه خودش دست به آزمون و خطا بزند. تاریخ در آینده ثابت می‌کند که هر کس چه میزان سقایت داشته است.

یعنی شما دیدگاه دادانیست‌ها را می‌پذیرید؟ خلق اثر هنری بر حسب تصادف محض، یعنی امکان دارد از میان شعرهای بست‌مدون شعاری شاهکار خلق کنند؟

اگر بخواهیم دیدگاه دادانیست‌ها را مطرح کنیم یک نمونه‌اش می‌شود هوشنگ ایرانی. جالب است بدانید مرا متهم می‌کنند که تحت تاثیر او بودم ولی من قسم می‌خورم که هیچ شعری از او نخوانده بودم.

در شعر من و امثال من دردی درونی هست که نه در شعر ایرانی بوده و نه در شعر دادانیست‌ها و اشعار شاعران بست‌مدون. در شعر ما اندوهی

هست. دردی هست که در آن شعرها نیست. من از شما می‌خواهم این حرف مرا متعکس کنید که مدام دارند مرا متهم می‌کنند. به خدا قسم می‌خورم که من اصلا اشعار ایرانی را نخوانده بودم. ایرانی را خیلی سال‌ها بعد شناختم. نمونه بارزش هم این است که اگر هوشنگ ایرانی حقایقش در ارائه نظرانش داشت قطعاً شعرش می‌ماند، پس اینگونه نبود. فقط به فرم توجه کردم و به شکل بها دادن نتیجه‌اش می‌شود هوشنگ ایرانی.

با توجه به حضور جریان‌های مختلف در شعر معاصر ایران، اگر قرار باشد کتاب شعری مطالعه کنید، آثار کدام را می‌خوانید؟
به نظرم مطالعه شعر، مثل انتخاب موسیقی است. همه جور موسیقی را بسته به موقعیت و فضایی که در آن قرار گرفته‌ایم می‌توانید گوش کنید. شعر هم به نظرم همین وضع را دارد. می‌شود شعر همه را خواند یعنی هیچ گونه تقسیم‌بندی در مطالعه شعر ندارم.

یعنی حتی یک وقت می‌روید به سراغ شعر مهدی سحابی؟

نه. نه به نظرم اصلا او شاعر نیست. اتفاقاً سوال خوبی را مطرح کردید. ببینید من وقتی می‌گویم شعر همه شاعران را می‌شود خواند. منظومه کسانی است که در تاریخ ادبیات معاصریتش شده‌اند. یعنی شاعرانی مثل نیما و فروغ و نادرپور، سپهری، شاملو، ابتهاج و … هستند. می‌گویند هر حادثه دیوار در تاریخ اتفاق می‌افتد. یاز اول شکل تراژدی است اما تکرار آن تبدیل به کمدی می‌شود. تبدیل به شوخی می‌شود. شاعرانی مثل سحابی از شوخی‌های شعر در تاریخ اند.

به عنوان شاعر و هم‌صان زبان شعرانه به سراغ ادبیات کودک رفته‌اید، ارتباط با این دو حیطه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
به نظرم ادبیات کودکان گونه دیگری از شعر است. اگر یک آیرت‌مان را در نظر بگیریم شاید طبقه اولش شعر باشد و طبقه دوم ادبیات کودکان. از شانس‌های دیگرم این بود که آنچه در شعرم ناتمام مانده بود در ادبیات کودکان که خلق می‌کردم کامل می‌شد و باز اگر در زمینه ادبیات کودک به آن آثارم نگاه کنید، می‌بینید که با بقیه تفاوت دارد. امضای من را دارد.

زبان شعر با زبان داستان تفاوت‌های زیادی دارند. شما با این تضاد چگونه کنار آمدید؟
زبان در ادبیات کودک بسیار ساده است. ولی آنچه در ادبیات کودکان مهم است و ولی من توان از طریق آن با کودک ارتباط برقرار کرد تحلیل بسیار قوی است. آن هم سه - چهار عامل دارد که همیشه هست و تکرار می‌شود.

در دهه‌های گذشته عده‌ای از شاعران اصرار عجیبی در منظومه‌سرایی داشته‌به ویژه پس از ترجمه وانتشار سنگ آفتاب» منظومه معروف

اگر بخواهیم دیدگاه دادانیست‌ها را مطرح کنیم یک نمونه‌اش می‌شود هوشنگ ایرانی. جالب است بدانید مرا متهم می‌کنند که تحت تاثیر او بودم ولی من قسم می‌خورم که هیچ شعری از او نخوانده بودم.
در شعر من و امثال من دردی درونی هست که نه در شعر ایرانی بوده و نه در شعر دادانیست‌ها و اشعار شاعران بست‌مدون. در شعر ما اندوهی

او کتابیو باز گرایش فراوان به منظومه‌سرایی را می‌بینیم. شما به چه انگیزه‌ای به سراغ منظومه رفته‌اید؟
من دو تا منظومه دارم که در نوع خودش به من دو تا منظومه‌های مدون شعر امروز هستند. یکی «من سفیدی اسب را گریستم» و منظومه دیگری هست به نام «منظومه شبیادای گل‌های داوودی» که نمی‌دانم چندین بار در کار موفق بودم و باز اگر کتاب «هزار پله مانده به دریا» را هم مرور کنید، می‌بینید یک منظومه بلند است در سیر سطر.

از میان آثاری که در حوزه کودکان منتشر کرده‌اید و آثاری که در حوزه شعر به نام شما چاپ شده است، اگر بخواهید در این حوزه یک کتاب کودک و یک کتاب شعر را به عنوان بهترین‌ها انتخاب کنید…

من همه کتاب‌هایم را انتخاب می‌کنم. اگر

سردشدن سنگ می‌شود آن وقت می‌آیند ایراد می‌گیرند که چرا این سنگ شکنش این طوراست؟ عجب این طور شده. من چکار کنم؟ من به همین دلیل اصلا تقدار انمی‌خوانم. کار منتقدرا بیشتر نوعی کاسی می‌دانم و گرنه کار شاعر سرودن است.

فکر می‌کنید در میان شاعران جهان شعاری هست که شبیه احمدرضا احمدی شعری‌گوید؟
نمی‌دانم. من زبان بلم نمی‌بینم. اگر هم باشد نمی‌شناسم. گمان نمی‌کنم چنین اتفاقی افتاده باشد. برای اینکه هر انسانی خودش است. همانطور که چشمم، شکلم، رفتارم و اعلاقم شباهت به کسی ندارد، شعر من هم شباهت به شعر کسی ندارد.

از میان شاعران جهان آثار کدام شاعر را دوست دارید و بیشتر آن را می‌خوانید؟



به اعتقاد من شما خیلی هوشمندانه به سراغ شعر کوتاه رفته‌اید. در عصری که فرصت نامل و تفکر نیست منظومه‌سرایی به نوعی نقض فرض است.
اشکالی که منظومه دارد این است که شاعر نمی‌تواند در یک نشست آن را بنویسد و این گسست، شعر را از آن حالت یکدستی خارج می‌کند. شعر یکی از ویژگی‌هایش این است که عصاات می‌آید و مجازاتاً باید سروده شود و تمام شود. همه چیز در یک آن اتفاق می‌افتد. خواننده هم باید در یک نگاه و در یک نفس آن را بخواند. اشکال منظومه این است که شاعر یک بخش آن را می‌نویسد. بعد کنار می‌گذارد و باز در فرصتی دیگر به سراغش می‌رود تا این‌ها را به هم بچسباند. آن وقت جای این چسب‌ها معلوم است. یعنی نمی‌تواند اعا کند یک منظومه را در یک نشست ارتجالا سروده است.

فاصله‌ای که بین سرودن بخش‌های مختلف ایجاد می‌شود آن را مصنوعی می‌کند. مثل منظومه‌های قدیم است که ابتدا قالب را می‌ساختند بعد کلمات را می‌ریختند روی آن قالب. اگر در قافیه واژه مگس می‌آمد، جرس هم صدایش بلند می‌شد و باید وارد منظومه می‌شد. به دنبال آن عدس و ملس هم می‌آمدند.

قرار است که نباشد. هیچ کدام نیست و اگر قرار است که باشد، باید همه باشند. فرقی نمی‌کند. به دلیل اینکه هر کدام از این آثار حاصل تکه‌ای از عمر من است. نمی‌توانم بگویم این تکه از عمرم یا آن تکه فرق می‌کند.

به هر حال سال‌های عمر انسان هم که یکسان نمی‌گذرد، یک سال تلخ، یک سال شیرین، یک سال شکست، یک سال پیروزی، این فرازونشیب در همه زندگی هست.
بله. الان بهترین کتاب من یک قصه بسیار شیرین است که برای بچه‌ها نوشته‌ام و این آخرین قصه هم هست. این قصه را خیلی دوست دارم تا این لحظه البته. لحظه بعد را نمی‌دانم چه اتفاقی خواهد افتاد. این کتاب یک قصه‌ای است که هنوز آن را به هیچ ناشری نداده‌ام. بگذارید اسمش را بتریم. ولی خودم از این داستان جدید بسیار خوشم می‌آید.

رابطه شما با منتقدان آثارتان چگونه است؟ آیا هیچ منتقدی یا نقدهای خودش در بهتر شدن کار به شما کمک کرد؟

باور می‌کنید که من نقدها را نمی‌خوانم؛ چون می‌ترسم مرا به بیراهه ببرند. اشکال کار منتقدان این است که یک اثر هنری که مثل آنتفشان فواره می‌زند، ذوب می‌شود و بعد از



امیرحسین شرافت

حسن عیدی پور از کتاب «کارکردهای انتظار» می‌گوید

تقویم انتظار ورق می‌خورد

حسن عیدی پور محقق و پژوهشگر و فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی است. از وی تاکنون سه عنوان کتاب زهد در اسلام، بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی دوران حضرت زهرا(س) و فرهنگ عصر فیت در اسلام منتشر شده است. او علاوه بر فعالیت پژوهشی به عنوان معاون فرهنگی موسسه انتظار نور و مسئول دبیرخانه کتب‌های علمی شش دوره گفت‌وگو مهدویت و مشاور برنامه‌های تلویزیونی شبکه‌های دوم و چهارم سیما و پرن‌تری سحر با محور مهدویت، کتاب «کارکردهای انتظار» را نیز به تازگی روانه بازار نشر کرده است. این گفت‌وگو نیز به همین مناسبت انجام گرفته است.

باطل گرایان نابود شوند. آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم خود کلمه انتظار استفاده می‌شود این است که انتظار، در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، مقاومت و پیشرفت، بیداری و بقای جامعه و بالاخره عامل حرکت و جنبش و قیام و از عقاید تاریخ ساز بزرگ اصلی قیام جهانی حضرت مهدی(ص) است. این طور استفاده کنند که بشر امروزی با مشکلات عدیده‌ای که با آن دست به گریبان است چطور می‌تواند درباره فردا بیندیشد و خود را برای ظهوری پر از عدل و حقیقت آماده سازد؟



واضح رسید که شاید آنان نمی‌دانند اعتقاد به چنین ظهوری ریشه فطری در نهادهای آدمی دارد و در اعماق احساسات و عواطف آنان خانه کرده است چرا که همه انسان‌ها به نوعی از ستم و ظلم گریزند و می‌خواهند منجی‌ای بیاید تا راه استبداد را بسته و ندای حق و عدالت را سر دهد هر چند اعتقاد آنان نشأت گرفته از اندیشه اسلامی نباشد. اما به طور مسلم انتظار یک ریشه اصلی و عمیق در فرهنگ اسلامی دارد که می‌تواند تحولی شگرف در اندیشه و روح منتظر واقعی ایجاد کند. از موضوعاتی که در کتاب شما به آن پرداخته شده، تحلیل دیدگاه‌هایی است که در مورد آینده بشر مطرح است. دستاورد شما در این زمینه چه بوده است؟

درباره آینده بشر سه دیدگاه کلی وجود دارد: یک دیدگاه معتقد است که آینده جهان و انسان تیره و تاریک است. انسان با دست خود و با ابزارهایی همچون علم، تکنولوژی، صنعت و توسعه روزافزون ارتباطات تازه‌ای را بردست و پای خود تزیین کرده است که روزی او را از با درمی‌آورد. معتقدان این نظریه همچون شوینهاور معتقدند که بشر نه تنها روبه سعادت و کمال نمی‌آورد بلکه به سوی شقاوت و تیره و تیره بخشد در حرکت است. راسل در

کتاب امیدهای تو می‌گوید: اشخاصی هستند از آن جمله اینشتین که به زعم آنها بسیار محتمل است که انسان دوره حیات خود را طی کرده باشد و در ظرف سنین معدودی موفق شود با مهارت شگرف عملی خود، خویش را بنا بوسازد. این گروه را می‌توان بدینان نامید. دیدگاه دوم معتقد است: آینده بشر و وضعیت جهان نامشخص و نامعلوم است. نه می‌توان گفت که انسان‌ها به کمال و سعادت می‌رسند و نه اینکه به شقاوت و تیره‌روزی میل می‌کنند. این گروه فقط وضع موجود را تجزیه و تحلیل می‌کنند. دیدگاه سوم باور دارد که بشر روزی به رشد عقلانی، عاطفی، فکری، فرهنگی و دینی می‌رسد و آینده جهان، مملو از سعادت، کمال، راستی و پاک‌ی است و بشر به وسیله کتب آگاهی‌های علمی، فلسفی و معرفتی حقیقت را کشف می‌نماید و حیات انسانی و الهی را در پیش خواهد گرفت. این گروه را می‌توان خوش‌بینان به تاریخ و جامعه دانست.

پیش قرآنی و اعتقاد به ظهور منجی موعود، دیدگاه سوم را تأیید می‌کند، آیهایی که در قرآن درباره مصلح جهانی آمده است سرشار از خوش‌بینی و امیدواری به آینده بشر است. عقیده ما این است که آینده بشر با تشکیل حکومت واحد جهانی، بسیار روشن است؛ یعنی بشر به مرور زمان و با تجربه تلخی که از کلبه مکتب‌های فریبده دست خواهد آورد روزی به مکتب اسلام روی خواهد آورد. زیرا تشکیل حکومت واحد جهانی برای تحقق آرمانی واقعی انسان‌ها ضروری است و مشکلات پیچیده جهان و تعصبات دینی و قومی و نژادی را حل می‌کند، چنان که اسلام در آغاز، در دنیایی که اسیر تعصبات دینی و قومی بود، نمعه تازه‌ای دمید و نژادهای مختلف ایرانی، رومی، ترکی، حبشی و عربی را دور هم جمع کرد و از همین جا حکومت جهانی در دنیا پایه‌گذاری گردید و اگر آن روز این طرح به طور کامل پیاده نشده، برای این بود که افکار جهانیان برای تحمل حکومت توحید، آماده‌گی داشت و ولیکن چنان تست که این وضع برای همیشه ادامه داشته باشد. لذا طبق قانون تکامل و به موجب آیات و روایات این آمادگی در جهان بشریت پیدا خواهد شد. به طور قطع جهان روزی را در پیش دارد که افکار مردم کاملاً بیدار می‌شود و از قوانین خود ساخته و برنامه و مرام‌های گوناگون و زمامداران طاغوتی خویش، مأیوس

آنچه انتظار را معتادان می‌کند، خودسازی است زیرا فردی که در انتظار مصلح نشسته است خود باید صالح و خود ساخته باشد

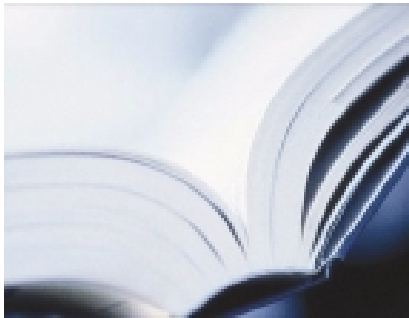
می‌گردند و چاره دردها و مشکلات لاینحل و پیچیده خود را از مکتب انبیا می‌جویند. خداوند کریم در قرآن مجید با وعده صریح جهانی شدن دین اسلام را اعلام می‌دارد: «هو‌الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظنوه علی‌الدین کله ولو کره‌المشرکون.» منظور از «هدایت» ادله روشن و برآین آشکاری است که در دین اسلام وجود دارد و در دسترس همگان می‌باشد و مراد از دین حق، آیین الهی است که اصول و فروع حق و منکی به تاریخ و دلایل روشنی است که دوست و دشمن تأکیر برین بدان اعتراف کنند و چنین آیین و مذهبی باید سرانجام بر کلیه آیین‌ها پیروز گردد.

برخی از مفسران گمان کرده‌اند که منظور از «لیظنوه علی‌الدین کله» تنها عقیده منطبق اسلام است و می‌گویند این مطلب تحقق یافته است؛ زیرا اسلام از نظر منطق استدلال، قابل مقایسه با آیین‌های دیگر نیست و بر همه آنها پیروز است و دقت در آیات کریمه قرآن و به کار بردن کلمه «لیظنوه» چنین به دست می‌آید که منظور تنها عقیده استدلال نیست، بلکه عقیده ظاهری و بیرونی خارجی نیز داخل در مفهوم این کلمه می‌باشد. آنچه محرک و نیروبخش است و جامعه مسلمین را بیشتر به مکتب و آیین خود امیدوار می‌کند همان پیروزی خارجی و غلبه عینی است و چون آیه فوق در مقام تشویق مسلمین و تقویت ارتباط ایشان با خدا و رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه و آله و اطهار) نیرو در مقابل دشمنان است، اراده پیروزی خارجی به هدف نهایی نزدیک‌تر است.

شما در این تحقیق، به تحلیل کارکردهای فردی و اجتماعی انتظار پرداخته‌اید؛ از نظر فردی انتظار چه کارکردی دارد. به عبارت دیگر، در دوره انتظار، منتظران چه وظایفی دارند؟

یکی از کارکردهای مهم انتظار، خودسازی است؛ مقله‌ای که در اسلام، بر آن بسیار تأکید شده است. اساساً فلسفه ارسال رسولان و زلال شدن کتاب‌های آسمانی آن بوده است که در درجه نخست، فرد به سازندگی خویش پیروزاد و صفت‌های ناپسند را از خود دور سازد و نگاه‌های گونه‌گونی که بر قلب می‌نشیند را بزداید. چنانکه قرآن یقیناً پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) را همین تهدید ذکر می‌کند: «ویرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه» نیز خود می‌فرماید: «میرا بگفته شد م کارم اخلاق را تکمیل سازم.» «لی یبعث لامم مکارم اخلاق». آنچه انتظار و اعتدال می‌کند، خودسازی است زیرا فردی که در انتظار مصلح نشسته است خود باید صالح و خود ساخته باشد. انسان منتظری که به تزکیه و تهذیب، اهتمام ندارد، بسیار بی‌معنا در تاقض آمیز است، چون به راحتی می‌رسند: «در انتظار چه کنی، یا چه ویژگی‌هایی و برای چه اهدافی؟»

بی‌تردید حضرت منتظر (ص) خود در انتظار روزی نشسته است که به آن فرصت حیات ظهور کند و یک بار دیگر با صلابت و صراحت، پیام خود پیامبران و اولیا و صالحان گذشته را در جهت خودسازی و سپس جامعه‌سازی ابلاغ کند. یاران او هم خودساختگانی هستند که با شناخت عمیق از خود و هستی، نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا کرده‌اند. خدایرستی، پرهیزگاری، اخلاق نیکو، مهرورزی و زهدورزی از مهم‌ترین وظایف



منتظران است. شما در کتابتان به علل تشکیل نهاد وکالت و استمرار فعالیت آن تا انتهای عصر غیبت اشاره کرده‌اید. نهاد وکالت در زمان قبل از غیبت هم وجود داشت لذا یک سوال اساسی این است که چرا ائمه علیهم‌السلام به تشکیل و استمرار فعالیت چنین نهادهای اقبال کردند و چه عوامل و زمینه‌هایی در مین بود که موجب می‌شد ائمه‌هدی علیهم‌السلام به طور جدی به حفظ و توسعه این نهاد و اعضای آن همت بگذارند؟

این عوامل را می‌توان تحت عناوین زیر ذکر کرد: اول لزوم ارتباط بین رهبران و پیروان. به نظر می‌رسد یکی از عوامل اساسی ایجاد این نهاد، لزوم ارتباط بین امامان معصوم علیهم‌السلام و پیروان آنهاست. در هر زمان دینی، سیاسی و اجتماعی ارتباط بین رهبران و اعضای آن اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین می‌بایست کسانی از سوی امامان شیعه تعیین می‌شدند که به عنوان وکالی آنان نقش ارتباطی بین شیعه و آنها را ایفا می‌کردند. این مسأله زمانی روشن‌تر می‌شود که به گسترده‌گی عالم اسلامی در آن عصر و پرکندگی شیعیان در نقاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب توجه کنیم و طبیعی است که همه شیعیان توانایی مسافرت به مدینه یا سایر مراکز سکنت امامان علیهم‌السلام را نداشتند. پس لازم بود کسانی به عنوان نمایندگان آنان و افراد مورد اعتماد و شناخته شده به این مناطق دور و نزدیک اعزام شوند و رابط بین رهبر و پیروانش باشند.

دوم، جو حقیقتان و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام علیهم‌السلام. وجود جو حقیقتان را نمی‌توان علت اصلی تشکیل نهاد وکالت دانست. ولی به طور قطع، وجود چنین جوی می‌تواند علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش و توسعه آن باشد. از این رو، در عصر امام کاظم علیه‌السلام و در عصر امام هادی علیه‌السلام با اوج فعالیت این نهاد مواجه هستیم.

علما در شرایط غیبت بوده که تمام جهد و تلاش خود را به کار بردند تا بتوانند در فراق معصوم بیخشی از نیازها را پاسخ دهند، ما امروز اگر گنجینه‌هایی از علوم و معارف دینی در اختیار داریم به دلیل همین سرمایه‌گذاری عظیم بوده است

سوم آماده سازی شیعه برای عصر غیبت. بی‌تردید، یکی از عوامل روی آوری ائمه (علیهم‌السلام) به این نهاد، آماده سازی شیعه برای پذیرش وضعیت جدید در عصر غیبت بوده است؛ عصری که در آن، شیعه جز از طریق سفرا و وکالی امام علیه‌السلام امکان ارتباط با امام و رهبر خویش را ندارد. با توجه به همین حقیقت بوده که هر چه شیعه به عصر غیبت نزدیک‌تر می‌شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می‌گشت و نهاد وکالت نیز تقویت می‌شد. تا حدی که در عصر دو امام هادی علیه‌السلام و امام عسکری علیه‌السلام غالب امور شیعه با این دو امام بزرگوار از راه مکتبانه و از طریق وکلا و نمایندگان صورت می‌گرفت. از این رو می‌توان گفت که حداقل در عصر دو امام عسکری تقویت نهاد وکالت به سبب تمهید و زمینه‌چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است.

چهارم، رفع یالنگیفی شیعه در عصر غیبت. وقتی به عصر غیبت صغری می‌رسیم، با توجه به احتیاطی کامل امام علیه‌السلام و غیبت او از انظار، ضرورت وجود این نهاد بیشتر رخ می‌نماید. چرا که تنها راه ارتباطی شیعه با امام (علیه‌السلام) سفرا و وکلا بودند. در این عصر، وکلا و سفرا خاص و عام امام (علیه‌السلام) به عنوان تنها مرجع برای شیعه، در مشکلات سیاسی، فکری، اجتماعی، اقتصادی و دینی بودند. همین‌طور در عصر بعضی از ائمه مثل امام کاظم(ع) یا دو امام عسکری(ع) که شیعه دسترس می‌یافتند، وکلا مرجع مقلدینی برای شیعیان بودند.

بنابراین اگر بخواهیم در یک عبارت کارکردهای نهاد وکالت را ذکر کنیم می‌گوییم جلوگیری از تفرقه شیعیان، پاسخ‌گویی به سوال‌های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی، اخذ و توزیع اموال متعلق به امام، سازماندهی و یکپارگی، رسیدگی به اوقاف و راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان. شما در این کتاب کارکردهای دیگر دوره غیبت و انتظار را، شگرفیای علوم دینی در اوضاع امید و حرکت پرشورده‌اید. در این زمینه توضیح دهید.

به نظر ما، یکی از کارکردهای انتظار زمینه‌سازی برای شگرفیای علوم دینی است. عالمان دینی در شرایط غیبت به دلیل عدم دسترس مستقیم و آسان به معصوم بیشتر خودیاری کردند و تلاش بیشتری برای تفسیر و کشف حقایق دین از خود نشان دادند.

البته می‌شک ما نمی‌توانیم فضایی را بسازیم که جایگزین حضور معصوم باشد، ولی به هر حال ما در شرایط غیبت بهتر می‌توانیم به این نیاز پاسخ بدهیم. به دلیل اینکه در شرایط آسان کمتر نیاز به این تشیع ما بود. علما در شرایط غیبت بود که تمام جهد و تلاش خود را به کار بردند تا بتوانند در فراق معصوم بیخشی از نیازها را پاسخ دهند. ما امروز اگر گنجینه‌های از علوم و معارف دینی در اختیار داریم به دلیل همین سرمایه‌گذاری عظیم بوده است.

یادداشت

دکتر علی شیروی



سلوک سبزمعرفت

زمانی که پیگر مرحوم آیت‌الله میرزا جواد تبریزی را به خاک می‌سپردند، چنان تأثیری داشته که گویند در مراسم خاکسپاری بعضی از دانشه‌ها هم شرکت کرده بودم. تعجب بسیاری از دانش‌آموختگان مکتب آن عالم را دنگرم می‌ساخت که پایگاه و روحانیت در میان مردم همچنان پای برجاست و به وق همه مشکلات، آن مردم نسبت به خدمتگزاران مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) و فادارمانده‌اند. پرتونده یک عمر خدمت صادقانه به هر حال در عصر روزی از پایز بسته شد تا فقهی حاصل یک عمر تلاش و کوشش مخلصانه خویش را از پروردگار عالم دریافت کند و این مصداق امن عاش سعیداً و مات سعیداً بود که ایشان با آرامش و امید به رحمت الهی به جوار لا‌ابوابی مشرف شدند.

شاید باز گفتن ویژگی‌های خارق‌العاده ایشان نظیر اینکه میرزا جواد تبریزی در

بحث‌های فقهی و اصولی‌شان بدون طرح مطالب و مباحث حاشیه‌ای به تبیین نقطه‌اساسی و محوری بحث می‌پرداختند و با ارائه ادله خود بر دیدگاه مورد بحث با ظرافت هر چه تمام‌تر در مقابل همه اشکالات وارد آمده به دفاع برمی‌تاختند. چیزی به پانته‌های پیشین ما نیفزاید. اما آنچه نیاز به بازخوانی، حداقل برای این شاگرد آن بزرگ دارد روحیه شاگردپروری و اهتمام به درس و بحث است آن هم با حفظ‌ای خارق‌العاده و عشقی فراگیر به تدریس. شاید، با همین بازخوانی‌ها، ساده‌زیستی و زهد نسبت به

امور دنیوی را از او بیاموزیم.

تا جایی که برای بنده نقل کردند، ایشان در یک خانواده متحول زندگی می‌کردند، خانواده‌ای که با طلیه شدن ایشان مخالف بودند و به دلیل عشق میرزا جواد تبریزی به او محبت از جمیع خانواده طردش کردند. عسرت ایشان را می‌ستایم و پایمردی‌شان را به هنگام سختی و فقر و تنگدستی.

شاید هجرت این فقیه حامل پیامی بوده باشد برای من و ما تا فقه را جدی‌تر دنبال کنیم! در یادداشتی که پیش از فوت و رجعت به پیشگاه پروردگار عالم به عنوان وصیت به طلاب نگاهشته‌اند اهتمام جدی به شمعان دینی و به خصوص شمعان حسینی گوشه‌زده شده است. تسلیت باری از دوش غمگین شاگردان آن عالم فرانزه برتخواهد داشت پس سکوت می‌کنیم و به احترام آن عالم قیام می‌کنیم و آرزوی ادامه راهش را داریم.

یادداشت

سیدصادق حسینی اشکوری



گنجینه‌های خطی نجف آباد اصفهان

هر روز که می‌گذرد، پدای بخشی از میراث به جا مانده از بزرگان عرصه دانش و فرهنگ، روح جدیدی در کالبد فرهنگ این مرز و بوم می‌دمد و افسوس‌ناگیزی به خاطر از دست رفته‌ها پدید می‌آورد. کادر علمی و فنی مجمع ذخائر اسلامی در آخرین سفر مخطوطاتی، به نجف‌آباد رفت و رجحانات یکی دیگر از گرانسنگان حوزه فرهنگ را عکسبرداری کرد.

یکصد و پنجاه نسخه خطی در کتابخانه مرحوم آیت‌الله حاج شیخ احمد حجی، دستاورد این سفر است که به صورت دیجیتالیزه و آماده و کار فهرست‌نگاری آن آغاز شده است. این سفر بنا به دعوت موسس این کتابخانه، دانشمند پرتلاش حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ رضا حجی نجف‌آبادی، فرزند آیت‌الله احمد حجی صورت پذیرفت. اهتمام ایشان به تأسیس این کتابخانه و قیلا دانشگاه نجف‌آباد، موجب جمع آوری گنجینه‌ای بالغ بر ۳۰ هزار مجلد چاپی و دو هزار نسخه سنگی نفیس و ۱۵۰ نسخه خطی شده که بعضاً منحصر و جمعاً ارزشمند هستند.

این کتابخانه که در مجتمع فرهنگی با زیربنای چهار هزار مترمربع بنا شده، با همت والای ایشان و مساعادت خیرین راه بهره‌برداری کامل را مشتعل بر مرکز چاپ، حسینی، قرض‌الحسنه و مرکز تحقیقات می‌گذراند ولی اکنون کتابخانه آن فعال بوده و پذیرای جمع زیادی از مطالعه‌کنندگان است. کادر فنی و علمی مجمع، در دو مرحله به جداسازی مخطوطات از دیگر کتاب‌ها پرداخته و سپس عکسبرداری دیجیتالی از مخطوطات را آغاز کرد و آن را به انجام رساند. در مرحله بعد، کار عکسبرداری و فهرست‌نویسی از نسخه‌های نفیس چاپی و سنگی نیز به زودی آغاز خواهد شد. در حال حاضر نیز کار فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی توسط یکی از کارشناسان آغاز شده و امید می‌رود که مراحل تدوین و چاپ آن نیز در سال جاری انجام گیرد.



تأهلی به «دراماتورژی تئاتر و نمایش رادیویی» نوشته گو فرید مولر

یک منبع معتبر

انتشار کتاب «دراماتورژی تئاتر و نمایش رادیویی» نوشته گو فرید مولر و ترجمه عباس شادروان توسط نشر نظریه‌های تئاتر از وجود یک منبع معتبر درباره دراماتورژی آگاه کرد.

این یادداشتی تئاتر ایران نیز می‌توانی بر خوردار است و مقالات زیادی در این باره منتشر شده است، اما تاکنون یک منبع معتبر برای بیان این اصطلاح آن هم به صورت کتاب در دسترس تئاتری‌های سرزمینمان قرار گرفته بود.

عباس شادروان با این هدف که بتواند یک منبع راهنما برای دانشجویان و علاقه‌مندان معرفی کند در سال ۸۱ درصدا انتشار این کتاب

بودگلی که علاوه بر تئاتری‌ها، به دو نمایشگران رادیو و حتی کارگران تلفظ نیز خواهد خورد. در این کتاب گو فرید، مولر از درام به معنای کردار و از دراماتورژی به معنای هنر پند می‌کند. در ادامه بر این نکته تاکید می‌کند که با این هنر، کردار را باید چنان ساخت که نمود هنرمندانه تماشاگر را که هدف هر سرگرم شدن ندارد و بی وقفه در فضایی تاریک به انتظار هیجان نشسته است، با تکان و تعلیق‌های تازه غافلگیر کند. این پژوهشگر و صاحب نظر آلمانی به قواعد ثابت و یکسان در تون نمایشی اشاره می‌کند: «پوئانی، لاین، اسپاتیوی و فرانسوی اشاره می‌کند. کشف و بازگویی همین قواعد است که وظیفه دراماتورژ را تحلیلی می‌کند. تئاتر این اویه عنوان یک عضو اصلی در کنار کارگردان تئاتر قرار می‌گیرد.

در این کتاب برای آنکه اصول و قواعد موجود در تون نمایشی به نحو مطلوبی مورد مطالعه قرار گیرد، به طور پیوسته و در مشروح از دیدگاه گو فرید، مولر و با نگاه به تمامی نگاه‌های ثبت شده در طول تاریخ، مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد.

در این فهرست می‌توان به موارد مانند همپوندی کردار، همپوندی زمان، همپوندی مکان، کردار نمایشی، تعلیق، موفیت در امپاک، قواعد دراماتورژی، عناصر صمیم، عناصر گفت و گو، عناصر درون‌مایه‌ای و وفی درام یافت و نامش نظر انداخت. در ادامه این کتاب سرفصل‌هایی با عنوان دراماتورژی نمایش رادیویی، نمایش رادیویی و اپیوست، بافت، روند، دراماتورژی تئاتر دیده می‌شود. قند نظر نویسنده و پس از آن مترجم ایرانی کتاب را تبدیل به یکی از منابع ارزشمند قابل نامش کرده است. حتی یک بار مطالعه آن برای تمامی عوامل تئاتری که در پست‌های مختلف فعال هستند، سودمند خواهد بود. از این منظر مطالعه تئاتر برای همه می‌تواند به ارتباط تنگاتنگی با یک گروه کهنک شایان کند.

پانویس کتابی عباس شادروان نیز مزید بر علت می‌شود که خواننده ضمن لذت بردن از متن، شناخت بهتری نسبت به مسائل و اصطلاحات به کار رفته در متن پیدا کند. با آنکه از طریق این توضیحات با تئاتر آلمان و مسائل خاص آن آشنا شود. شاید این ترجمه زمینه‌ساز برای ورود دیگر منابع معتبر و مکمل این کتاب فراهم سازد و دیگران نیز با حوصله بیشتر برای پرداختن به چنین موضوعاتی که هم‌اکنون باعث سردرگمی اهالی تئاتر شده است وارد گرد شوند.



نقد و نظر
رضا آشفته

عباس شادروان (۱۳۳۵) تهران) را به عنوان فعال تئاتری در زمینه بازیگری، کارگردانی، نویسندگی، نقد، پژوهش، ترجمه و تدریس می‌شناسیم. از جمله آثار فنی او می‌توان به نگارش و ترجمه «تاریخ تئاتر به وایت و بل دورانت» (در آستانه چاپ چهارم)، انتشارات علمی و فرهنگی)، «مهر در حضور شمشیر» (بستان)، «ماز خودمان برای خودمان» (مجموعه داستان، شایه‌نگار)، «عکاسی ممنوع» (مجموعه داستان- همراه) و مجموعه‌ای از مقالات و نقدها در مطبوعات اشاره کرد.

ترجمه کتاب «دراماتورژی تئاتر و نمایش رادیویی» اثر گو فرید مولر و انتشار آن در ماه اخیر، انگیزه انجام این گفت‌وگو شد.

سطر به سطر با عباس شادروان، مترجم «دراماتورژی تئاتر و نمایش رادیویی»

بازی اصوات بر صحنه تئاتر



چطور شد پس از گذشت چهار- پنج سال کتاب «دراماتورژی تئاتر و نمایش رادیویی» را به مرحله چاپ و انتشار رسانیدی؟
فرزاد نشر این کتاب در آذر ۱۳۸۱ بسته و ترجمه آن در ۱۳۸۲ تحویل شد. ولی شرایطی پیش آمد که اصل ترجمه بدون هیچ گونه دخل و تصرفی در سال ۱۳۸۳ باز به بازار عرضه شد. دوباره بازنویسی و ویرایش مجدد در همان سال به نشر محترم سپرده شد. از آن تاریخ تا انتشار اثر در سال ۱۳۸۵ پنج و نیم‌های خروجی و نسخه خوانی و مسائل مربوط به اداره و... راپشت سر گذاشت و به این ترتیب کتاب به بازار عرضه شد.

چه نکات بارزی در این کتاب باعث ترجمه آن از زبان آلمانی به فارسی شد؟
تا یک دهه پیش، کسی در ایران از دانش دراماتورژی حرفی به میان نمی‌آورد ولی از چند سال پیش این واژه بر سر زبان‌ها افتاد و برخی نیز به هر تقدیر آن را به کار بستند و اعلان‌های خود قید کردند. اما در واقع مرجع برای شناخت حد و حصر دراماتورژی و بالطبع دراماتورگ در اختیار نبود جز برداشت‌های شخصی و گاه مرآجه به لغت‌نامه‌ها چند مقاله برانگنده و این اراش مجموعه مقالاتی در فصلنامه تئاتر، کتاب حاضر مرجع موثق و دارای اعتبار است که ضمن آموزش گام به گام دراماتورژی، شناخت کامل و جامعی از تعریف این دانش نیز به دست می‌دهد و با تعمق در این کتاب تا اندازه‌ای دانش قواعد و اصول ساختار کردار در روند تئاتر دراماتیک حاصل می‌شود. از آنجا که اثر به زبان آلمانی است و مترجم تا حدودی به این زبان آشنایی دارد، بر خود وظیفه دانست آن را ترجمه کند و در اختیار اصحاب تئاتر قرار دهد. این نیاز است همیشگی که منابع مرجع از زبان اصلی به فارسی برگرداند شود.

چه مشکلات و موانعی در سر راه انتخاب اینگونه کتاب‌های مرجع و ترجمه پروژه؟
دشواری‌ها و راه‌پنداری‌های آشکار بر سر راه ترجمه چنین آثاری، همان مشکلات و موانع همگانی است که پیشتر آثار ارم از ترجمه با تلفیق، در حوزه تئاتر با آن دست به گریبان هستند؛ از این میان آغوش‌های ناگشوده تشران برای چاپ آنهاست یعنی کمتر ناشری از این آثار استقبال می‌کند. ولی دشواری فرآراه کتاب‌هایی اینچنینی که مرجع به شمار می‌آیند به ویژه در چندان است زیرا از بیرون مشکلات همگانی فشار می‌آورد و از درون دشواری‌های اصل اثر، چه، نویسنده اصلی با نکیه بر دانش مفروض مخاطبان خود، دائم برای روشن تر کردن صورت مساله به مجموعه فرهنگ خودی اشاره می‌کند و ارجاع می‌دهد که اگر مترجم با فرهنگ و پیشینه اینگونه ارجاع‌ها آشنایی نداشته باشد، اصل اثر برگردانی گنگ خواهد داشت و در بستری جاری می‌شود که کمک چندانی به آگاهی بخشی سخن پذیر نمی‌کند. در برگردان کتاب دراماتورژی تئاتر و نمایش رادیویی تلاش شده است با افزودن زیرنگاری‌های به موقع، ترجمه با پار فرهنگی‌اش به تئاترپیشگان فارسی زبان تقدیم شود و مترجم سعی کرده است تا این دشواری

را هموار کند. کتاب دراماتورژی تئاتر و نمایش رادیویی برای چه کسانی مناسب است؟

هر کسی که در زمینه تئاتر تلاش می‌کند و یا اهل ادبیات به ویژه از نوع نمایشی آن است، لاجرم بی‌نیاز از شناخت و کسب دانش دراماتورژی نیست. این نکته هم در پیشگفتار لین آپتر و هم در نوشته دکتر مولر بارها به صراحت بازگو شده است. پس سخن‌پزیران اثر در برگزیده تمامی آنان است که چه به گونه‌ای حرفه‌ای سالیان سال در این رشته کوشیده‌اند و چه آنان که دانشجویان و نوگامان این عرصه به شمار می‌روند.

بهترین روش برخورد با این کتاب برای استفاده مناسب‌تر چیست؟

گنجاندن واحد درسی یا عنوان «دانش دراماتورژی» در دانشگاه‌ها و برای کارگاه‌های تخصصی بیرون از محیط دانشگاه‌ها برای تجزیه و تحلیل نکات مطرح شده در اثر و پیش‌کشیدن شاهد مثال‌های گوناگون و ارائه برنامه‌ای عملی برای به منصفه ظهور رساندن این قواعد و برخورداری از امکانات عملی این نظریه، بیشتر مناسبی برای دوره‌ی هر چه بیشتر فراهم می‌کند تا جنبه‌های کاربردی نظریه در کردار عیان نشود، سودمندی آن تنها ذهنی باقی خواهد ماند و عینیت پیدا نمی‌کند.

پیوست کتاب حاضر ثبت عنوان (بافت) روند و ساختار تئاتر از طرف گو فرید مولر است یا خودتان آن را انتخاب و ترجمه کرده‌اید؟

مقاله پیوستی یکی از مقالات منتشر شده به قلم مترجم است که برای پروتوفاکتی بر آن بخش که نویسنده از همکاری گروه درم تهیه‌ای از افراد در حوزه تئاتر یاد می‌کند در آمده است تا خود بازگو کننده این نکته شود که اهالی هر سه حوزه، هنری، فنی و اداری، برای بهینه‌سازی انجام وظایف، هم‌نیاز از درک و شناخت دانش دراماتورژی هستند. هر چند این نیاز نسبی است و نمونه‌وار آفندر که اهل حوزه هنری به آن نیازمند است، می‌تواند برای اهالی اداری مصداق پیدا کند.

چرا از واژه تئاتر به جای تاتر که امروز مصطلح است استفاده کرده‌اید؟

سال‌ها پیش مقاله‌ای نوشتم با عنوان «اول‌نگاری در برگردان کتاب دراماتورژی تئاتر و نمایش رادیویی تلاش شده است با افزودن زیرنگاری‌های به موقع، ترجمه با پار فرهنگی‌اش به تئاترپیشگان فارسی زبان تقدیم شود



کتاب و زندگی

دکتر محسن حبیبی متولد ۱۳۲۶ و دارای مدرک کارشناسی ارشد معماری و شهرسازی از دانشگاه تهران و دکترای شهرسازی از دانشگاه پاریس است. در حال حاضر او علاوه بر تدریس، رئیس گروه شهرسازی دانشگاه تهران است. تاکنون مقالات متعددی را در مجله‌های علمی و پژوهشی درج کرده است و به علت شرکت در همایش‌ها و کنگره‌هایی که در ایران با کشورهای دیگر برگزار شده است مقاله‌هایی ارائه داده و طرح‌های بسیاری را با همکاری تعدادی از پژوهشگران به سامان رسانده است. وی در زمینه ترجمه نیز فعالیت داشته و به نایب کتاب‌هایی چون «شهرسازی واقعیات و نخبلات»، «از شار تا شهر»، «ساختمان‌های آموزشی و معلولین»، «مرمت شهری»، «اطلس کلانشهر تهران»… پرداخته است. «شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر» به‌عنوان آخرین کتاب اوست که دفتر پژوهش‌های فرهنگی در سال ۱۳۸۵ منتشر کرده است.

این اثر با نایبیه در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۳ و حرکت از اولین پژوهاک نوآوری به سمت مدرنیزاسیون نوشته شده است و برای محققانی که از تاریخ ایران آگاه هستند و معماری ایرانی را نیز می‌شناسند منبعی سودمند به شمار می‌رود. در این زمینه با دکتر سید محسن حبیبی گفت‌وگویی انجام داده‌ام که در پی می‌آید.

دکتر سیدمحسن حبیبی از نقد معماری جدید سخن می‌گوید

کتاب‌هایی که از در و دیوار ایراد می‌گیرند

شما در کتابیات به مسأله سنت‌گرایی اشاره کرده‌اید. هویت سنتی و چگونگی گذار آن به وضعیت مدرن چه آثار و نوده‌هایی در جامعه ما داشته است؟

باید بگوییم که سنت‌گرایی یک امر جاری است و در بیشتر جامعه جای دارد و با رفتارها و هنجارهای جامعه ارتباط پیدا می‌کند و اگر جاری نباشد تبدیل به سنت منسوخ شده می‌شود. بخشی که در مورد سنت‌گرایی مطرح است از نظر من به این معنی نیست که ما سنت را مترادف با گذشته می‌دانیم، بلکه سنت در حال تیزجاری است و فقط زیجعت به گذشته نیست. هویت سنتی به معنی رفتارها، کردارها و سنت‌هایی است که در حال تحرك است و هنگامی که در جامعه گذار صورت می‌گیرد در واقع خودش را به وضعیت مدرن متصل می‌کند و این گذار از هویت سنتی به وضعیت مدرن بسیار آرام و با تداوم و همچنین با گسست‌هایی صورت می‌گیرد، گسست به این خاطر است که برخی از هنجارها کنار گذاشته می‌شود و نوده‌هایی تازه پیدا می‌کند و این سنت زنده و پویا خودبه‌خود منحل می‌شود و به سنت مدرن تبدیل می‌شود. آن چیزی که در واقع در جامعه ما رخ داده است امری یکسویه است و رفتارها و هنجارهای جدید از بالا به پایین تحمیل شده است.

جامعه در برخی از مقاطع زمانی این فرصت گذار را پیدا نکرده است و به عبارتی مدرنیزاسیون از بالا اعمال شده و فرصت تطبیق خود را با مدرنیسم نداشته است. سنت جاری نتوانسته خود را با مدرنیزاسیون یکسویه تطبیق دهد و در این صورت انقطاع صورت می‌گیرد و نوده‌ها و آثار به این ترتیب در جامعه پدید می‌آید و در واقع حرکاتی که از انسان‌ها سر می‌زند به ظاهر اشکال نو و مدرن دارد و در پس این اشکال مدرن ما به هنجارهای سنتی روی می‌آوریم که جامعه و هنجارها دارای یک رفتار پارادوکسال و جمع‌شدن می‌شود و در امری که قابل جمع شدن نیست ما را دچار گرفتاری می‌کند. به همین دلیل است وقتی از وضعیت مدرن و قیل از مدرن صحبت می‌کنیم نمی‌توانند با هم تطبیق پیدا کنند و به سنت تبدیل می‌شوند و جامعه نهاجمی و پارادوکسال را می‌سازند.

در بخشی از کتاب به اولین پژوهاک نوآوری (مدرنیسم) و دومین پژوهاک نوآوری (مدرنیته) پرداخته‌اید، تفاوت این دو پژوهاک با نوپردازی (مدرنیزاسیون) که به بخش دیگر از کتاب شما تعلق دارد، چیست؟

این را باید بگوییم که ممکن است کسانی

با این نوع نام‌گذاری‌ها که در سوال مطرح شده است موافق نباشند. من در مقابل واژه‌های فرنگی، واژه‌ای فارسی آورده‌ام که این واژه‌ها در ادبیات جهانی می‌توانند خود را تطبیق دهند و برای کسانی که با این واژه‌گزینی موافق نیستند می‌توانند واژه‌گزینی خود را داشته باشند. وقتی من از پژوهاک نوآوری و مدرنیته صحبت می‌کنم این پژوهاک در دوران قاجار صورت گرفته است و صحبت بر این است که جامعه در این دوران از درون در حال دگرگونی است و از درون از وضعیت ماقبل مدرن عبور می‌کند و همچنین از بیرون هم این نوآوری مانند باد و نسیم به سوی ایران وزیدن گرفته است و دارد درونی می‌شود و به نوعی با گسست صورت می‌گیرد و نه با انقطاع. جامعه کم‌کم خود را نو می‌کند و این دگرگونی در زمان قاجار و در دوره ناصری و به‌وسیله قائم‌مقام به‌طور یکسویه صورت می‌گیرد ولی در دل جامعه هم این عواست وجود دارد، این خواست نوآوری و مدرنیته به انقلاب مشروطه می‌رسد و می‌دانیم که این پژوهاک امری است که در یک جای دنیا وجود داشته و ظنین آن را در این سوی دنیا پیدا می‌کنیم. پژوهاک نوآوری و مدرنیسم به دوره اول پهلوی برمی‌گردد و در جهان نیز همزمان با این دوره اتفاق افتاده

است که مدرنیسم در بستر جامعه نقل بسته و دگرگونی‌هایی را ایجاد کرده است. در ایران هم هویت سنتی که در گذشته بوده کنار گذاشته می‌شود و این انقطاع با گسست صورت نمی‌گیرد بلکه یکسویه است و رفتارها و هنجارها از بالا تحمیل می‌شود و این دگرگونی‌ها در واقع سنت جاری را قطع می‌کند و سعی می‌کند سنت دیگری را جایگزین کند که زیاد با خلق و خوی جامعه انطباق ندارد و خودش هم در طلب نوپردازی

قصد من از این کتاب در واقع ایجاد یک جریان نقد معماری و شهرسازی است و هیچ قصد دیگری نداشته‌ام. جای نقد در عرصه معماری و شهرسازی خالی است

خود است و فاصله این نوپردازی از هم زیاد است و طول می‌کشد تا خود را با جامعه تطبیق دهد و این نوپردازی که به‌وسیله ایرانی‌ها تعبیر شده در واقع لهجه ایرانی دارد و گویشی ایرانی پیدا کرده و ایرانیزه شده است. مدرنیزاسیون طینی است که به‌صورت دیگری خود را ظاهر می‌کند و در ایران نیز به لهجه ایرانی ایرانیزه می‌شود.



معیار گزینش شما از افرادی که در دسته‌بندی‌های فرهنگ‌گرایان که شامل سنت‌گرایان و تاریخ‌گرایان است و نوگرایان که شامل بوم‌گرایان، ساختارگرایان، نوپردازان و حالت‌گرایان و فرانو آوران واقع‌گرا و نوسنت‌گرایان است جای گرفته‌اند چه بوده است؟

درواقع این اصل را بر این میناگذافتم که راجع به جریان‌های فکری معماری و شهرسازی دهه‌های اخیر به‌سراغ کسانی برویم که قلم زده‌اند و کسانی که معماری را ساخته‌اند و یا در براینک شهری وارد شده‌اند و به‌صورت پروژه و طرح به جامعه ساماندهی بخشیده‌اند. نزدیک به ۶۰ نفر قلم زده بودند و بعد کارها را خواندیم و طرح‌ها را بررسی کردیم و به دنبال چند نکته مشخص بودیم که دیدگاهی لایه‌لای نوشته‌ها وجود داشته باشد. اصولی مطرح شده و روش‌هایی پیشنهاد شده باشد. یک نوع سرند انجام شد و به تعدادی حدوداً ۵۰ نفر رسید و دوباره بازخوانی کردیم و در سرند بعضی به ۳۶ نفر رسیدیم. بی‌تردید ممکن است کسانی از قلم افتاده باشند و دیده نشده باشند ولی سعی کردم تا آنجا که ممکن بود نوشته‌ها را در دهه‌های اخیر راجع به معماری و شهرسازی

ایران اعم از مقاله، کتاب و سخنرانی نگاه کنیم. به همین دلیل در کتاب از هر فرد دو یا سه مقاله که مورد نظر ما بود وجود داشته است و انتخاب به همین صورت انجام شد.

شما از چه الگویی تاثیر گرفته‌اید؟

درواقع من نمی‌توانم خودم را از زبانی بگویم

کاری که در کتاب کردم تحلیل اندیشه‌هایی بود که در معماری وجود داشت، بنابراین یک تحلیل از برون بود که اندیشمندان و صاحب نظران را از برون نگاه کردم و بعد توانستم آن را مطرح کنم. من خودم را از درون نگاه می‌کنم و اگر کسی بخواهد راجع به من بگوید باید از برون نگاه کند و به نوشته‌های من و آن چیزی که قلم زده‌ام بپردازد و بگوید من در کدام دسته قرار می‌گیرم و شاید دسته‌بندی جدیدی که خودش ارائه داده را برای اندیشه‌هایی من برگزیند. ممکن است بعضی از افراد که نام برده‌ام بپذیرند در این دسته‌ها باشند و این اتفاق به من و گروه پژوهشی من بوده است. کلاً ما قسمت دوم کتاب را به‌صورت جنگ درآوریم و انتخاب کلمه جنگ به این دلیل است که متعلق به ما نیست و ممکن است کسی تحلیل‌ها را بخواند و فقط بخواهد یادداشت‌های جنگ را بخواند و خودش در این رابطه نظر دهد.

به‌طور کلی جایگاه معماری و شهرسازی ایران را در مقایسه با کشورهای که پیشرفته

نامیده می‌شوند چگونه می‌بینید؟

ما همیشه در جریان‌های جهانی قرار داشته‌ایم و کم‌کم در ۸۰۰۷۰ سال اخیر جریان‌های جهانی یاد و سندهای فرهنگی بیشتر شده و به داد و سندهای اقتصادی و بازرگانی رسیده است و در واقع پیشرفت‌هایی نیز از لحاظ معماری و شهرسازی صورت می‌گیرد. درست است که با آنچه در جهان می‌گذرد تفاوت‌های بسیاری دارد و در مقایسه با کشورهای شمال (کشورهای سنتی) دچار پارادوکس و جمع‌شدن می‌شویم زیرا در واقع آن چیزی را که تولید می‌کنیم در مقابل آن چیز دیگری را طلب می‌کنیم.

سوال آخر اینکه نظراتان راجع به نثر کتاب‌های معماری و شهرسازی چیست؟

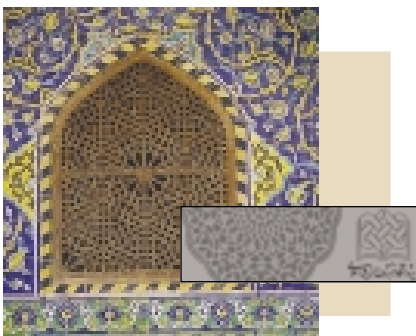
قصده من از این کتاب در واقع ایجاد دید جریان نقد معماری و شهرسازی است. اگر صاحب نظران بتوانند در زمینه معماری و شهرسازی هوشمندانه به طرف نقد پیش بروند نمرات بسیار شیرینی برای این حرفه خواهد داشت.

ادبیات



نگاهی به فعالیت های پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

به شهر تفکر خوش آمدید



اجتماعی در قبال هاجم فکری - فرهنگی بیگانگان، بازشناسی ماهیت و مولفه های فکر و فرهنگ غربی و نقد و ارزیابی علمی دستاوردهای تمدن جدید و بررسی راه های توسعه اندیشه اسلامی، نقد آثار منتشره و آراء مطرح شده در حوزه های مطالعاتی پژوهشگاه.

سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

سازمان انتشارات در جهت اهداف کلان پژوهشگاه به فعالیت های انتشاراتی می پردازد. سازمان متولی انحصاری آماده سازی، چاپ و توزیع آثار پژوهشگاه و موسسات وابسته کانون اندیشه جوان و موسسه فرهنگی دانش و اندیشه اسلامی است. تاکنون بیش از ۵۱۵ عنوان کتاب چاپ اول و مجله تخصصی حاصل تحقیقات پژوهشگاه و موسسات وابسته از سوی سازمان به زیور طبع آراسته شده است.

علاوه بر خصوصیات منحصر به فرد تحقیقات و آثار پژوهشگاه از جهت رویکرد تحقیق، نوع تحقیق، محتوا و مفهومی، سامانه پژوهشی و نگارشی و ادبیات و نثر سازمان انتشارات نیز از جنبه فنی و صوری در کلیه کتاب ها شرایط استاندارد را رعایت کنند.

نیم نگاهی به فعالیت های انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

هم اکنون این پژوهشگاه در تدارک انتشار کتاب هایی است که به هر تقدیر سهم مهمی در شناخت و سوبه بخشیدن و ترویج سازی تفکر اسلامی دارد. چاپ سه عنوان کتاب به مناسبت روز جهانی فلسفه و کنگره گرامی داشت استاد جاهدانه (ترجمه و تلخیص چاپ کتاب گرامسکیر سیرت آشتیانی (ره) تجدید چاپ کتاب امام علی (ع) برای چاپ مجموعه دانشنامه امام علی (ع) برای سومین بار، چاپ بیش از ۶۰ عنوان کتاب در سال ۸۵ تجدید چاپ مجموعه کارهای دانشنامه امام علی (ع) برای ۸۵ برای اولین بار، تجدید چاپ بیش از ۲۰ عنوان از کتاب های سال های ۸۴ و ۸۵... از دیگر فعالیت های این موسسه طی سال جاری است.

این میان به دنبال تهیه خوراک کفتری برای دانشوران و نخبگان فکری علمی و اجتماعی و جوانان و دانشجویان است.

پژوهشگاه حکمت و دین پژوهی

این پژوهشگاه دارای پنج گروه علمی با عنوان های معرفت شناسی، قرآن پژوهی، فلسفه، کلام و دین پژوهی، اخلاق و عرفان است. بازپژوهی و بازبینی حکمت و کلام و معارف اسلامی، تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی با توجه به نیازها و نظریه های جدید ایجاد پیشتر مناسب برای تعمیق و پویایی و پالندگی اندیشه دینی به تناسب نیازهای زمانه پاسخ به شبهات القایی در قلمرو عقاید و کلام اسلامی، نقد مکاتب و دیدگاه های معارض در حوزه زیرساخت های اندیشه دینی از جمله اهداف و برنامه های پژوهشگاه حکمت و دین پژوهی اند.

پژوهشگاه نظام های اسلامی

این پژوهشگاه دارای سه گروه علمی با عنوان های فقه و حقوق، سیاست و اقتصاد است. اهداف و برنامه های کلی پژوهشگاه عبارتند از: بازپژوهی و پیراست و تنسیق فقه غنی و قوی اسلامی و دانش های وابسته (فلسفه فقه، فقه فقه، اصول فقه، فقه سیاست و فقه اقتصاد) با لحاظ دستاوردهای روش های علمی نوین و نیازهای کنونی امت، کشف و طراحی نظام های حقوقی، سیاسی و اقتصادی اسلام، تحقیق و تبیین عالمانه مبانی و مباحث اساسی نظامات اجتماعی اسلام و ارائه الگوهای کاربردی در قلمرو آن، آسیب شناسی نظری و کارکردی نظام جمهوری اسلامی و ممدساتی به متولیان امور و دسترسزای برای تحقق کامل تر نظام های اسلامی، تحقیق در باب مسائل مستحدثه به انگیزه گره گشایی در زمینه نیازهای نوپیدای فقهی، پاسخگویی به شبهات مطرح در باب فقه و نظام های حقوقی، سیاسی و اقتصادی اسلام، شناخت و نقد علمی مکاتب و نظام های معارض و... از جمله اهدافی هستند که این پژوهشگاه در پی رسیدن به آنهاست.

پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات اجتماعی

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی از جمله موسسات علمی و پژوهشی است که در کنار دیگر دانشگاه ها و پژوهشگاه ها به شکلی جدی فعالیت می کند و در مجموع برخورد گرایش و نگاه فلسفی در مواجهه با مسائل مبتلابه جامعه دینی و فرهنگی ایران است. علاوه بر این توسعه و تفسیر فلسفه های مضاف با گرایش اسلامی و مبتنی بر حکمت اسلامی و علوم عقلی اسلامی و شیعی تأکید خاصی دارد اما اهتمام ویژه به نوآوری، نظریه پردازی و وارد شدن به عرصه های جدید و پرداختن به مسائل نو و نیازهای تازه امتیازی است که کمتر موسسه علمی در ایران در حد پژوهشگاه از آن برخوردار است و به همین جهت کمیسیون ملی یونسکو توجه ویژه ای به این پژوهشگاه دارد. در سال گذشته، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بری اولین بار بحث فلسفه های مضاف را موضوع یک هم اندیشی قرار داد. این نشست در قم برگزار و در کنار آن، نشست با موضوع مسأله پاسنگی های کنونی فلسفه در تهران با حضور استادان صاحب نام فلسفه دانشگاه برگزار شد. آنچه در پی می آید گزارش کوتاه از رویکردها و اهداف گروه های مختلف علمی و پژوهشی این پژوهشگاه در طی سال های گذشته است.

اهداف و رویکردها

نقادی و بازبینی بخاطر فکری و علمی اسلامی در حوزه حکمت و معرفت دینی و الهیات، تنسیق و ساماندهی مناسب معارف فکری و دینی با لحاظ نظرها و نیازها و نیازها به نوآوری و گره گشایی و نقد فلسفه دینی و نظامات اجتماعی اسلام، مطالعه تطبیقی و نقد عالمانه مکاتب و معارف فکری معارض، دفاع علمی از حکمت و اندیشه و فرهنگ دینی از جمله اهدافی است که پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به شکلی جدی دنبال می کند و در

حجت الاسلام علی اکبر صادقی رشاد:

فلسفه اسلامی از حالت انتزاعی خارج شود

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بر تأسیس و احیای توسعه و تفسیر فلسفه های مضاف با گرایش اسلام و مبتنی بر حکمت اسلامی و علوم عقلی اسلامی و شیعی تأکید خاصی دارد، این اولین سخن رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در پیشتاز روز جهانی فلسفه در معرفی موسسه متونوستی بود. او در این مجال به کلیت های فلسفه های اسلامی برای ورود به حوزه فلسفه های مضاف اشاره کرد و معتقد بود برای اینکه فلسفه به حوزه های اندیشگی و رفتار جمعی برقرری انسان وارد شود، با چالش از توسعه فلسفه و علوم عقلی در قالب فلسفه های مضاف هستیم، در حوزه فقه باید فلسفه فقه سامان یابد و طاق فلسفه بخواند و قلمرو حقوق با سیاست و ارزش دین باید فلسفه حقوق با سیاست تعیین شود. فلسفه و حکمت اسلامی در مجموع استطاعت





تطورات گفتمان‌های هویتی ایران عنوان اصلی کتابی است که چندی پیش به پژوهش و نگارش دکتر حسین کجوش‌هایمی می‌پردازد که ایرانیان طی یکصدوپنجاه سال اخیر برای بازیابی و یا تعریف هویت خویش در کنش‌های چالش‌مندی خود با غرب با نخبه‌میدول داشته‌اند. در این پژوهش انواع گفتمان‌های هویتی ایران طی سه دوره تاریخی از پیش از نهضت مشروطه تا دوران پس از انقلاب اسلامی واکاوی و توصیف شده است. آنچه در پی می‌آید خلاصه گفت‌وگویی است با دکتر حسین کجوش‌هایمی درباره این کتاب صورت گرفته تا از این باب یک بازخوانی درباره سوبه‌های نگری تألیف‌گر بر این کتاب انجام شود.

با دکتر حسین کجوش‌هایمی درباره کتاب «تطورات گفتمان‌های هویتی ایران»

بازگشت هویت گمشده

در کتاب اخیرتان چند دوره گفتمانی در تحول و تطور گفتمان‌های هویتی ایران رصد کرده‌اید و به نقد و و آشکارسازی آنها پرداخته‌اید. اما آنچه در این میان برای مخاطب واضح نیست اینکه آیا این بحث به لحاظ انضمامی کاربرد و کارایی خواهد داشت؟ به خصوص در ایرانی که امروز به لحاظ هویتی در جست‌وجوی خویشین هویتش است و بازیابی هویت ایرانی - اسلامی که به دلیل ورود مظالم دنیای نخبه‌دلفظ تکیه‌ورزی) به شدت مورد هجوم قرار گرفته است. ببینید این کتاب در اصل به بازخوانی چالش‌های یکصدوپنجاه سال اخیر ایرانیان در مورد مشکل هویتی‌شان می‌پردازد و به این نتیجه رسیده است که ما طی این صدوپنجاه سال یک مسیر تکاملی و روبه رشد برای رسیدن به گفتمان‌های موفق هویتی رسیده‌ایم. به این معنا که گفتمان اول به گفتمان دوم ختم شده و از دل ناکارآمدی‌های گفتمان، دوم گفتمان‌های دیگری شکل گرفته است و به این ترتیب از زمان درگیری با این مسأله تلاش‌ها و آزمون‌هایی را پشت سر گذاشته و در نهایت به گفتمان انقلاب اسلامی رسیده است. با این پیش‌فرض کل این گفتمان را مورد بحث قرار داده‌ام.

یعنی شما انقلاب اسلامی را مثبت و نه‌ایات تطورات گفتمان‌های هویتی خود ایران می‌شناسید و معرفی می‌کنید یا این موضوع به موفقه‌هایی را در ایجاد این گفتمان دخیل می‌دانید؟

به باور من (چنانکه در کتاب حاضر نیز اشاره کرده‌ام) با انقلاب اسلامی یک چارچوب و گفتمان موفق برای بازیابی هویت جمعی به وجود آمده است. در کتاب نیز گفته و نوشته‌ام که اصولاً اینکه شما ادعا کنید جامعه‌ای هویت تکاملی دارد یک بحث است و اثبات سوبه‌های عینی و ملموس آن بحثی دیگر. به اعتقاد من مهم‌ترین دلیل برای اثبات موفقه‌های هویتی یک جامعه و یافتن به پاسخ این پرسش است که آیا این مبنای هویتی توانسته در یک موقعیت جغرافیایی و تاریخی حرکت جمعی ایجاد کند؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ این پرسش نیز ناگزیر است که این حرکت جمعی تا چه حدی گسترده بوده و چه هزینه‌هایی را تحمیل کرده است؟

گسترده‌ی هزینه‌های مرتب‌ب بر یک حرکت جمعی چگونگی می‌تواند گفتمان‌های هویت در جامعه را تحت تأثیر بگذارد؟

ببینید هر قدر اساسی گسترده‌ی جمعی این حرکت بیشتر باشد و هزینه زیادی برای آن حرکت پرداخت شود (تک‌تارک عمیق، عظمت و قدرت‌اشتراک در این هویت است) چرا که افراد از سوبه‌ی حاضر بوده‌اند برای دستیابی به آن حرکت سازمان‌گر به هویت، هزینه صرف کنند. برای او حرکت تر شدن این موضوع و استقلال خودم مثالی برایتان می‌آوردم. ما در طی این یکصدوپنجاه سال، تقریباً دو همه سوبه‌های جامعه‌شناختی و زندگی فردی و جمعی مان ظهور و بروز اسلام را می‌بینیم. اما اساساً کدام جریان هویتی دیگر که به هر حال از من جامعه‌شناسی برخاسته توانسته چنین تحولی در تاریخ ایران به وجود بیاورد؟ توانسته چنین تحولی در تاریخ ایران به وجود بیاورد؟ موضوع اصلی بحث من جامعه است و معتقدم که به طور طبیعی حرکت جامعه به لحاظ تاریخی متوقف نمی‌شود اما نکته این است که احاطه انقلاب اسلامی به باور اغلب جامعه‌شناسان و حتی برخی از سیاست‌مداران یک مبنای تاریخی است. یعنی هر کاری باید روی این بنا قرار گیرد. از این حیث است که معتقدم نباید این مبنای هویتی را از دست داد و فراموش کرد.

یعنی امکان از گفت‌و رفتن این مبنا وجود دارد؟ یعنی چنین ادعایی نمی‌کنم و معتقدم که این بحث دیگری است اما آنچه سعی می‌کنم با شما بر آن تأکید رورم

این بوده که از این پس هر تحولی روی این مبنا انجام می‌گیرد. وقتی جامعه‌ای خودش را در یک جغرافیایی خاص اینگونه مطرح می‌کند نمی‌تواند در زمان دیگری بدون هیچ دلیلی این بنا را از گفت بدهد. درایندادی گفتمان‌ها و رویکردها در مورد بازخوانی یکصدوپنجاه سال اخیر در مورد مشکل هویتی ایرانیان و مسیر آن اشاره کرده‌اید. می‌خواستم در این فرصت بحث تعامل تاریخ و جامعه‌شناسی را مورد بحث قرار دهم یا این سوال که ما در اینجا با چه پژوهشگری مواجه هستیم و در کتاب نیز این سوال چنانکه باید و شاید مورد پاسخ قرار نگرفته است که



اساساً مخاطب با یک تاریخ پژوه مواجه است یا یک جامعه‌شناسی؟

این بحثی که شما مطرح کردید از ابتدای تأسیس رشته جامعه‌شناسی مورد بحث بوده است. اساساً من بر این باورم که این دوره‌به هنگام هم‌سخنی قابل تفکیک نیستند. شما دورگه‌ایم را جامعه‌شناس می‌دانید یا تاریخ‌پژوه وقتی به اشکال اولیه دیانت می‌پردازد؟

اما رویکرد من در این کتاب بررسی جامعه‌شناختی یک پدیده طی دوره‌های تاریخی مختلف بوده با این توضیح که بحث من و جامعه‌شناختی منظر من دو بعد انسانی و پویایی دارد.

موضوع بعدی که دو این کتاب برای من پیش آمده این است که شما گاه با یک رویکرد سلبی گفتمان‌های هویتی را مورد نقد قرار داده‌اید برای نمونه گفتمان اول را به شدت به چالش کشیده‌اید.

چنین برداشتی را قبول ندارم هر چند که به باور من گفتمان اول از جمله ناکارآمدترین گفتمان‌های هویتی در ایران بوده اما در کتاب نیز به برخی محاسن گفتمان اول پرداخته‌ام و به ایجاد مسأله و سوال برای

مهم ترین دلیل برای اثبات موفقه‌های هویتی یک جامعه رد یافتن به پاسخ این پرسش است که آیا این مبنای هویتی توانسته در یک موقعیت جغرافیایی و تاریخی حرکت جمعی ایجاد کند؟

جامعه تأکید کرده‌ام! به باور من این کار بزرگی بوده چرا که اساساً باعث ایجاد درد فاش‌کنه دیگری و هویتی ایرانیان آن روزگار بوده که به شدت در زحمت به سر می‌برد. من به نظر نیاید که من به آن چنان اعتقادی ندارم. **یعنی داوری‌هایتان را در کتاب دخیل داشته‌اید؟**

طبعاً نه من نخواستم ام که از همه جهات داوری کنم. بلکه آن خط فرعی یا مفروضات خودم را در این مباحث ممکن زدام و بحث را پیش بردام. طبعاً هر کاری در این حوزه داوری‌هایی را نیز می‌طلبم و این یک بحث



معرفت‌شناختی است. همه ما می‌دانیم که تن سپردن به قوس و کم‌کردن هویت بد است. بنابراین شمانی‌توانید این کارها را دادریک بکنم نظر بدایند.

در نتیجه‌گیری‌های این کتاب عنوان شده که هر گفتمانی جغرافیایی خاص خودش را می‌طلبد. بر این اساس آیا می‌توان از ورود گفتمان‌های جدید مناصت به عمل آورد؟

ببینید این کتاب در تلاش است تا سه استقلال کلی را به اثبات برساند و برای هرکدام نیز دلایلی متقن و تا حدودی مستقل ارائه شده است.

این چیزی که شما می‌گویید در مورد گفتمان‌های افغانی عنوان شده و من تأکید کرده‌ام که این گفتمان مان ایران نیست چرا که اساساً با هنوز به هویت جمعی عزم نیایزدم هستیم. از سوی دیگر تطورات گفتمان‌های عزم ایران بدون مینابصورت گرفته و در دوره‌ای یک گمان و بی‌شرفی محسوس نسبت به گذشته به وجود آمده و سرانجام با طرح این پرسش که اساس عنصر اصلی ما چیست؟ سعی کرده‌ام تا به بحث چینی دست بدهم. **نصوری می‌کنید دو نظریه‌ای که در کتاب آمده بدل به یک گفتمان شود؟**

شما می‌توان چکیم نظمی داد اما روزها در نظریه‌ای به

گفتمان بدل نمی‌شود. شما در پیش از صحبت‌هایتان به بحث چالش در هویت ایرانیان طی یکصدو پنجاه سال گذشته اشاره کرده‌اید. سوالی که به عنوان پایان‌بندی این گفت‌وگو مطرح می‌شود این است که اساساً این خاص ایران بوده یا دیگر کشورهای اسلامی نیز یا این موضوع درگیر بوده‌اند؟ این چالش تنها خاص ایران و دیگر کشورهای اسلامی نیست بلکه تقریباً تمام کشورهای که به نوعی با ورود نخبه مواجه شده‌اند با آن مواجه‌اند. بنابراین می‌توان چنین گفت که اساساً بحث هویت در کشورهای نظر ایران به دست ما ورود نچند و بطرف دنیای مدرن هسته است. به این معنا که تجدید موجد چالش‌ها و گفتمان‌های هویتی بوده است.



یادداشت

سید مسعود حسینی

پارسیایی تفکر

تقریباً همه موسسات دولتی و غیر دولتی، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمی و حتی علاقه‌مندان فلسفه خود را برای استقبال از روز جهانی فلسفه آماده کردند. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به هنگام بزرگداشت دومین سالگرد علامه آشتیانی و روز جهانی فلسفه، کتاب‌هایی در پاسداشت این روز مهم منتشر کرد. از سوی دیگر موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه الهامان انجمن حکمت و فلسفه ایران) هماهنگی ترتیب داد تا سهم خود را به عنوان نهادی برای ساماندهی فلسفه‌پوزی این جغرافیا در این روز آغاز کند و بنیاد حکمت اسلامی سعادت‌النسبی را با حضور چند تن از استادان فلسفه از جمله دکتر رضا داوری اردکانی و دکتر دینامی و دکتر کریم جهندی و بسیاری از بزرگان فلسفی ما برگزار کرد. آنچه در این مجال نیاز به بازخوانی یا به عبارتی طرح و فتح باب دارد پرسیدن درباره چرایی این روز در این جغرافیاست.

اساساً چرا باید روزی به فلسفه روزی اختصاص داده شود؟ این سوالی است که همیشه (حداقل طی این سال‌ها) پشت سرهم از این استاد و آن معلم می‌کنند و پاسخ‌هایی گاه مجمل و گاه مفصل در پی آن پرسشی‌آید.

آیا توانسته‌ایم در این پرسش و پاسخ‌های مرتب بر آن چیزی به دانسته‌های پیشینان اضافه کنیم؟

این روزها از زمان بسیاری از تئوریسین‌ها و متفکران وطنی این جمله که ما در عصره‌های جهانی حرف‌های زیادی برای گفتن داریم شنیده می‌شود و سکوت درباره این اظهار نظرها کارشناسی نشده بر این رویکردها صحه می‌گذارند. فیلسوفان و متفکران مغرب زمین به مانند دین‌گاران مارتن هر کدام چیزی درست دارند و بخشی از مسیر فلسفه‌پوزی را درست می‌گذارند و سپس یاد افتات به دوره بعدی می‌سازند. اما نکته قرن‌ها از پایان راه آخرین تولید فلسفه اسلامی مان می‌گذرد چه حرفی می‌تولیم بگوییم. به قدر توانسته‌ایم حرف و ادعای جدید و بگر در فلسفه‌های مختلف یا کلیات فلسفه ارائه کنیم تا حداقل از مرگ فلسفه در این جغرافیای سختی به میان نیایند.

روز جهانی فلسفه در راه است اما آیا فلسفه سعادت‌النسبی را با سعادت‌ا جهانی شده است؟ اساساً آنچه اسم از جامعه‌شناسی، تاریخ پژوهی، علوم سیاسی، روانشناسی و… حرف‌نازای برای ارائه به جهان تئوریزه کنیم.

پرسش مسجنان در کجوت است. چرا باید دانشگاه‌ها و دانشگاهیان خود را برای گرمیادداشت چنین روزی آماده کنند؟ در جغرافیایی که نه تئوریسین فلسفه در آن چنان که باید و شاید مبتنی بر فلسفه‌های جهانی است و نه تن نقد می‌دهد، دانشگاه‌های جهانی است تا چه حدی شناخته‌ایم و چنا کتاب مهم را می‌توان به عنوان آثاری که می‌خواندیم دیگر و حرف جدیدی به ما نگویند در ایران منتشر می‌شود؟ البته شاید این روز باعث شود که برخی از متفکران ما از خواب غفلت چهارصدساله بزمیزند و کاری کنند کاری تا حداقل نسل‌های بعدی به دیده احترام بنگرند ما را و نه به دیده روزگاران این روزها.

پرسش پارسیایی تفکر است. البته اگر پرسش باشد و تفکری که به پارسیایی برسد.

«کتاب ما نیز همانند انسان‌ها هستند، برخی از آنها با ظاهری فریفته و شیرین کلام، دروغ می‌گویند و شما بلافاصله متوجه آن‌ها می‌شوید. در همان وهله اول با نخستین واژه آن دروغ را نه از واژه‌ها و کلمات، بلکه از لحن سخن درمی‌یابید، چرا که حقیقت همانند موسیقی است و با لحن سخن پیوندی جاودانه دارد و اگر در این موسیقی (ش) به اشتباه نوازنده شود، کاملاً محسوس است.

مانی توایم علت اشتباه آن را بگویم اما مطمئنم که اشتباهی در کار است.»

ویژگی بارز قصه‌های احمدرضا احمدی در این است که این قصه‌ها هرگز به مخاطب خود دروغ نمی‌گویند. فضای قصه‌های احمدی غالباً در آرامش تصویر می‌شود و از ازدحام و نفور شخصیت‌ها و یا دیالوگ‌های متعدد به دور است. فهرمانان قصه‌های او را اغلب پس‌پس‌هایی تشکیل می‌دهند که خود به جست‌وجوی حقیقت می‌پردازند و از زندگی را به کمک پروردی دوست‌داشتنی کشف می‌کنند، از این رو، محوریت داستان‌های او در حضور فعال یک کودک و کمک‌ها و راهنمایی‌های یک پیرمرده است که شکل می‌گیرد و در پایان قصه، این پسرچه است که در متن داستان حضور دارد و پیرمرده، پس از اقبالی نقش ارشاد و هدایت قصه را ترک می‌گیرد و ناپدید می‌شود.

هم سطر ، هم سپید



نقدی بر چهار کتاب از احمدرضا احمدی

از نوع شادی‌های سطحی و زودگذر و با بازی‌های ساده‌انگیزی که به طور افراطی کودک را سرگرم می‌کند و به هیجان می‌آورد نیست. شادی‌های قصه او در بخش‌های عمیق وجود کودک رخنه می‌کند و لذت کشف زندگی را در ابعاد ذهن کودکانه‌اش به وی می‌بخشد.

از توضیح در قصه‌های او خبری نیست و عنصر رنگ، نه فقط فضای همه قصه‌های نویسنده را رنگی کرده بلکه به تصویرگران قصه‌اش هم این فرصت را داده تا پایه‌های او در نوازشگری چشم و روح کودکان نهایت هنر خویش را به کار گیرند و اگر چه قصه‌های احمدی به قدری تصویری‌اند که آنچه او می‌گوید به وضوح می‌توان دید اما سهم تصویرگران داستان‌های او را نیز در این موفقیت نباید گرفت.

اما وقتی من به همه آن قایق‌های کاغذی رسیدم، نتوانستم نویسم و نگویم که احمدرضا احمدی شاعری قصه‌پرداز و نویسنده‌ای شاعر است.

همه آن قایق‌های کاغذی با آن همه رنگ‌های سرخ و آبی و بنفش و پرتقالی از پسرگی با چشمان آبی شروع می‌شود و با پیرمردی با چشمان آبی ادامه می‌یابد، هر دو در کنار ساحل، یا قایق‌های رنگی رها شده در دریا، هر دو منتظر، هر دو در سکوت و غرق در اندیشه و آنچه در قصه، محاصرات می‌کند رنگ است و رنگ... رنگ‌های پرتیش و گویایی که هر احساسی‌ای که بخوایم در آن می‌تپد از رنگ‌های تند و سرزنده شاد تا رنگ‌های ساکت و معشگین.

تمادهای مه و برف و دریا
در مجموع طبیعت، در
قصه‌های احمدی بیانگر
رازهایی هستند که در
ذهن و اندیشه کودکان
وجود دارد

سرخ رنگ و خوشه‌های طلایی گندم و انگورهای سبز و لپاس‌ها و گل‌ها و شمع‌ها و مداد رنگی‌ها.

اعتراف می‌کنم که قایق‌های این قصه، لحظه‌ها خواننده‌ای، اعم از کودک و بزرگسال را طراوت می‌بخشد و در پایان قصه، پسر بچه که حالا پیرمردی شده، نتیجه رنجی که کشیده است و حاصل سعی و انتظار خودش را در ساحل نشین با ساحل نشینان می‌بیند. مردم ساحل نشین با شمع‌های روشن و ماهی‌های قرمز شاد شده‌اند. حال، آنان خودی‌های رنگارنگ و درختان پرتقال دارند و خانه‌هایشان رنگ غروبس و شادی به خود می‌بیند.

آنان این سعادت را می‌یابند که با داشتن آینه، فرصت نگریستن به خویششان را پیدا کنند. آنها سفره‌های هفت سین را شناختند و کودکانشان سواد آموختند و این‌ها همه نتیجه سعی و تلاش پسر بچه آغاز و پیرمرده پایان قصه بود. قایق‌ها مظهر، همه چیزهایی را به ساحل می‌آوردند که پیش از این مردم ساحل نشین هرگز نداشتند و بخشی زیبایی این هدایا این است که همه آن چیزهای خوب متعلق به همه است و به افراد خاصی تعلق ندارد و حالا در پایان قصه، ما، کودکانی می‌بینیم که روش و شیوه خوب زندگی کردن را آموخته‌اند و درمانی که سال‌ها به انتظار برای تریک سال نو به خانه‌ای می‌روند اما پیرمرده دیگر نیست، او رفته... پیرمرده در قصه همه آن قایق‌های کاغذی، همه چیزهای زیبا را به مردم قصه‌اش می‌دهد و ناپدید می‌شود و از این جهت

کسی سراغ قایق‌های گمشده در باد و دریا را از پسرک نمی‌گیرد، زندگی روزمره خود را طی می‌کند، هیچ‌کس نمی‌بیند و نمی‌فهمد و نمی‌داند که در کنار زندگی معمول و متعارف آنان، پسرگی با چشمان آبی هر روز چشم انتظار است. چشم او و دریا و پرتیش آبی است و پس از مدت کوتاهی پیرمردی با چشمان آبی بر لب همان دریا منتظر است اما با پیراهن سیاه، پیرمرده همان پسرک است، او عمری چشم انتظار حاصل تلاش اولیه خویشش است.

روز، همان جمعه است، مکان همان دریاست، چشم، آبی است و دلیل انتظار نیز همان است که بود... بازگشت قایق‌های گمشده در دریا، اما ناگهان فصل قصه عوض می‌شود، بگ شب پرباران بهاری از راه می‌رسد و حالا همدلی رنگ‌ها در قصه آغاز می‌شود، همه رنگ‌های قصه آبی می‌شود، آبی، گویی برای احمدی رنگ آرامش و رستگاری است... وقتی شب بهاری فرا می‌رسد رنگ لباس پیرمرده دیگر سیاه نیست، آبی است، حالا لباس و چشم پیرمرده و دریا همه آبی‌اند که ناگهان قایقی از راه می‌رسد، قایقی آبی.

در لحظاتی که قصه به مرزهای شادی و امید نزدیک می‌شود، رنگ‌های آبی می‌شود، همه چیز آبی و شاد و آرام.

احمدرضا احمدی به معجزه رنگ و کارکرد آنها بر روان شناسی ذهن کودک واقف است و تصاویر قایق‌هایی که از راه می‌رسند با رنگ‌های سبز و سپید و سرخ و زرد که اگر چه در آغاز خالی روانه دریا گشته‌اند، حالا همه پر است از ماهیان

با قصه (The Hardy Gurdy man) مشابهت می‌یابد. در قصه روزی که همه بی پایان بوده باز هم پسریچه‌ای سرنوشتش به یک پیرمرد مهربان و خرمند گره می‌خورد و راز زندگی را از وی می‌آموزد و در پایان پیرمرد نابیند می‌شود و پسرک پاسخ تلاش‌های خود را می‌بیند.

در همه داستان‌های اسمدی کودکان وادار به فکر می‌شوند، تجربه‌های زندگی را خارج از خانه به دست می‌آورند، پیرمردی دورانداز آنان را هدایت می‌کند و کودکان با جلوه‌هایی که باعث زحمت و تلاش آنان است به خانه بازمی‌گردند.

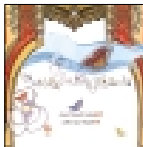
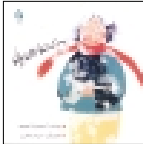
در قصه روزی که همه بی‌پایان بود کودک با سعی خویش از مه که نماد الهامات دنیای ذهنی اوست رها می‌شود و آفتاب - که حضورش کیمیاگونه در قصه‌های اسمدی دارد- جای آن را می‌گیرد.

همچو عناصر، در قصه‌های احمدرضا احمدی، در حدی است که او به جای اینکه وقت خواننده کتابش را با دیالوگ‌ها و بردافت‌ها بگذراند به تصاویر

برادر، با مادری که گریه مهربان است اما نقشی فعال در زندگی پسر ندارد و پدری که اول قصه به سفر می‌رود و تا آخر قصه هم از سفر باز نمی‌گردد و کمبود او را پیرمرد قصه- که شاید همان پدر بزرگ باشد- جبران می‌کند.

قصه هبسرک تنها تروی برفه، اگر چه باز هم قصه پسری است تنها که به کشف رازهای زندگی می‌پردازد اما جلایات‌های خود را داراست. در این داستان پرازیب، که همه جا در سیدی برفه پوسیده شده سرهای یک زمستان پرهیجان احساس می‌شود و نویسنده با الوراک احساسات کودکان از لذت برفه دست به فضا سازی نمادین اکتشافات کودکی می‌زند.

احمدرضا احمدی، هر لحظه به کودکان پرتلاش قصه‌اش هدیه می‌دهد. او با هدایای دلپذیر در قصه‌اوقات کودک را سرشار می‌کند و طبعش را سیراب می‌سازد و مخاطب هنوز در لذت خیال‌انگیز رنگ‌های بخش و زرد و صورتی است



احمدرضا احمدی به گونه‌ای ظریف کودکان را با جلوه‌های فرهنگ ایران آشنا می‌کند و رغبت کودکان را به سوی خصیصه‌های بومی جرمی‌انگیزد

بدریس، لحظات او را سرشار می‌سازد و گفتنی‌ها را می‌گوید.

گلوله نبح قرمز، ضربه‌های ساز سه تار، عطر سیب‌سرخ، طعم نان و سبزی تازه، پیرمرد و نغمه سه‌تار و ... هر صدای سازه‌پیشتر در فضای قصه می‌پچد، هر ترفیق ترم می‌شود.

احمدرضا احمدی به ظریفی ظریف و نرم کودکان را با جلوه‌های فرهنگ ایران آشنا می‌کند و رغبت کودکان را به سوی خصیصه‌های ملی ایران برمی‌انگیزد.

و در قصه روزی که همه بی‌پایان بوده همانند دیگر قصه‌های احمدی پیرمرد نابیند می‌شود و سه تار به عنوان آخرین نماد الهامات پسرک در زندگی باقی می‌ماند.

باز هم پسری تنها در روز جمعه در یک روز برفی از خانه بیرون می‌رود تا به تجربه‌ای تازه دست یابد. پسری از یک خانواده کم‌جمعیت، بدون خواهر و

که ناگزیر می‌شود به تجربه تخیلی یک طاووس رنگارنگ دست یازد و هنوز در تصور طاووس است که چیزی به نام گرگ‌افزون دهنش رامشغول می‌کند و همچنان از راه می‌رسد، چراغ روشن و گل‌های پامچال و میوه‌های رنگ به رنگ انجیر و گلابی و انار و... و ساعت و یادآوری ارزش وقت و مثل همیشه در پایان، ساز و پیرمرد مهربان.

کودک این قصه با آن همه تلاش و غلبه بر ترس‌ها، سرانجام با کوله‌باری از تجربه‌های خوب به خانه می‌رسد، خانه در قصه‌های اسمدی جای امنی است که بچه‌ها، تجربه‌های خود را سرانجام در آنجا پیاده می‌کنند، اما گاه جای خواهر و برادر پند و مادر در قصه‌های نویسنده به شدت خالی است.

کودکی با آن کوله‌بار سرشار از هدایا و خوراکی‌ها به خانه می‌آید، مادر کجاست؟! پدر کجاست؟! خواهر و برادر یا همسایه‌ها کجا رفته‌اند؟! اینکه کودکان قصه‌های احمدی بی‌نام هستند



مساله‌ای نیست، اما آنها کاتلف رازهای زندگی اند و هدایای خود را می‌گیرند و غالباً به خانه می‌آیند اما از این به بعد باز هم تنها می‌مانند و مخاطب در قصه‌های جان است و مخاطب دنبال یک دست نوازش با کلام مهرآمیز آخر داستان خشکشان می‌زند.

صدای ساز از شیشه شربت مادر بزرگ
موسیقی در آثار احمدرضا احمدی، به طرز شگفت‌انگیزی آخرین حرف قصه را می‌زند در قصه «شائنی» مردنوازنده تنها کسی است که نشانی کودک سرگشته را می‌داند و لحظه‌ای که حضور او در داستان احساس می‌شود، دیگر از شیشه شربت مادر بزرگ صدای سرفه بیرون نمی‌آید و به جای صدای سرفه، صدای ساز، از شیشه شربت بیرون می‌آید.

برای کودکی که به صدای سرفه مادر بزرگ عادت کرده، صدای ساز ناآشناست و به همین دلیل او از مرد نوازنده می‌پرسد که این، صدای چیست؟ مرد نوازنده می‌گوید: صدای تاز من است، من نوازنده هستم.

در این قصه نیز هوا سرد است، زمان، اوایل هفته -روز چهارشنبه و (کاد) جمعه است- فقط یکی دو مورد دیالوگ وجود دارد و بیشتر داستان به صورت روایت بیان می‌شود اما موتیف‌های قصه بسیار قوی‌اند و پر کشش و هیچ گونه گسستی بین آنها وجود ندارد.

اصناف و مشاغل و خوراکی‌ها و گل‌ها و چیزهای روزمره و دستپای، همه دستمایه‌های سمبلیک نویسنده قرار گرفته‌اند و کودک به طرز بسیار ظریف و غیر مستقیم با موضوعات اجتماعی و انواع گل‌ها و رنگ‌ها و خوراکی‌ها آشنا می‌شود.

کودک قصه نشانی نیز، خود به تنهایی به اکتشاف دست می‌زند و راز زندگی را به تنهایی کشف می‌کند و برای این نوع حرکت و تلاش قطعاً به بیرون از خانه می‌رود. پیرمرد دیگر در قصه‌ها جای خود را به مرد نوازنده می‌دهد و باز هم کودک این قصه از خانواده‌ای ساکت و کم‌جمعیت انتخاب می‌شود و روایت قصه برخلاف داستان‌های دیگر، به روایت اول شخص است و از زبان قهرمان قصه، کودک این ماجرا، با مادر بزرگ خود همواره زندگی می‌کند اما کودکان خوب و مستقل قصه‌های احمدی چرا همه لحظات خوششان فقط بیرون از خانه می‌گذرد؟! تصاویر داستان در هماهنگی کامل با متن داستان قرار دارند و بخشی از بار رسانگی (communication) پیام را در قصه‌ها بردوش می‌کشند. رنگ‌ها و تصاویر در همه آن قاب‌های کافذی» به دلیل تناسب‌های گرافیکی، با طرح قصه همخوانی دارد و هماهنگی احمدی و همتی و پاس‌سازاد، در این کتاب به عنوان نویسنده و نقاش و گرافیسیت، قابل توجه است.

تصویر سیمای پسرک در اولین صفحه کتاب با یک چشم درشت نگران و خطوط منحنی خمیده و نیم‌خفته در آخرین صفحه کتاب به چهره پیرمردی تبدیل می‌شود ؛ با خطوطی استوار، پرحضایت، نشسته و متفکر که اضطراب و انتظار در سیمایش وجود ندارد.

دست‌های در هم قفل شده پسرک آغاز صفحه تبدیل به دست‌های مثنی پیرمرد می‌شود که آرام بر روی هم نهاده شده‌اند و تصویر پنجه‌های پای پسرک با رنگ‌های قهوه‌ای و بنفش، در پایان قصه تبدیل به پاهای سبز و صاف پیرمرد می‌شوند.

مریم معصری، تصویرگر هبسرک تنها تروی برفه با الوراک دوست از نمادهای قصه و رسیدن به هدف‌ها، نویسنده را با تصاویر گرایش‌باری رسانده و البته نمکین سیمای پسرکی که به سوی گشودن دروازه شادی می‌رود جای سوال دارد و کارهای شراره خسروانی در روزی که همه بی‌پایان بوده و نشائنی» با همه زیبایی از تنوع طرح خیالی است.

خواننده و نخواننده

سیدمحمداحصایی

رمان آدم را از کار و زندگی می‌اندازد



اهالی هنرهای تجسمی، سیدمحمد احصایی را به خاطر خطاطی‌هایش می‌شناسند، هر چند او یک نقاش قابل هم هست. احصایی هم همچون نولدین زین کلک ترجیح می‌دهد چند کتاب را به طرز همزمان بخواند. «زمینی، آسمانی» (گفت‌وگویی علیرضا هاشمی‌نژاد با آیین آفنداشلی) یکی از آخرین کتاب‌های است که این هنرمند پیشکسوت خوانده است. او درباره عادت کتابخوانی‌اش می‌گوید: من عادت دارم چند کتاب را با هم بخوانم. معمولاً چند کتاب مختلف دم دست دارم و هر زمان یکی از آنها را می‌خوانم. کتاب دیگری که این روزها لحظاظ این خطاط را پر کرده، منتقدان فرهنگ» با ترجمه ضیاء موجد است. او همچنین زندگی‌نامه مولانا نوشته توفیق سبحانی را در دست دارد اما رمان آگنسی بزرگ» از فیتر جرالد این هنرمند را به دنبال آن دانسته، البته احصایی این کتاب را با ترجمه زنده‌یاد کریم امامی خوانده است. رمان «نام گل سرخ» نوشته امیرا توکم هم برای او بسیار لذت‌بخش بوده است. او ترجمه این رمان را بسیار دقیق می‌داند.

شاید برای خوانندگان جالب باشد که بشوند سیدمحمد احصایی در کودکی کتاب‌های آرسن لوپن را می‌خوانده است، او خود در این باره می‌گوید: کتاب‌های آرسن لوپن کتاب‌هایی پلیسی است و من در کودکی علاقه خاصی به آنها داشتم. «جنگ و صلح» لستوی، «بیتوبیان» و «کتور هوگو، «دان کریستف» رومن رولان و «حاطرات مرقدان» نوشته دانستویفسکی از دیگر کتاب‌های دوران کودکی و نوجوانی ز یادمان می‌خوانده، ولی این روزها کمتر رمان می‌خواند. او در عوض ترجیح می‌دهد کلیات سعدی و منشی بخواند. احصایی درباره دلیل نخواندن رمان می‌گوید: من عادت دارم یک‌بار یک رمان را با وقتی به پایان نبرده‌ام بر زمین نگذارم، البته پیش آمده که رمان‌هایی مثل «بامداد خمار» پیرمرد و دریا» و «ملازم» را یک نفس خوانده‌ام، ولی چنین روشی آدم را از کار و زندگی می‌اندازد! او مدتی است که بیشتر نقاشی می‌کند، به گفته خودش یکی از آثارش که قرار است در نمایشگاه دوسالانه نقاشی جهان اسلام به نمایش گذاشته شود، او بخشنده است» نام دارد و در اندازه‌ای بزرگ اجرا شده است. در پایان می‌گوید: در جوانی همه چیز آدم به سامان است و کتاب خواندن هم سر جایش، ولی وقتی سن بالا می‌رود و اشتغالات متعدد پیش می‌آید در عادت کتابخوانی هم اثر می‌گذارد.



دانش به ظرافت چاپ اطلس و کتاب های گیتناسی

دانش به ظرافت چاپ اطلس و کتاب های گیتناسی

هیئت اسم جغرافیا که می‌آمد مله و به سرانجام می‌آمد، چوبه علم جغرافیا در نظم و محصور می‌شد که چوب پلندش را روی تخته پلا برونه بود، اما حالا تصور دیگری از این علم داریم بدون نقشه‌ها، اطلاعات شهری و روستایی و رنگ‌های و کادنه روی کاغذ ما گذشته‌های در کلبه‌ها محیط زینت جسم و صحبت کتاب‌های گزارش است. در جغرافیا و کارتوگرافی و اطلس‌ها، سوزن این معالین موبت کتب گیتناسی، جاس جغرفی» مورددهیم.

مشکل کتاب های مرجع

وقتی با مریدي سخت می‌کنی که سال‌هاچنددهه از عمرش را صرف پژوهش و تالیف در حوزه جغرافیا و نقشه‌برداری کرده است، دقیقا نمی‌دانی به او چه باید بگویی؛ به او که پیر در گیتناسی و یکی از موسسان آن در ایران است.

او می‌گوید که حدود ۸۰سال از عمر علم جغرافیا در ایران می‌گذرد و این یعنی اینکه علم جغرافیا در ایران جوان است. همسنگ جاسی جغرفی مرفعت آثار مهمی چون آثار گیتناسی ایران، آنگوه‌ها و برودهای ایران، گیتناسی نوبین کشورها و فوئنگ اصطلاحات جغرافی» است. او در سال ۱۳۳۴ز رشته جغرافیا فارغ‌التحصیل شده و ایام تحصیل را در کشور انگلستان گذرانده است. در دهه سی تمام کشور را شهر به شهر و روستا به روستا رفته و به قول خودش وجب و وجب گشته است تا نقشه کامل ایران را طراحی و تدوین کند. جغرفی می‌گوید اولین سازمان جغرافیایی ایران سازمان جغرافیایی ارتش بود که در دوره حکومت پهلوی شکل گرفته بود. آن سال‌ها دانش جغرافیا شکل بدوی و مستقیم داشت که بعدها به مرور زمان شکل و توسعه پیدا کرد. در دهه پنجاه، دو سازمان خصوصی شروع به فعالیت کردند؛ یکی موسسه گیتناسی که مدیریتش با سعید بخاری بود و دیگری موسسه دکتر محراب بود. برای کشور ی یک میلیون و ششصد هزار کیلومتر، وجود دو موسسه دولتی و دو موسسه خصوصی بسیار کم است.

او معتقد است نه فقط در زمینه جغرافیا و گیتناسی، بلکه در تمام حوزه‌های علمی و پژوهشی، کتاب‌های مرجع و قبلی اهمیت کم داریم. پیر میر جغرافیای ایران در ادامه حرف‌هایی می‌گوید؛ آنقدر که مردم دنبال شعر و شاعری هستند، دنبال علم و دانش ندارند. متخصصان تالیف و ترجمه‌کنی در حوزه جغرافیا داریم و موسسات دولتی معمولا در طول سال آثار قابل توجه، کم ارائه می‌دهند. بخش خصوصی هم در حد نوشتن کار می‌کند، اما این کار جوانگویی همه نیازهای کشور نیست. از طرفی هزینه چاپ یک کتاب در حوزه جغرافیا و گیتناسی بسیار بالاست و از طرف دیگر توان کار و تلاش پژوهشگر و محقق هم محدود است. اینها محصور و محرومانی است که بااستی می‌شود کتب منبع سروری گیتناسی به تعداد ده انگشت هم نرسد. از سوی استیال زیادی هم از این نوع کتاب‌ها نمی‌شود و مصرف عمومی ندارد؛ مگر اینکه در شهری از ایران یا بعضی از جهات اتفاق بیفتد و تکنیکاری کنشی تحریک شود تا برای کتب اطلاعات و شناختی از آن محل، به کتاب‌های گیتناسی رجوع کنند.

از کتاب‌های مهمش آکوه‌های ایران و اردوهای ایران را کتاب‌های عمومی نمی‌داند و موارد مصرف آنها را مانند فرهنگ لغت عمران می‌کند، بیسی وقتی کنشی به اطلاعاتی درباره مفروضات یا زنده بود یا کوه ماندن احتیاج دارند به سراغ این کتاب‌ها می‌آیند. البته در کشورها ای وپایی معمولا اینطور کتاب‌ها درست مثل کتاب و هنک لغت، در خانه‌ها وجود دارد، اما در کشورها کمتر در کتابخانه‌های شخصی دیده می‌شود. به گمان من باید مردم را نسبت به اینطور کتاب‌ها و کاربردشان توجیه کرد و اینطور کتاب‌ها را به آنها معرفی کرد، در

حال عمل برای اینکه کتب گیتناسی اوزان‌تر چاپ شود به پاره درانی احتیاج است. مرفعت ادناتی محمدآ، اطلس منظومه شناسی» و «دایرةالمعارف جغرافی» در حال حاضر مشغول تدوین کتاب دانشتیی‌های گیتناسی است که چند جلد است و تاکنون به حرف ۱۹۱ رسیده است. نگارنی از هزینه چاپ این کتاب چند جلدی، در مهندس جغرافی وجود دارد؛ او که بیش از سی سال در دانشکده شهرسازی و نقشه‌کشند تدریس کرده و شاگردان بسیاری تربیت کرده، می‌گوید: «۳۷ سال در سازمان جغرافیای کشور کار کرده‌ام، ولی جوی شایف است که این سازمان با امکانات مالی و نیروی انسانی زیادی که دارد، هنوز

یازدهمی بخش خصوصی را ندارد، قبل از انقلاب کتابی را با عنوان افقته خوانی نوشتیم، از آن سال تا به حال، هنوز کسی چیز تازه‌تری به آن اضافه نکرده است.» این آسپب و ضعف است.

در حال حاضر چند دایرةالمعارف در حال شکل‌گیری و تدوین است که همه آنها بخش مربوط به جغرافیا دارند و در اکثر آنها از جمله دانشنامه بزرگ جهان اسلام، عناصر جغرفی هنکاری دارد این امر شناختگر اهمیت یافتن و ضروری شدن دانش جغرفی و گیتناسی است.

از مریدی که چند دهه از عمرش را صرف پژوهش و تحقیق درباره جغرافیا و نقشه‌برداری کرده است می‌پرسم آیا از راه کار حرفه‌ای، موفق به کتب درآمد و امر معاش می‌شود؟ می‌گوید: از کار حرفه‌ای درآمد داشته‌ام و زندگی کرده‌ام، ولی واقعیت این است که اگر کمک‌های روحی و مالی همسرم نبود، اوضاع بسیار مشکل می‌شد.

تقصص برای تالیف کتاب

دکتر سعید بخاری رئیس موسسه گیتناسی و جغرافیا است؛ تهاوی متعلق به بخش خصوصی که مهم‌ترین کارهای پژوهشی و تالیفی او در حوزه گیتناسی ارائه کرده است. مهم‌ترین اطلس گیتناسی ایران با نام اطلس کامل گیتناسی؛ زیر نظر او، توسط یک تیم متخصص و حرفه‌ای تالیف شده و از سال ۵۱ تا به حال هر سال تجدید چاپ می‌شود.

خودش می‌گوید: «بایدان کتاب به علت خاصیت آموزشی اش، هر سال مورد نیاز تعداد زیادی از دانش‌آموزان و دانش‌جویان است و در شمارگان دست هزار نسخه تجدید چاپ می‌شود. این کتاب تنها منبع در ایران است که به طرز کامل اطلاعاتی درباره شهرها و کشورها ارائه می‌دهد و منافسه تا به حال منبع مهم دیگری در این حوزه تالیف و منتشر نشده است. تهیه و چاپ نقشه و کتاب‌های مربوط به جغرافیا مسئولیت زیادی دارد و به تخصص بالایی نیاز دارد، به همین دلیل کمتر به این کار می‌پردازند. یک غلط‌چاپی و یا اشتباه در ترجمه یک کلمه کافی است تا نقشه و کتاب معنی‌ها، محقق و در جست‌های زیادی به هدر برود. به دلیل تخصصی بودن و حساسی بودن کار، کتب مربوط به گیتناسی، کمتر تهیه و چاپ می‌شوند.

بخاری می‌گوید: دانشنامه جهان اسلام که چاپ

یک غلط چاپی و یا اشتباه در ترجمه یک کلمه کافی است تا نقشه و کتابی معیوب چاپ شود و زحمت‌های زیادی به هدر برود، به دلیل تخصصی بودن و حساس بودن کار. کتب مربوط به گیتناسی، کمتر تهیه و چاپ می‌شوند

شد کتاب را برای ما آوردند. از دوازده نقشه‌ای که دو آن چاپ شده بود، یکی از آنها اشتباهی کوچک داشت. وقتی این نکته‌ها را اعلام کردیم، تصمیم داشتند کتاب را خیر کنند و از اول چاپ کنند. بخاری زمانی کارش را با اول ابتدایی شروع کرده است با تاریخ‌خانه و فیلم و ریزنگ‌های ابتدایی. از امکانات ضعیف تا حالا که یک موزه بزرگ و فعال در امر گیتناسی در ایران محسوب می‌شوند.

از او درباره فارغ‌التحصیلان جغرافیا می‌پرسم و اینکه آنها کارهای تازه‌ای انجام می‌دهند یا نه؟ او به ضعف در کار عملی اشاره می‌کند، و می‌گوید: «در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها پویا شده‌اند، ولی نکته مهم این است که در دانشگاه معمولا فقط آموزش تئوریک می‌دهند.



دانشجو تئوری اش قوی می‌شود اما کار عملی اش مشکل دارد چون تجربه کار عملی ندارد. فارغ‌التحصیلان، معنای اصطلاحات را نمی‌دانند اما از انجام کاری در حوزه مطالعه‌اش عاجزند.

در حال حاضر تعدادی از کتاب‌های مهم و مرجع گیتناسی؛ با نام‌های فلسفه و جغرافیا، تالیف دکتر شکوهی، «انقشه‌های نو و نقشه جغرافیا، گیتناسی جدید کشورها، اطلس راه‌های ایران در سال ۱۵۱۵ وجود دارد.

رئیس مرکز گیتناسی ایران می‌گوید: سازمان‌های دولتی مثل سازمان جغرافیا و نقشه‌برداری، کارهای کرده‌اند، نگاه آنها بیشتر کشوری و ملی است و کار ارزنده‌ای با نام اطلس ملی را تهیه و ارائه کرده‌اند. از او درباره اینکه کتاب‌های گیتناسی مخاطب عام هم دارند یا نه، می‌پرسم. می‌گوید: مخاطبان اطلس‌ها و نقشه‌ها، عموم مردم هستند. به خصوص در مواقعی مثل زلزله، سیل، جنگ و سرواوت‌های دیگر، نقشه‌ها اهمیت و مصرف‌هایی پیدا می‌کنند. مردم اطلاعات مورد نیازشان را در اینطور مواقع از نقشه‌های دست می‌گیرند. در ایام تروود هم اکثر خانوادده‌هایی که به سفر می‌روند، این جلد جلد کتاب راه‌های ایران و کتاب نقشه شهرهای ایران را همراه دارند. کتاب‌های گیتناسی پاسخگویی اطلاعات شهری و جاده‌ای مردم هستند. یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در این حوزه کتاب جبهه ایران است که استفاده‌های بسیار دارد و مادر صدها تجدید چاپ و ویرایش جدید آن هستند.

راستش وقتی رفتی تهاقی این گزارش مجبور شدی چند کتاب گیتناسی را روی یک زبانه نگاهی، یک زبانه دریافتی و همه علم زمان زندگی، فلسفه یا ادبیات و شیمی و فیزیک نیست؛ فهمید ما جغرافیا ادبیات و مفهومی نداریم؛ ما بدون نقشه‌ها، گمشده‌گان کیلومترها خاک هستیم؛ پس عمر آنها که به تالیف کتب گیتناسی می‌پردازند، بلند باد.



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشگاه علامه طباطبائی

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، بی بی بیج کمان و گرفته یکی از بزرگترین و مشرف‌ترین چهره‌های روشنگر ایران بلند در فرجام راهی و جهان است. او بنسکوه و بنسکوه است که نادانان را در پهنه ادب پارسی شنود است و مظهر، پر مهر تراشور با برسخی‌ها و شکرشکی‌های خویش آن را فراموشی و معیاری بنسخته است.

دقای از آشنایی بی‌لغته شیوه سخن پارسی را در کنگره موسیقی علمی و خیریه‌های آینده دیده‌ام. می‌در می‌بینم که در پی یکدیگر می‌نفتند و سرزنش می‌پندارند و جان‌گدازها را خود به هر سی در می‌کنند و او را باه توان و شنگی و نیاز و کنجایی اش از معما و از سراب و مشراب می‌گرداند. دیگر جوان غزل‌های اوست که حیاخته‌ها خرم‌لبا و سرسختی‌هاست و خروش بی‌خویش‌ها.

مولانا در غزل‌های شورانگیز و آتشاک و سرخیز خویش، داستان پیوستگی‌ها و از خودکنسگی‌ها و از بندرتسگی‌های سرسخته، رفته از دست را بازمی‌گوید. این همه با آشنایی آنگهی و سلسله و سلسله‌ها می‌گوید. با آنکه آن ترویج را که خوب است شکر است.

که می‌پند چندان شگفتاری در شعر اندیشه سرشت و سنجاری آموختاری داشته باشد و دیوان شمس آن «مهرنامه» مولانا برحسبه‌ترین نمونه در شعرها و دانشنامه‌ها است که آن را شعر نگری می‌نامم. این هر دو از فراغ و فراتر نگری مگر تاله‌های تاب‌ریز تالی نمی‌توانند دوبتایی که شوی با مکنات شگفتی‌ها و آغاز گرفته است؛ تالی که چون از خود می‌گفته است.

از حرم دوست بر می‌تواند آنگه تا کورن در آن می‌دهد، تالی آنگه از جان و حبه و شور و تشار و تاب و تبه است؛ لیک آنگه که از لب مسافر عبور دیده می‌شود، مگر براه چوبی خاور و خلوش و بر اراج و اراش است که در گوشه‌ای افتاده است. شتری و دیدن شمس هر دو داستان تالی است و پرواز و بازیاب تاله‌های ایلاته‌هایی زا که از درد و دریغ دوری از بنسختن، جاسوز و دلگداز و آتش فروز، بر می‌آید و بری درنگ در دامان هر جان آمده و آگاه می‌گردند. آتش نهفته در جان آتش است و سپید پاک و مویلی که هر گس در آن نسوزد، یکباره است و بپرده و برده‌ای آتشده و لاشه‌ای سوده و پورده که در رنگ و بنا خوش کرده‌است و مانگه با رنگ تالی و رنگ آتش دیگر که در آن پیش برافعه است. به

از آن پس برخواهد آمد. اما تها کتشی‌هایی تالی را می‌تواند شنید و رنگ و آگه هر تاله را بازمی‌تواند شناخت که مسجون از خویش آنگه زاده‌ها تها بر استسگان و نهی‌شانگان از خویش آنگه زاده‌ها را می‌باندند و زبان یکدیگر را درمی‌باند. ای خوش آن فرخ رخ پیروز بخت که زبان آن شامخانی را که مولانا است می‌داند و با او مصل و معراج می‌تواند شد!

شماره ۵۸، شنبه ۱۳۸۵، آذر ۲۳

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

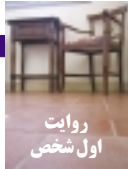
یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت

یادداشت



روایت اول شخصی

ترجمه هستی و زمان

دکتر عبدالکریم رشیدیان **استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی**

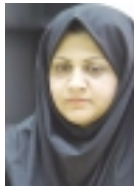
به مانند دیگر مترجمانی که مشغول ترجمه کتاب «هستی و زمان» مارتین هایدگر، فیلسوف معاصر آلمانی هستند، برگردان این کتاب مهم را در دست دارم و فعلاً به این کار مشغول هستم. من این ترجمه را بر اساس سه نسخه اصلی، ترجمه فرانسوی و ترجمه های انگلیسی انجام می‌دهم.

علاوه بر این دارم روی پژوهشی کاری می‌کنم که نمی‌توانم امیدوار به انتشار آن در آینده‌ای نزدیک بود اما می‌توانم به موضوع آن اشاره کنم؛ پژوهش در دست کار به بحث بست مدرنیته می‌پردازد.

نسخه کم شده از دوره صفویه

الهام ملک زاده تاریخ پژوه

چندی است مشغول نگارش پایان‌نامه‌ام هستم و به همین دلیل کمتر می‌توانم به کارهای پژوهشی ادامه دهم. اما قزاق شده که انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری کتابی را که ربط مستقیم با موضوع پایان‌نامه من ندارد تحت عنوان تکلیفی به امور خیریه در دوره قاجار منتشر کند. من در این کتاب رونق تاریخی گزینش ایرانیان به امور عام‌المنفعه را مورد بررسی قرار داده‌ام و بحث موقعه‌های اصلی نه‌باینه شدن این



کارها را تحلیل کرده‌ام. البته گرایش به امور عام‌المنفعه پیش‌تر به شکل مذهبی دنبال می‌شده و در اصل زمینه‌های این نوع از برداشت‌ها را پس از انقلاب مشروطه فراهم ساخته است. علاوه بر این منظومه‌سام و بهرام‌را که یک نسخه خطی گو شده از آثار فیاض‌الاهیجی طرف دوره صفویه است نیز تصحیح و به انتشارات لوح محفوظ سپرده‌ام. این نه‌باینه‌خطی از آثار این طرف دوره صفویه است که تا پیش از یافتن آن در موزه توپکاپی ترکیه هیچ‌کس از آن وجود نداشته. من این نسخه را با نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مجلس مقننه کرمان یک‌بار دیگر نیز دارم که تصوری کم بهتر است فعلاً تا پایان انتشار آن سکوت کنم و در این مجال به موضوع آن اکتفا کنم که تصحیح و نسخه‌خطی متعصر به فرد در گرایش رقابت‌های روسیه و انگلستان بر سر این معتقد است.

سیاست در ادبیات داستانی

محمد رضا کوردی داستان‌نویس

پس از انتشار مجموعه داستان «به زانو در دنیا» که سال گذشته از سوی نشر ثالث منتشر شد یک کار پژوهشی برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام داده‌ام که به احتمال قوی در آینده‌ای نه چندان دور منتشر خواهد شد. عنوان این کتاب بازتاب سیاست در ادبیات داستانی ایران است. من در این پژوهش نقب و نقدی داشته‌ام بر پرونده سیاست به عالم داستان از ابتدای سال ۱۳۷۶ تا پایان ۱۳۸۳.

علاوه بر این سعی می‌کنم تا عبید یک مجموعه داستان دیگر را به یکی از ناشران دوست (در صورت امکان نشر افق) تحویل دهم. بخش عمده‌ای از این داستان‌های کوتاه پیش از این در مطبوعات و سایت‌های ادبیات داستانی منتشر شده و تصد دارم با افزودن چند داستان دیگر مجموعه‌ای (جدال‌های رضایت‌بخش) با عنوان فعلی (او شاید قسمی) «اگر تو نردی...» آماده‌کنم. از تجدید چاپ کارهای قبلی ام خبر چندانی ندارم ولی تصوری می‌کنم فعلاً کاری نباشد!

مقایسه روایت‌های مهاجرت به حبشه

علیرضا ذکاوتی فراگزلو، مَن بزوه



کتابی از حاج صفاح‌الحق فراگزلو عارف قرون دوازدهم و سیزدهم هجری تصحیح کرده‌ام تحت عنوان «لجأت عشره» این کتاب عرفانی بحث‌هایی درباره ذکر را در خود جمع کرده و من آن را با مقدمه و تعلیقاتی تصحیح و به انتشارات حقیقت سپرده‌ام. کتاب دیگری نیز دارم که پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در دست چاپ دارد. این کتاب مجموعه مقالاتی است دربرگیرنده نقدهایی که طی چهار قرن گذشته بر ملاصدرا نوشته شده و نقدهای ملاصدرا بر دیگران. من با گردآوری این نقدها، در کتاب حاضر آنها را شرح کرده و مورد بحث و بررسی قرار داده‌ام.

گزیده آثار صفاح‌الحق همدانی عنوان کتاب بنده است که مرکز نشر میراث مکتوب عهده‌دار چاپ و انتشار آن خواهد بود. صفاح‌الحق همدانی از جمله طبیبان قرن سیزدهم هجری است و کتاب حاضر دربرگیرنده خاطرات و سفرنامه‌های وی به انضمام رساله‌ای در دامپزشکی است که هم به لحاظ نثر اهمیت بسیاری دارد و هم به جهت آشنایی اهالی علم با تاریخ تحولات پزشکی و دامپزشکی در ایران.

کتاب دیگری را هم از یکی از دانشمندان عرب به نام محمدبن فارس الجلیل به فارسی برگردانیده‌ام تحت عنوان اصلی «الهجرت الی الحبشه» (مهاجرت به حبشه) او در این کتاب که از سوی کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران منتشر خواهد شد به مقایسه روایت‌های مختلف از مهاجرت مسلمانان صدر اسلام به حبشه پرداخته است. یک تصحیح دیگر نیز از یکی از نسخه‌های کهن اسکندرنامه نقلی صورت داده‌ام که هنوز با ناشر خاصی درباره آن وارد مذاکره نشده‌ام.

علاوه بر این چند عنوانی که اشاره کردم انتشارات طرح نو قصد دارد چاپ سوم کتاب عمر خیام به همراه چاپ دوم کتاب ابوخیان توحیدی به پژوهش و نگارش بنده از روانه بازار کند.

ضرب المثل و هنجارهای ارتباطی

دکتر مهدی محسنیان **ادام‌مدرس ارتباطات و روزنامه‌نگاری**

تصویری کم بهتر است به جای نام بردن از پژوهشی که تا دو ماه دیگر به پایان می‌رسد اشاره‌ای کنم به موضوع آن تا شاید بتوان از این منظر نامی برای آن کتاب با پژوهش یافت. در سال ۱۳۹۱ یک نظر سنجی از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران کل کشور صورت داده که یکی از سوالات اصلی آن این بود: چرا تعداد اخبار کشف شده از سوی خبرنگاران روزنامه‌نگاران ایرانی در مقایسه با سایر اسالی از سازمان‌ها و موسسات بسیار ناچیز است؟ پاسخ‌هایی که به این سوال از سوی برخی از خبرنگاران داده شد موضوع تحقیق امروز ما پس از پانزده سال تشکیل داده پاسخ یکی: «دو نفر از خبرنگاران به این پرسش این بود: سری که در ذهنی کم دستمال نمی‌بندد و یک نفر هم ضرب‌المثل زبان سرخ سر سوز می‌دهد. بنده را در پاسخ به این سوال من نوشته بود: در این کتاب دو یک متوجه شدم بخش عمده‌ای از رفتارهای ارتباطی جامعه و رسانه‌های ما ایرانیان به هر حال تحت تاثیر ریشه‌های فرهنگی ماست.

این کتاب به هنجارهای ارتباطی پایه عبارتی صحیح تر ریشه‌های فرهنگی ارتباط در ایران می‌پردازد. حدود دو سال است که با دستناری نوزده نفر مشغول سامان دادن به این پژوهش با نگاه هژز سال شعر و ضرب‌المثل فارسی و کمک یک تیم ازوار تحقیقاتی خاص هستم و چنان که پیشتر نیز عنوان کردم به احتمال قریب به یقین تا دو ماه آینده به پایان می‌رسد. من در این پژوهش می‌خواهم نقش شعر و ضرب‌المثل‌هایی را که هنجارهای ارتباطی ما را شکل می‌دهند مورد تحلیل و بررسی قرار دهم و به احتمال قوی نام‌فریته‌های فرهنگی ارتباط در ایران را به عنوان نام کتاب برخوام گزید.

علاوه بر این انتشارات سروش قصد دارد چاپ هفتم کتاب ارتباط‌شناسی را منتشر کند و مرکز تحقیقات رسانه‌های معاونت مطبوعاتی نیز چاپ هفتم کتاب روش‌های مصاحبه غیربی‌مرا در دست انتشار دارد.

تفسیر نشانه شناختی قرآن کریم

حجت‌الاسلام علیرضا قائمی **نیا دین پژوه**

سنت‌گرایی عنوان کتابی است که انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در دست انتشار دارد. من در این کتاب آراء متفکران مطرح حکمت خالده نظیر زنه‌گون، فریتوف شوان و سید حسین نصر را به شکلی تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار داده‌ام. قرآن و معرفت‌شناسی عنوان کتاب دیگری بنده است که همین ناشر در دست چاپ دارد. کتاب حاضر در اصل برای اولین بار با رویکردی تازه به مقایسه بحث‌های معرفت‌شناختی جدید می‌پردازد و تفسیرهای متأخران را مورد تحلیل قرار می‌دهد. این کتاب به گونه‌ترین کلام رویکردی معرفت‌شناختی به آیات قرآن دارد. عنوان کتاب بعدی من بیولوژی نفس است. من در این کتاب تلاش کرده‌ام تا یک روش تفسیری برای قرآن کریم بر اساس نشانه‌شناسی پیدا کنم. کار نگارش و پژوهش این کتاب تقریباً تمام شده اما هنوز با ناشر خاصی درباره انتشار آن صحبت نکرده‌ام.

لبخند رنگی

حمید هزجو **شاعر و نویسنده کودک و نوجوان**

یک قصه منظوم با محوریت زیارت غریب‌الغریب امام رضا(ع) نوشته‌ام که هم‌اکنون در دست یکی از دوستان ناشر در مشهد مقدس است و تا جایی که در جریان هستم، قرار شده به شکل رنگی، نام «آزتر گل» را بر وی جلد داشته باشد و با نقاشی‌ها و طرح‌هایی از یک هنرمند نقاش تزئین شود. علاوه بر این، انتشارات «منادی تربیت» وابسته به آموزش و پرورش در تارک است تا مجموعه شعر «لبخند نوزنگ است» را تجدید چاپ کند. این مجموعه شعر در نمایشگاه بولونتیای ایتالیا به دلیل پرداختن به مضامین معنوی و انسانی نظیر خدا، پدر، مادر و... مورد تقدیر قرار گرفت. من در این مجموعه از شعرهایم تلاش کرده‌ام تا با نگاهی انسان‌گرایانه و معرفت‌شناختی مفاهیمی چون توره‌خداوند، طبیعت، زندگی و... را از منظری کودکانه در قالب شعر به تصویر بکشم.



پس از انتشار مجموعه داستان «به زانو در دنیا» که سال گذشته از سوی نشر ثالث منتشر شد یک کار پژوهشی برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام داده‌ام که به احتمال قوی در آینده‌ای نه چندان دور منتشر خواهد شد. عنوان این کتاب بازتاب سیاست در ادبیات داستانی ایران است. من در این پژوهش نقب و نقدی داشته‌ام بر پرونده سیاست به عالم داستان از ابتدای سال ۱۳۷۶ تا پایان ۱۳۸۳.

علاوه بر این سعی می‌کنم تا عبید یک مجموعه داستان دیگر را به یکی از ناشران دوست (در صورت امکان نشر افق) تحویل دهم. بخش عمده‌ای از این داستان‌های کوتاه پیش از این در مطبوعات و سایت‌های ادبیات داستانی منتشر شده و تصد دارم با افزودن چند داستان دیگر مجموعه‌ای (جدال‌های رضایت‌بخش) با عنوان فعلی (او شاید قسمی) «اگر تو نردی...» آماده‌کنم. از تجدید چاپ کارهای قبلی ام خبر چندانی ندارم ولی تصوری می‌کنم فعلاً کاری نباشد!